

اَمَلَتُ اِسْلَامِي فَعَالِيَتَانِ

وَزَارَتُ اُمُورِ سُرْحَدَاتِ اَقْوَامِ وَقَبَايلِ  
Ministry of Borders and Tribal Affairs



مجله علمی، ادبی و فرهنگی

- ✓ اسلامي خوځښتونه ولې ناکامیږي؟
- ✓ دست آورد های امارت اسلامی در عرصه های مختلف
- ✓ روزا او تیس نپیی
- ✓ اخلاق اهمیت اسلوم دین دیدگاه تی
- ✓ تورکمن دیلی و اونی بیله کی تورکی
- ✓ گوري زیبه نی منظوم ولسي ادبه کې بگتی
- ✓ جایگاه تاریخی و فرهنگی ولایت غزنی

# Hamwatan MAGAZINE

January - March 2024



mobta.gov.af  

دربیم مکروریان، د هوایی بگر سرک، کابل

+93 (0) 20 231 1711 

info@mobta.gov.af 



## فهرست مطالب

|            |       |
|------------|-------|
| ۱- مقاله   | ----- |
| ۳- خبرها   | ----- |
| ۱۳- مقالات | ----- |

### هیئت تحریر

- ۱- محترم مولوی احمد طه قادری
- ۲- محترم ملا حمدالله فطرت
- ۳- محترم سرمحقق خیر محمد حیدری
- ۴- محترم محمد زمان کلمانی
- ۵- محترم محقق شریف الله سائین
- ۶- محترم معاون سرمحقق عبدالمجید ندیم
- ۷- محترم محقق نوریاعدی نور
- ۸- محترم سید احمد مباشر
- ۹- محترم مولوی عبدالرزاق
- ۱۰- محترم نور آغا خلیلی
- ۱۱- محترم دوست محمد منجانی

صاحب امتیاز: وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل

مدیر مسؤل: محمد آصف سروری

سکرتیر مسؤل: عبدالمحبوب حمیدی

مدیر تصحیح: دواجان عظیمی

خبرنگار: عبدالمبین حیدری

به جز از سرمقاله مسؤلیت مقالات و مطالب  
دیگر به دوش نویسندگان محترم می باشد .

# سر مقاله

## افغانها متحد و یکپارچه اند

ملت شریف افغان در سرزمینی زندگی میکنند که اقوام مختلف با هم برادر و با هم برابر را در آغوش خود جا داده و با اینکه دشواری های متعدد را در طول تاریخ تجربه نموده و شرایط دشوار را پشت سر گذاشته اند بازهم با تمامی ناهنجاری ها با همدیگر در فضای اخوت اسلامی متحدانه زندگی می کنند.

متاسفانه در طول تاریخ کشور های متعدد متجاوز که هر کدام خود را امپراطور جهان می نامیدند بالای کشور ما تجاوز نموده اند که در مقابل آن ملت غیور افغان متحدانه و با متانت دست بدست هم داده از سرزمین خویش صادقانه پاسداری نموده و در مقابل تجاوزگران مبارزه کردند که به نصر ت الهی توانستند گلیم اشغالگران را برچینند.

در طول تاریخ دشمنان این خطه تلاش کرده اند تا از راه تفرقه اندازی میان افغان ها به اهداف شوم خود نایل گردند و به عناوین مختلف ملت ما را از هم دور سازند، اما ملت غیور، بیدار و هوشیار ما همیشه متحدانه تلاش نموده اند، تا دشمنان و مغرضان به دسایس شیطانی شان دست نیابند و مردم ما با دستان خالی، اما با اتحاد و همبستگی و اراده مستحکم برای سربلندی خویش مبارزه نموده و تاریخ این را به اثبات رسانده است که افغانها در میان خویش اخوت و برادری را همیشه ترجیح داده اند .

تاریخ گواه آنست که متجاوزان هر بار که به افغانستان تجاوز نموده اند، با شرمساری تاریخی مواجه شده و کوشش های آنها برای تحقق اهداف و برنامه های غیرانسانی شان به باد فنا رفته و با ناامیدی رهسپار کشور های خویش گردیده اند.

افغانستان امروز در کنار آزادی و استقلال سیاسی از آرامش خوبی برخوردار است که مردم ما با امید واری زیادی به طرف بازسازی و آبادی در حرکت هستند و هر فرد افغان آینده روشن و آباد کشور را در ذهن و ضمیر خود می پروراند.

الحمدلله با پیروزی امارت اسلامی افغانستان گلیم توطئه و دسایس دشمنان برچیده شد و آرمان های شوم اشغالگران به خاک یکسان گردید و نظام امارت اسلامی افغانستان به هیچ صورت نمی گذارد که دشمنان شیرازه اخوت و برادری را در میان اقوام ساکن کشور ازهم بپاشند و دست آورد های که با خون شهدای پرافتخار وطن و با مبارزات طولانی بدست آمده است ، دست خوش توطئه دشمنان وطن گردد.

# خبرها

- ❖ برگزاری نشست استحکام نظام اسلامی و تقویت وحدت ملی
- ❖ مشکلات مسافری و مهاجرین عودت کننده از دروازه تورخم استماع گردید
- ❖ دیدار با بزرگان قومی و عالمان دینی ولسوالی ده سبز
- ❖ دیدار با بزرگان قومی کوچی ها
- ❖ برگزاری نشست وحدت و انسجام میان اقوام در ولایت خوست
- ❖ په پکتیا ولایت کې د همغږي یوه ستره ولسي غونډه جوړه شوه
- ❖ تدویر نشست انسجام و هماهنگی میان اقوام در ولایت پکتیکا
- ❖ برگزاری نشست وحدت و همبستگی میان اقوام در ولایت غزنی
- ❖ برگزاری سمینار آموزشی برای علما و متنفذین قومی در ولایت لوگر
- ❖ تدویر ورکشاپ برای سرخیلان کوچی ها
- ❖ حل اختلافات ۴۰ ساله در ولایت پنجشیر





## برگزاری نشست استحکام نظام اسلامی و تقویت وحدت ملی

۲۷/۷/۱۴۴۵

الحاج مولوی عبدالکبیر معاون سیاسی ریاست الوزراء در این نشست بیان داشت جای خوشحالی است که ماو شما مثل گذشته در اختلافات ذات الیینی قرار نداریم، تحت قیادت یک رهبر واحد در زیر چتر نظام اسلامی زندگی می نماییم، و هیچ وقت از قدرت خود در مقابل مردم استفاده نمی کنیم.

وی افزود افغانستان متشکل از اقوام مختلف می باشد، امارت اسلامی به تمام اقوام به دیده قدر مینگرد، همه مردم کشور در کسب آزادی و استقلال کشور سهم داشتند.

شیخ محمد خالد حنفی سرپرست وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر و سمع شکایت گفت: هدف از جهاد خاتمه اشغال، کسب استقلال کشور و برقراری نظام اسلامی در کشور بود که این اهداف به نصرت الهی بدست آمد.

نشست بزرگ مردمی تحت عنوان استحکام نظام اسلامی و تقویت وحدت ملی از سوی وزارت امور سرحدات اقوام و قبایل به سطح هفت ولایت زون مرکز کابل در خیمه لویه جرگه دایر گردید.

در این نشست الحاج مولوی عبدالکبیر معاون سیاسی ریاست الوزراء، الحاج ملا نورالله نوری سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل، ملا محمد یعقوب مجاهد سرپرست وزارت دفاع ملی، شیخ محمد خالد حنفی سرپرست وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر و سمع شکایات، شیخ ندامحمد ندیم سرپرست وزارت تحصیلات عالی، مولوی حمد الله نعمانی سرپرست وزارت شهر سازی، معینان این وزارت، عالمان دینی و متنفذین قومی هفت ولایت زون مرکز کابل حضور داشتند.



قرار داشته باشیم. محترم مجاهد در ادامه گفت، به همه اقوام افغانستان اطمینان میدهم که در نظام اسلامی تفرقه وجود ندارد و قوم و قبیله وسیله برای شناخت می باشد، همه اقوام ساکن این کشور فرزندان این سرزمین هستند.

در اخیر الحاج ملا نورالله نوری سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل به اشتراک کنندگان خوش آمدید گفته افزود، شما مردم بالای نظام حق دارید که حاکمان این نظام به دروازه شما بروند و مشکلات شما را استماع نمایند، زیرا شما در طول بیست سال گذشته برای حاکمیت نظام اسلامی و آزادی کشور در کنار مجاهدین امارت اسلامی قرار داشتید.

محترم نوری افزود، نظام متشکل از مردم است و مردم جزء از نظام می باشد، همه ما باید مشترکا برای استحکام نظام، تامین وحدت ملی، حفظ آزادی و استقلال کشور کار کنیم، خدمت به مردم وجیبه و فریضه بزرگان امارت اسلامی است.

محترم حنفی می گوید، مسئولیت رعیت این است که از نظام اسلامی حمایت نماید و در حل چالش ها و مشکلات با نظام همکار باشد.

چند تن از عالمان دینی و بزرگان قومی به نمایندگی از دیگران در این نشست صحبت نموده از کارکردهای امارت اسلامی در طول دو سال گذشته ابراز خرسندی کرده، افزودند که امارت اسلامی در قسمت عملی ساختن پروژه های بزرگ انکشافی و رفاه مردم کارهای مهم و ارزشمندی را انجام داده است. آنان در ادامه افزودند، فرزندان این خاک با خون خود از مقدسات و کشور دفاع نمودند که بعد از مبارزه طولانی نظام اسلامی در کشور حاکم گردید. از جهانیان تقاضا داریم که دوباره افراد تجربه شده و جنگ سالار را برما تحمیل نکند.

ملا محمد یعقوب مجاهد سرپرست وزارت دفاع ملی در مورد اهمیت وحدت ملی گفت، وحدت ملی تنها به شعار نه بلکه در عمل در اتحاد و اتفاق در کنار هم





## مشکلات مسافرین و مهاجرین عودت کننده از دروازه تورخم استماع گردید

۱۴۴۵/۷/۱۴

در این محفل مولوی محمد نظامی معاون قول اردو، ملا محمد نعیم اخند والی ننگرهار، حافظ انخرگل درستیزوال و مسئولین ریاست های مختلف حضور داشتند. در آغاز محفل معاون قول اردو به هیئت خوش آمدید گفته و از اشتراک کنندگان محفل خواست که صحبت های سخنرانان را با دقت استماع نموده و از آن استفاده اعظمی کنند، تا برای خدمت به جامعه آماده شوند. سپس محترم نوری سرپرست وزیرامور سرحدات، اقوام و قبایل در این محفل به اصلاح فکری و عقیدتی اشتراک کنندگان، با توجه به احکام الهی، تطبیق کامل فرامین عالیقدر امیرالمؤمنین حفظ الله، اهمیت خدمت صادقانه در نظام اسلامی و موضوعات مهم دیگر اشاره نموده و در مورد تطبیق آن به مجاهدین قول اردو سفارش نمود.

الحاج ملا نورالله نوری سرپرست وزارت امورسرحدات، اقوام و قبایل در جریان سفر به ولایت ننگرهار در حالیکه حاجی خلیل الرحمن حقانی سرپرست وزارت مهاجرین و عودت کنندگان نیز حضور داشت، با مریضان، مسافرین و مهاجرین عودت کننده از کشور همسایه، پاکستان دیدار کرده و مشکلات آنان را از نزدیک استماع نمود. در این دیدار محترم الحاج نوری به مسافرین و برگشت کنندگان اجباری از دروازه تورخم اطمینان داد که مسئولین کمبسیون های موظف و دخیل در این پروسه متوجه مسئولیت های خویش در هر بخش می باشند که جهت فراهم ساختن سهولت هرچی بیشتر برای شما تلاش می نمایند. طبق یک خبر دیگر الحاج ملا نورالله نوری، سرپرست وزارت امورسرحدات، اقوام و قبایل در جریان سفرشان به ولایت ننگرهار با مسئولین و مجاهدین قول اردوی ۲۰۱ خالد بن ولید در یک مراسم اشتراک نمود.



## دیدار با بزرگان قومی و عالمان دینی و لسوالی ده سبز

۱۴۴۵/۷/۱۱

## دیدار با بزرگان قومی کوچی ها

۱۴۴۵/۷/۱۱

مولوی محمد اسماعیل غزنوی معین بررسی سرحدات، وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل در حالیکه مولوی گل زرین کوچی رئیس عمومی انسجام امور کوچی ها نیز حضور داشت، با شہاری از بزرگان و متنفذین قومی کوچی های کابل در تالار کنفرانس های این وزارت ملاقات نمود.

در این دیدار چند تن به نمایندگی از دیگران صحبت نموده از کارکردهای این وزارت در بخش انسجام و همبستگی اقوام و حل منازعات ابراز خرسندی کرده و یک سلسله مشکلات خویش را در بخش علفچرها و زمین با محترم غزنوی شریک ساخته و خواهان رسیدگی به خواسته های شان گردیدند.

سپس محترم غزنوی معین بررسی سرحدات، ضمن خوش آمدید به بزرگان کوچی ها، این وزارت را مرجع مهم حل مشکلات اقوام دانسته افزود که شا هروقت می توانید مشکلات و خواسته های خود را با ما شریک سازید.

وی همچنان همکاری با متنفذین قومی را در چوکات شریعت مسئولیت خویش یاد نموده اضافه کرد که مشکلات شا را جهت رسیدگی با ارگانهای ذیربط می رسانیم، تا در این زمینه اقدام صورت گیرد.

الحاج ملا نورالله نوری، سرپرست وزارت امور سرحدات اقوام و قبایل در دفتر کاری خویش با تعدادی از متنفذین قومی و عالمان دینی و لسوالی ده سبز ولایت کابل ملاقات نمود.

در جریان این دیدار چند تن از بزرگان قومی و علمای کرام به نمایندگی از دیگران صحبت نموده، جهاد و مبارزه باشندگان و لسوالی نامبرده را در مقابل اشغالگران بی دریغ خوانده، مناطق شان را از بسیاری سهولت ها بی بهره یاد نمودند. آنان می گویند که هنوز هم باشندگان این و لسوالی به مشکلات زیادی روبرو هستند و حکومت باید سهولت ها را در قسمت اعمار سرک، کلینیک و دیگر پروژه های انکشافی بوجود بیاورد.

محترم نوری سرپرست وزیر به بزرگان قومی خوش آمدید گفته افزود، که احسان بزرگ از جانب الله تعالی (ج) بالای ما می باشد که حکومت اسلامی و مردم جهاد پرور را نصیب ما ساخته است. وی در ادامه گفت: مردم بالای ما حق دارند که شب و روز به آنها خدمت کنیم، زیرا این مردم در بیست سال گذشته در کنار ما قرارداد داشتند اکنون فراهم ساختن سهولت ها برای آنها زمه واری ما می باشد. وی به بزرگان قومی اطمینان داد که مشکلات آنان را به وزارت های مربوطه میرساند و به آن راه حل پیدا خواهد کرد.





## برگزاری نشست وحدت و انسجام میان اقوام در ولایت خوست

۱۹/۶/۱۴۴۵

بزرگان قومی در صحبت های خویش در این نشست گفتند، که آنان از قلمرو، مقدسات اسلامی، کلتور و تمامیت ارضی کشور حفاظت نموده اند، و آماده هر نوع قربانی در این زمینه هستند و از نظام موجود حمایت می نمایند. متنفذین قومی افزودند: مشکلات و موانع که در دوره حکومت قبلی برای بین بردن همبستگی اقوام بوجود آمده بود با آمدن امارت اسلامی از بین رفته و تلاش ها از جانب ارگانهای مسئول برای دور ساختن آن جریان دارد.

در اخیر محترم عابد معین جرگه ها و هماهنگی امور قبایل سخnerانی نموده افزود که با وجود محدودیت های جهان بازسازی، رشد اقتصادی و امنیت کارهای است که امارت اسلامی آن را انجام داده که نمونه آن در کشور های همسایه دیده نمی شود. وی مردم را به اتفاق و اتحاد فراخوانده گفت: همین اتحاد در میان مردم افغانستان موجود باشد هیچ کشوری دنیا جرات آن را نمی کند که به افغانستان تجاوز نماید.

الحاج ملا عبدالخالق عابد معین جرگه و هماهنگی امور قبایل، وزارت امور سرحدات اقوام و قبایل و هیئت همراه شان نشستی را به منظور استماع مشکلات مردم و همبستگی میان اقوام با حضور محبوب شاه قانت معاون والی مسئولین ارگانهای محلی، بزرگان و عالمان دینی در ولایت خوست برگزار نمودند.

در ابتدا محترم قانت معاون والی گفت: مردم مجاهد افغانستان به جهان نشان دادند که هیچ کس با زور و جبر این خاک را اشغال کرده نمی تواند، وی افزود حالا وقت آنست که افغانها از ارزش های اسلامی خود محافظت نمایند.

سپس محترم حقانی رئیس جرگه ها و هماهنگی امور قبایل ضمن اطمینان به مردم افزود، که تمام رهبری حکومت در تلاش است که مشکلات مردم را حل نمایند وی به عنوان مثال گفت: ما در طول سال گذشته صدها منازعه بزرگ و کوچک را حل نموده ایم که این مثال خوب کارکرد های همه ادارات می باشد.



## تدویر نشست انسجام و هماهنگی

میان اقوام در ولایت پکتیکا ۲۲/۶/۱۴۴۵

نشستی بزرگ قومی از سوی وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل به منظور وحدت، انسجام اقوام و استماع مشکلات مردم در شهر شرن مرکز ولایت پکتیکا برگزار گردید، که در آن الحاج ملا عبدالخالق عابد اخند معین جرگه‌ها و هماهنگی امور قبایل این وزارت، الحاج مولوی فیض الله جمال حقانی والی، شیخ حضرت ولی حقانی رئیس جرگه‌ها، صدها عالم دینی، بزرگان قومی و مسئولین ادارات آن ولایت، حضور داشتند.

درا ابتدا چند تن از عالمان دینی و متنفذین قومی به نمایندگی از دیگران صحبت نموده بیان داشتند: امروز، روزی است که کسی جلو بیان نمودن شعائر اسلام را گرفته نمی‌تواند، زیرا ما برای تامین امنیت و حفظ استقلال کشور در کنار حکومت قرار داریم. آنان از امارت اسلامی خواستند که زمینه کار را برای جوانان مساعد سازد و کار استخراج معادن نفت و گاز در این ولایت آغاز گردد.

سپس حضرت ولی حقانی رئیس جرگه‌ها صحبت نموده به بزرگان و متنفذین قومی اطمینان داده افزود: حالا زمینه آن فراهم شده تا در قسمت تعلیم و تربیه، زراعت و اقتصاد برای افغانها کار شود و در آینده نزدیک به همه مشکلات رسیدگی خواهد شد.

دراخیر حاجی عابد اخند معین جرگه‌ها و هماهنگی امور قبایل در سخنان خویش در این نشست گفت: امارت اسلامی اراده قوی برای تقویه نظام، آبادی کشور و حل مشکلات مردم دارد، ما خواسته‌ها و مشکلات شما را استماع نمودیم آن را به ارگانهای مربوطه می‌رسانیم تا به مشکلات شما رسیدگی صورت گیرد.



## په پکتیا ولایت کې د همغږي يوه ستره ولسي غونډه جوړه شوه

۱۴۴۵/۶/۲۰

د سرحدونو، قومونو او قبایلو چارو وزارت له لوري د پکتیا ولایت په مرکز گردیز کې له قومي مشرانو، دیني عالمانو او د ولایتي ادارو له مسئولینو سره یوه ستره ولسي غونډه جوړه شوه.

په دغه غونډه کې د ولسونو په استازولي له مرکز او ولسوالیو څخه راغلیو قومي مشرانو خبرې وکړې وېې ویل: هیچاته اجازه نه ورکوو، چې بیا دلته پردې فکرونه راوړي او د نظام پر وړاندې خلک وهڅوي. دوی له حکومت څخه ساتنه خپله وجیبه وبلله او د اسلامي امارت له مسئولینو څخه یې د غربي تبلیغاتو د مخنیوي غوښتنه وکړه.

ورپسې د وزارت د جرگو او قبایلي چارو د همغږۍ رئیس شیخ حضرت ولی حقانی د ولسونو همکاري او د اشغال پر وړاندې مبارزه د اشغالگرو د ماتې لامل یاد کړ او خپلواکي یې یو لوی نعمت یاد کړ.

په پای کې د جرگو او قبایلي چارو د همغږۍ معین الحاج ملا عبدالخالق عابد اخند د تېرې نا امنۍ یادونه وکړه، آزادي یې د الله ج یو ستر نعمت وباله او وېې ویل: په اسلامي نظام کې د انسانانو څه چې د حیواناتو حقوق هم محفوظ وي او دا پر افغان ولس د الله تعالی (ج) یوه لویه لورینه ده.



## برگزاری سمینار آموزشی برای علماء و متنفذین قومی در ولایت لوگر

۱۴۴۵/۶/۱۸

سمینار تحت عنوان نظام خانواده از نگاه شریعت وعرف از سوی مؤسسه ارتباطات برای علما دینی وبزرگان قومی در ولایت لوگر برگزار گردید.

در این سمینار مولوی محمد عالم رهبر رئیس امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت لوگر، شماری از علما دینی و متنفذین قومی مرکز و ولسوالی های آن ولایت، سجاد احمد شیرزاده رئیس ونثار احمد صافی مسئول ولایتی موسسه نامبرده اشتراک نموده بودند.

در ابتدا محترم رهبر رئیس ریاست متذکره به اشتراک کنندگان سمینار خوش آمدید گفته راجع به اهمیت وارزش موضوع صحبت نمود. سپس عبدالواسع ستانکزی ماستر ترینر در مورد موضوع نامبرده به اشتراک کنندگان سمینار معلومات مفصل و همه جانبه ارایه کرد.

در اخیر علماء وبزرگان قومی این سمینار را جهت بلند بردن ارتقای ظرفیت آنان مفید وموثر دانسته وخواستار تدویر چنین برنامه ها درآینده گردیدند.



## برگزاری نشست وحدت وهمبستگی میان اقوام در ولایت غزنی

یکشنبه ۲۵/۶/۱۴۴۵

هیئت بلند رتبه وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل نشست بزرگ انسجام و همبستگی میان اقوام را در ولایت غزنی برگزار نمود، که در آن الحاج ملا عبدالخالق عابد معین جرگه و هماهنگی امور قبایل این وزارت، والی غزنی، شیخ حضرت ولی حقانی رئیس جرگه ها، مسئولین ادارات، علما دینی و متنفذین قومی اشتراک نموده بودند.

در ابتدا چند تن از علما دینی و بزرگان قومی در این محفل صحبت نموده بیان داشتند: اشغالگران در بیست سال گذشته همه حقوق انسانی، مقدسات اسلامی، دینی و کلتوری افغانستان را زیر پا نموده و سرمایه ملی کشور را چور کردند. آنان در ادامه افزودند، که با آمدن امارت اسلامی امنیت سراسری در کشور تامین می باشد، اختلافات میان اقوام، تبعیض و بدبینی ها از بین رفته است. سپس شیخ حضرت ولی حقانی رئیس جرگه ها و هماهنگی امور قبایل در این نشست گفت، با وجود محدودیت جهانی اقتصاد افغانستان نسبت به کشورهای همسایه در حال رشد و انکشاف می باشد، و پیشرفت افغانستان از برکت شریعت و نظام اسلامی می باشد. در اخیر الحاج ملا عبدالخالق عابد معین جرگه ها و هماهنگی امور قبایل به فداکاری و قربانی های افغانستان در بیست سال گذشته اشاره نموده گفت: در آزادی کشور همه مردم افغانستان سهم داشته است، هر افغان به اندازه توان خود تلاش نموده که از مقدسات اسلامی حفاظت نماید و کشور عزیز خود را از متجاوزین آزاد سازد. وی در ادامه اظهار داشت: در بدل مبارزه بیست ساله افغانستان الله (ج) برای آنان نظام اسلامی، امنیت واستقلال داده است، اینها نعمت های هستند، که بسیاری از کشورهای جهان از آن محروم می باشند.



# حل اختلافات ۴۰ ساله در

## ولایت پنجشیر

۱۶/۷/۱۴۴۵

منازعه ۴۰ ساله میان قوم سنگی خیل و کلاب خیل در ولسوالی آبشار ولایت پنجشیر از سوی آمریت امور سرحدات، اقوام و قبایل آن ولایت با همکاری علمای کرام و بزرگان قومی طی یک نشست حل و فصل گردید.

در این نشست ملا عبدالباسط آمر امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت متذکره، مسئولین ولسوالی آبشار، علمای کرام و بزرگان قومی حضور داشتند.

در نخست ولسوال ولسوالی آبشار به هیئت و مهمانان خوش آمدید گفته مردم را به وحدت فرا خواند، مسئولین آمریت امور سرحدات، اقوام و قبایل و علمای کرام در این نشست در مورد مزایای عفو و گذشت صحبت نموده و طرفین منازعه را به صلح و دوستی دعوت کردند.

در اخیر هر دو قوم در حضور هیئت تعهد سپردند که بعد از این کدام مشکلی باهم ندارند و از مسئولین تشکری نمودند که در حل این منازعه با آنها همکاری کردند.



## تدویر ورکشاپ برای سرخیلان کوچی ها

۱۴۴۵/۷/۱۳

ورکشاپ یک روزه آگاهی عامه از سوی ریاست امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت خوست برای سرخیلان کوچی ها برگزار گردید، که در آن به شمول مولوی گل زرین کوچی رئیس عمومی انسجام امور کوچی های وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل شاری از مسئولین ادارات محلی و سرخیلان کوچی ها اشتراک نموده بودند.

مولوی محبوب شاه قانت معاون والی خوست گفت، با آمدن امارت اسلامی در بسیاری از بخش ها برای قشر کوچی خدمات ارایه گردیده است. وی افزود، همه حقوق حقه شما تأمین می شود و در قسمت عرضه خدمات به شما توجه زیاد خواهد شد.

بزرگان کوچی ها در این نشست صحبت نموده گفتند: ما برای پیروزی امارت اسلامی بسیار قربانی داده ایم و آماده هر نوع قربانی برای حفاظت از این نظام هستیم.

محترم گل زرین کوچی رئیس عمومی انسجام امور کوچی ها در جریان سخنان خویش در این سیمینار گفت: در چند دهه گذشته به کوچی ها هیچ نوع توجه صورت نگرفته بود و از خدمات اولیه محروم بودند. وی افزود، که مشکلات کوچی های ولایت خوست را جهت رسیدگی به ادارات ذیربط در مرکز و مؤسسات همکار میرساند.



# مقالات

- ✓ اسلامي خوځښتونه ولې ناکامیږي؟
- ✓ دست آورد های امارت اسلامی در عرصه های مختلف
- ✓ نورستان د تاریخ په بهیر کې
- ✓ روزا او تیس نپیی
- ✓ افسانه ها چه است؟
- ✓ اخلاق اهمیت اسلوم دین دیدگاه تی
- ✓ نورستان(کافرستان) گول تن دی انگلیس ډگروار بگانه
- ✓ تۆرکمن دیلی و اونی بیله کی تۆرکی دیلردن آیبران بعضی آیراتېنلېقلار
- ✓ گوري زیبه نې منظوم ولسي ادبه کې بگتی
- ✓ جایگاه تاریخی و فرهنگی ولایت غزنی
- ✓ نقش استخراج معادن در تقویت اقتصاد کشور
- ✓ مرز تی بارکه رسانه جی ملت کی بیج نفرت آیی اونا کو اگو لپی جاء
- ✓ پام و دلگوشی به آپانی کارمرزکنگا
- ✓ دو براسی داستان
- ✓ کشکا و مال نگه لېتا ده کران و منجان
- ✓ نامه اوچین کتاب اوقایارېس؟

# اسلامي خوځښتونه ولې ناکامیږي؟

**لیکنه: سیف الله ساعي، د پوهنتون استاد**

پیداښت مخکې ابلیس شتون لرلو، نو دا هیله لرل چې دا سازشونه به بند شي، هسې ځان تېر اېستل دي. اوس پردې خبره فکر کول په کار دي چې کومه داسې تېروتنه، نیمګړتیا او کمی دی چې د دښمن سازش زموږ پر وړاندې بریالی کیږي؟ موږ خو د خپل دغه بدحالت ټوله پړه پر دښمن ور اچوو، په کار خو دا وه چې لږ مو په ځان کې هم کتلي وای چې په موږ کې کومې نیمګړتیاوې، کمزورۍ او تېروتنې دي چې تل دښمن په خپل چل او سازش کې زموږ پر وړاندې بریالی کیږي او موږ یې په مخه نیولو کې پاتې راځو؟

**لومړی لامل د فردي اصلاح نشتون او شخصیت جوړونې څخه بې پروايي**

هر لوستی انسان پردې پوهیږي چې اسلام د ژوند د ټولو برخو لپاره خپلې لارښوونې، اصول او بېل حکمونه لري چې ډېری یې تر ټولنیز او نورې یې تر انفرادي ژوند پورې تړاو لري، ډېری حکمونه ډلې او ډېر بیا هر تن ته بېل بېل متوجه دي، معنا دا چې په اسلامي حکمونو کې د اجتماعیت او انفرادیت ترمنځ ځانګړی توازن شتون لري، که همدغه

په هر اسلامي خوځښت کې له پيله تر پایه لویې قربانۍ ورکړل شوې وي، چې هغه ټولې د ویاړ او درناوي وړ وي او اسلامي امت به تل پرې ویاړي، خو د دغو ټولو قربانیو او هڅو سربېره ډېری وخت همدغه خوځښتونه خپلې موخې ته نه رسیږي، یا له رسېدلو وروسته ژر له ناکامۍ سره مخ کیږي، اوس پوښتنه دا ده چې د دغه حالت بنسټیز لامل څه دی؟ د اسلامي خوځښتونو د ناکامۍ یو لامل چې هرڅوک پرې پوهیږي دا په ګوته کیږي چې د اسلام او مسلمانانو د دښمنانو له لوري پرله پسې سازشونه دي، خو د هغوی سازشونه تر هغه مهاله پایله نه ورکوي، ترڅو په خپله مسلمانانو کې کوم کمی نه وي، بهرني سازشونه تل هغه وخت بریالي کیږي او د تباهي لامل کیږي چې په مسلمانانو کې یو کمی وي او تېروتنې ترې وشي، که نه د نبي صلی الله علیه وسلم له وخته تر اوسه هیڅ داسې وخت نه دی راغلی چې د اسلام او مسلمانانو پر وړاندې دې دښمنان سازشونه نه کوي؛ نو دغه سازشونه نه ختم شوي او نه به هیڅکله ختم شي، د آدم علیه السلام له



توازن په پام کې ونیول شي؛ نو پر اسلامي لارښوونو او حکمونو به په مساوي او یو ډول عمل شوی وي، خو که یو لوری له پامه وغورځول شي، یا پر یو اړخ له اندازې زیات ټینګار وشي او د دوهم لوري ارزښت کم کړل شي، نو د اسلام سم پلي کېدل به ترسره نه شي، د اجتماعیت او انفرادیت ترمنځ توازن ته نه پاملرنه او په خپل فکر او عمل پکې نیمګړتیا راوستلو له امله به د لومړیتوبونو ترتیب را څخه سرچپه شي او خپلې موخې او سمې پایلې ته رسېدل به ستونزمن شي.

**د سیکولرزم د تردید په پایله کې د اسلام سیاسي تعبیر**  
یو وخت د سیکولرزم د تبلیغاتو له امله خلکو اسلام تر جومات، مدرسې، لمانځه، روژې او نورو عبادتونو پورې محدود کړی وو، معنا دا چې اسلام یوازې تر انفرادي ژوند پورې تړاو لري، ځکه د سیکولرزم فلسفه همدا وه چې دین د انسان تر انفرادي ژوند پورې تړاو لري، سیاسي، اقتصادي او ټولنیز ژوند باید تر هېڅ دین پورې ونه تړل شي، بلکې هغه باید وخت ته په کتو د ګټو سره تړاو ولري، د همدغې نظریې د تردید لپاره د اسلامي ټولنې یوه لویه برخه پر دې اند شوه چې د اسلام حکومتونه یوازې د انسان تر انفرادي ژوند پورې تړاو نه لري، بلکې د ژوند ټولې برخې په ځان کې را نغاړي، په اسلام کې پر اجتماعیت هم همدومره ټینګار شوی څومره چې پر انفرادیت شوی دی.

خو ځینو د مخکېنۍ نظریې په تردید کې پر اجتماعیت دومره ټینګار وکړ چې په پایله کې یې انفرادي حکومتونه له پامه وغورځول شول، یا لږ تر لږه ډېر ارزښت ورته کړل شو، د بېلګې په ډول یوه نظریه دا وه چې دین له سیاست سره هېڅ اړیکه نه لري، خو د دغې ناسمې نظریې د تردید پر وړاندې دا نظریه را مخته شوه چې د دین موخه یوازې یو سیاسي نظام رامنځته کول دي، دا خبره که څه هم تر ډېره بریده سمه وه، چې سیاست هم د اسلام یوه داسې برخه ده چې اسلام یې په اړه ځانګړي حکومتونه لري، خو دا خبره چې دین په حقیقت کې د سیاست نوم دی، یا د سیاسي نظام پلي کول د دین لومړنۍ او یوازېنۍ موخه ده، نو له دې څخه

د لومړیتوبونو ترتیب سرچپه کیږي، که دا نظریه ومنل شي، پایله به یې دا شي چې موږ د سیاست د اسلامي کولو لپاره اسلام سیاسي کړ او په دین کې چې د انفرادي ژوند کومه ښکلا او رڼا وه له هغې مو ځانونه بې برخې کړل.

### **د صحابه رضي الله عنهم شخصیت جوړونه او روزنه**

د نبی صلی الله علیه وسلم د ژوند هره برخه زموږ لپاره لارښوونه ده، چې ۲۳ کلن نبوي ژوند یې پر دوو برخو وېشل شوی، یو مکي ژوند او بل مدني ژوند، په ۱۳ کلن مکي ژوند کې یې نه سیاست شته، نه حکومت او نه جهاد، تر دې چې د بدۍ او سختۍ ځواب په زغم سره و، که څه هم مسلمانان د شمېر له پلوه لږ او کمزوري وو، خو داسې هم نه شي کېدلای چې یوڅوک یې دې پر وړاندې له هرډول بربریت څخه کار اخلي، خو هغوی دې له ځانه د دفاع حق هم ونه لري او هېڅ غبرګون دې نه شي ښکاره کولای، خو بیا هم هلته حکم د زغم و، ځکه چې د ژوند موخه یې دا وه ترڅو داسې خلک ورزول شي چې وروسته بیا د ټولنې بار پورته کړای شي، په دغه ۱۳ کلن نبوي مکي ژوند کې اصلي موخه د خلکو هر اړخیزه روزنه وه، چې ښه خوښه خپل کړي، عقیدې او کړنې یې سمې شي، چلند یې سم او له الله سره اړیکه یې پیاوړې شي.

بیا د مدني ژوند په پیل کې ریاست رامنځته کیږي، اسلامي قانون او اسلامي حدود پلي کیږي او د اسلامي ریاست ټولې اړتیاوې ورسره رامنځته کیږي، مګر د دغو ټولو اړتیاوو له پوره کېدو وروسته د هېچا په ذهن کې دا خبره را تېره نه شوه چې زموږ موخه واک ترلاسه کول و، ځکه د هغوی سمه روزنه شوې وه، بلکې د واک ترلاسه کولو سربېره بیا هم د هغوی اړیکه له الله تعالی سره وه او د دین د پلي کولو لپاره هڅې روانې وې، جهاد کېدلو، د یرموک په غزا کې یو نامسلمان عسکر خپل مشر ته د صحابه رضي الله عنهم حالت داسې بیانوي چې هغوی عجیب خلک دي: د شپې راهبان وي، خو د ورځې بیا زړور او غوره پر اسونو سپاره جنگیالي وي، معنا دا چې صحابه رضي الله عنهم دواړه اړخونه په پام کې نیولي وو، هم یې کوښښ، هڅې او عملي

کار کولو او هم یې له الله تعالی سره پیاوړې اړیکه ساتله، دغه دواړه شیان د مسلمان د ژوند لپاره لازم او ملزوم دي، که یو له بل څخه بېل کړل شي، نو د اسلام سم انځور نه شي وړاندې کېدلای.

### موږ له انفرادي سمون څخه بې پروا شوو

د صحابه رضي الله عنهم په ذهن کې هېڅکله هم دا خبره نه راگرځېدله چې اوس موږ د جهاد غوندې لویې فریضې لپاره وتلي یو او پر ټوله نړۍ د اسلام خبرې لوړولو لپاره هلې ځلې کوو، نو اوس به تهجد ته څه اړتیا وي؟ د الله په وړاندې زاری کولو او ژړاوو ته به څه اړتیا وي؟ یا به له هغه سره د اړیکې ټینګولو او پیاوړې کولو اړتیا څه وي؟ د هیڅ صحابي په ذهن کې دا خبره نه راگرځېدله، بلکې هغوی د دغو ټولو ترسره کولو سربېره د هلو ځلو او کوښښونو لاره غوره کړې وه، خو اوس چې څوک د واک ترلاسه کولو لپاره کوم سیاسي یا بله هڅه کوي او د سیکولرزم د ردولو لپاره یې سیاست د اسلام یوه برخه بللې ده، نو دومره ټینګار یې پرې کړی چې بل اړخ یعنې الله ته رجوع کول، له هغه سره اړیکه ټینګول، د هغه په مخکې ژړا او زاری کول یې یا له فکري اړخه له پامه غورځولي دي او یا یې لږ تر لږه په عملي بڼه نه ترسره کوي او دا یې په فکر کې راگرځي چې اوس خو تر هغه په غوره او لوړ کار بوخت دی، نو شخصي عبادت یو غیر مهم کار ورته ښکارېږي چې تر دغې لوړې او لویې موخې قربانول یې ورته اسانه کیږي، یا لږ تر لږه په اړه یې بې پروايي ورته ستونزمنه نه وي.

نو پر اجتماعیت د زیات ټینګار له امله چې کله په انفرادي اعمالو کې کومه کمزوري راشي، په پایله کې به یې په اخلاص او لویه جذبه راپورته شوي اسلامي خوځښتونه هغې مطلوبه موخې ته په رسېدو کې ناکامیږي، ځکه دا د الله ژمنه ده چې که تاسو د الله د دین مرسته وکړئ، الله به ستاسو مرسته کوي او پښې به مو ټینګوي. الله د امت بریا او مرسته د خپل دین له مرستې او الله ته په رجوع کولو پورې تړلې ده.

دا څرګنده خبره ده چې څوک له الله سره څومره پیاوړې اړیکه ولري او د هغه عبادت په مینه او لېوالتیا کوي، همدومره به د الله د مخلوق خدمت په سمه توګه ترسره کوي او په ټولنیز کار کې به یې د الله مرسته او موخې ته د رسېدو بریا په برخه وي، په حدیث کې راځي: (إِذَا رَأَيْتَ شُحًا مُطَاعًا، وَهَوًى مُتَّبَعًا، وَدُنْيَا مُؤَثَّرَةً، وَإِعْجَابَ كُلِّ ذِي رَأْيٍ بِرَأْيِهِ، فَدَعْ عَنْكَ أَمْرَ الْعَامَةِ، وَعَلَيْكَ بِخَاصَةِ نَفْسِكَ)

ژباړه: کله چې ووينې چې د مال د مینې د جذبې پیروي کیږي، خپلې نفسي غوښتنې منل کیږي، دنیا ته لومړیتوب ورکول کیږي او هر د رایې څښتن پر خپله رایه خوښ او غره وي، نو دغه مهال د ځان د سمون فکر کوه او د عامو خلکو معامله پرېږده.

د دغه حدیث خو یو مطلب همدغه دی چې کله داسې حالت راشي، نو بیا د ځان غم کوئ، نور پرېږدئ، خو یوه معنا یې ځینو علماوو دا هم بیان کړې ده چې په داسې حالت کې یو مخ امر بالمعروف او نهی عن المنکر پرېښودل نه دي په کار، بلکې په دغه حالت کې بیا د فرد اصلاح ته د ټولنې پر اصلاح لومړیتوب ورکړئ، ځکه ټولنه بېرته له همدغو افرادو څخه جوړه ده، که افراد سم او اصلاح شي، نو ټولنه به په خپله اصلاح شي، نو د دغې خرابۍ د له منځه وړلو لپاره باید انفرادي اصلاح او انفرادي هلو ځلو ته مخه کړل شي، چې په دې سره شخصیت جوړونه کیږي، د داسې روزل شویو افرادو شمېر ورسره زیاتېږي چې په خپله د ښو خویونو څښتنان وي او ټولنه ورڅخه اغېزمنه کیږي او د سمون خواته ځي، نو د دغه حدیث دوهم مطلب هم شخصیت جوړونې او انفرادي اصلاح ته هڅونه ښيي، لنډه دا چې د اسلامي خوځښتونو د ناکامۍ بل مهم لامل خپلې نیمګړتیاوې، کمزورۍ او تېروتنې دي، امام مالک رحمه الله هم وایي: د دغه امت د وروسته زمانې اصلاح به هم په هغه بڼه کیږي لکه څنګه چې یې په لومړۍ زمانه کې اصلاح شوې وه، په لومړۍ د صحابه رضي الله عنهم په زمانه کې هم د فرد له اصلاح څخه د ټولنې اصلاح شوې وه، نو اوس هم هماغه کړنلاره په کار اچول په کار دي.

خو د اسلامي خوځښتونو پام سياست، اقتصاد او ټولنې ته شته، مگر د فرد اصلاح او شخصيت جوړونې ته چې څومره په کار ده پاملرنه نه کيږي، د دغه کار لپاره يا بيخي ادارې شتون نه لري او يا ډېرې کمې دي چې بسنه نه کوي، ځکه خو هر اسلامي خوځښت چې څومره هم قربانۍ ورکړې او زياتې هلې ځلې يې کړې دي، مگر بيا هم تر لږ پرمختگ او هيلو وروسته بېرته له ناکامۍ سره مخ شوی دی، دغه ناکامي کله د خپلمنځي داسې ټکر له امله وي چې پايله يې آن وسلواله جگړه شوې وي، لکه د روس پر وړاندې چې د افغان جهادي مشرانو له جهادي بریا وروسته کوم خپلمنځي جنگ پيل شو، بيخي د افسوس او شرم وړ و.

### د اسلامي خوځښت د ناکامۍ بل لامل د اسلام نه پلي کول دي

د اسلامي خوځښتونو د ناکامۍ بل لامل دا دی چې د اسلام تطبيقي اړخ له زماني او مکاني اړخه يا بيخي په پام کې نه نيول کيږي، يا ډېر کم پام ورته کيږي، له دې څخه موخه دا ده چې له يو لوري که پر اجتماعيت دومره ټينگار کيږي چې هغه عملاً ټول اسلام گڼل کيږي، خو بلې خوا ته بيا پر دې هيڅ غور نه کيږي چې د نننۍ زماني سره سم د اسلام تطبيقي اړخ او عملي بڼه بايد څنگه وي؟ د دې لپاره نه مخکې فکر شوی او نه کومه چمتو شوې کړنلاره ورته شتون لري او که وي هم يوه نيمگړې داسې کړنلاره وي چې د وخت اړتياوې او له حالاتو سره سم تگ پکې په پام کې نه وي نيول شوی، سره له دې چې علماء پردې باور دي چې د ځای او زماني له بدلون سره د شرعي حکمونو بدلون يوه طبعي خبره ده، که څوک ووايي چې اسلام اوس د پلي کېدو وړ نه دی، هغه مسلمان نه شي پاتې کېدلی، خو د اسلامي حکمونو د پلي کېدو لپاره بايد ځانگړې کړنلاره او تگلاره شتون ولري، چې د نشتون په صورت کې ټوله ملامتيا د همدغه اسلامي خوځښت پر غاړه وي، نه دا چې الله مه کړه څوک ووايي: اسلام اوس د پلي کېدو وړ نه دی.

### د اسلام پلي کېدل بايد څنگه وي؟

په دې اړه يوه نظريه دا ده چې که په دغه زمانه کې موږ اسلام پلي کول غواړو چې د پخوا په پرتله يې ډېر بدلون موندلی، د نوي تعبير اړتيا ده چې د ځينو خلکو له لوري د نوي تعبير ښکارندويي په دې ډول کيږي چې په دغه زمانه کې چې کوم څه کيږي د هغو لپاره بايد د رواوالي سند او روايت پيداکړل شي، داسې چې اوسنی استثماري سود دې روا وگڼل شي، ځکه دغه ډول سود په هغه زمانه کې شتون نه لرلو په کوم وخت کې چې د سود نارواوالی راغی، همدارنگه اوسنی قمار، په اوس زمانه کې له گرويو گټه اخېستل، اوسني شراب او اوسنۍ بې پرده گي دې روا کړل شي، ځکه له دغو ټولو پرته چاره نشته او ټول خلک پکې اخته دي، خو دا نظريه ځکه ناسمه ده چې د دې نظريې پايله دا کيږي چې د اسلام د تطبيق او پلي کېدو معنا يوازې دا ده چې واک او حکومت د مسلمانانو او اسلامي ډلې په لاس کې شي، بس همدغه بسنه کوي، نور په معاملو او کړنو کې بدلون ته اړتيا نشته.

خو په اوسنۍ زمانه کې د اسلام سم پلي کول داسې کېدای شي چې د اسلامي اصولو او لارښوونو سره سم د اوسنيو ټولو ناروا معاملو او ناسمو کړنو روا بديلي لارې ولټول شي، د اوسنۍ سودي بانکوالۍ پر ځای اسلامي بانکوالی، د ناروا بيمې پر ځای شرعي تکافل، د ناسمو مروجو سوداگريو پر ځای د اسلامي لارښوونو سره سمې د سوداگرۍ لارې چارې په گوته کړل شي، همدارنگه کوم نوي نوي مسائل چې رامنځته کيږي ښکاره خبره ده چې په پخوانيو کتابونو کې د هغو څرگند حکم نه موندل کيږي، خو د قرآن، سنتو او د اسلامي فقهيې د منل شويو اصولو په رڼا کې بايد سمې حللارې ورته ولټول شي، په دې اړه تر اوسه بشپړ کار نه دی شوی، ترڅو چې موږ په دغو ټولو برخو کې پر ځان بسيا نه شو، بشپړه بريا نه شو ترلاسه کولای، همدارنگه د سياست اړوند اسلامي اصول او لارښوونې شتون لري، خو زموږ په زمانه کې چې دغه اسلامي حکمونه پلي کيږي د هغو عملي بڼه به څنگه وي؟ په دې اړه هم زموږ کار نيمگړی دی، ځکه خو ډېری وخت د ناکاميو ښکار وو.





## دست آورد های امارت اسلامی در عرصه های مختلف

محمد رفیق قادری

اینک پروژه های عامه المنفعه که از لحاظ اقتصادی و فرهنگی با ارزش اند ذکر می نمایم:

الف: کارهای زیربنایی:

در قطار سایر امور عام المنفعه کار پروژه های زیربنایی نیز در کشور انجام یافته و در بعضی جاها در حال انجام یافتن می باشد، بگونه مثال اعمار بند آب بخش آباد در ولایت فراه که از آرزوهای دیرینه باشندگان این مرز و بو بوده روی دست گرفته شده که با اعمار این بند مشکل عمده مردم این ولایت از بابت آب زراعتی مرفوع خواهد شد. مسئولین صحت عامه از ساخت یک شفاخانه ۱۰ بستر در ولایت کنر خبر دادند که با ساختن آن مشکلات صحتی باشندگان این ولایت تا حدودی حل خواهد شد. ساخت ۷۳۰ خانه مسکونی در مناطق زلزله زده در ولسوالی زنده جان هرات نمونه دیگری از فعالیت های عمده امارت اسلامی در کشور می باشد.

همانگونه که مردم متدین کشور عزیز ما افغانستان بعد از پیروزی امارت اسلامی افغانستان شاهد یک سلسله کارهای عام المنفعه در کشور بوده اند که اظهر من الشمس است. خواستم مطالبی چند پیرامون همین مسأله در روی کاغذ بگنجانم تا پرده از روی حقایق پنهان از نظر مردم برداشته باشم. دو سال بیشتر از حاکمیت امارت اسلامی در افغانستان می گذرد که از لحاظ فرصت کاری زمان اندکی محسوب می گردد؛ اما خوشبختانه مسئولین صادق و آگاه امارت اسلامی بخاطر خدمت گذاری به مردم رنج دیده و ستم کشیده افغانستان از هیچگونه سعی و تلاش شبانه روزی دریغ ننموده، دست به طرح و تطبیق پروژه های بزرگ ملی که از حیثیت و ارزش بالا برخوردار است زدند و افتخار خدمت گذاری به این مرز و بوم را کمایی کردند.

در این اواخر مسئولین وزارت صنعت و تجارت از طرح و دیزاین ۲۶ پارک صنعتی جدید در شهر کابل خبر دادند که با بوجود آمدن این پارک های صنعتی پیشرفت های چشمگیر را در کشور شاهد خواهیم بود.

آغاز کار ساخت ۲۰ پروژه عام المنفعه در شهر مزار شریف، قرارداد پروسس چهل هزار تن نفت خام قشقری به ارزش بیست میلیون دالر با یک شرکت داخلی، قرار داد استخراج سمند جبل السراج توسط وزارت معادن و پترولیم با شرکت های خارجی، احداث یک کارخانه تولید سیروم در کابل، آغاز روند رنگ کردن تاکسی ها در شهر کابل، ساختن یک بند آب در منطقه قادس ولایت بادغیس، ساخت یک شفاخانه مجهز جهت رسیدگی به مشکلات صحنی زلزله زده گان هرات، آغاز ۲۹ پروژه توسعهی درخوست، آغاز کار چهار پروژه توسعهی در ولایت جوزجان و اتمام آن، افتتاح مجدد کار ساختمانی قصر ملی به ارزش دو میلیارد افغانی، آماده گی ها برای فراهم سازی ذغال سنگ برای پایتخت نشینان در زمستان سال ۱۴۰۲ شمسی، آغاز و اتمام کار ساخت جاده ولسوالی اشکاشم و اخان در بدخشان، انتقال بیش از ۵۶ هزار متریک تن اموال تجارتنی از طریق خطوط آهن، آغاز و اتمام کار ساخت یک چکدم آب در ولسوالی شاه ولی کوت قندهار، آغاز و اتمام کار های چند پروژه عمرانی در ولسوالی کوه صافی ولایت پروان، بازگشایی شاهراه کابل - جلال آباد به روی ترافیک، ترمیم و بازسازی ۸ مکتب در نورستان، آغاز صادرات انار قندهار به هندوستان، توزیع کمک های اولیه برای مهاجران برگشته از ایران و پاکستان، آغاز کار ساخت دو چکدم در جاجی میدان خوست، آغاز و اتمام قیرریزی سرک کمپنی - برچی در کابل، توزیع بسته های زراعتی برای ۱۰۰ تن از دهقانان در ولایت سرپل، بازداشت متهمان و مجرمین در پیوند به جرم های جنایی در هرات و سایر مناطق، پرداخت حقوق جایداد های استملاکی از سوی شاروالی کابل به

مستحقین، ساخت یک کانال آبیاری به ارزش ۳۰ میلیون افغانی در بامیان، فراهم سازی زمینه کار و اشتغال برای ۹ هزار تن در پکتیا، بازسازی تاسیسات پنج مکتب در ولایت لوگر، آغاز و اتمام کار شش پروژه عام المنفعه در پروان، برگزاری نمایشگاه ملی و بین المللی خدیجه الکبرا در کابل، ساخت کمپ برای مهاجران برگشته از پاکستان در تورخم، آماده گی وزارت معدن به آغاز روند استخراج مس عینک در لوگر، امضاء تفاهم نامه در رابطه به بهداشت محصلین افغان در ایران میان دو کشور، امضای تفاهم نامه وزارت کار و امور اجتماعی با ۹ موسسه داخلی و خارجی در جهت توزیع کمک های اولیه و ایجاد فرصت های شغلی به ارزش بیش از یک میلیارد افغانی برای نیازمندان در کشور نمونه هایی است که نشان دهنده خدمتگذاری مسئولین امارت اسلامی به هموطنان عزیز ما می باشد.

ب: کار های عام المنفعه و پروژه های توسعهی:

به همگان هویدا است که بعد از روی کار آمدن امارت اسلامی در کشور کارهای بنیادی و عام المنفعه زیادی انجام یافته است که به عنوان مشت نمونه خروار می توانیم از آغاز پروژه کانال قوش تپه، بازسازی تونل های شاهراه سالنگ، بازسازی شاهراه کابل - قندهار؛ همچنان قندهار الی ارزگان و پروژه نفت قشقری نام بگیریم.

ج: خدمات فرهنگی:

رهبری شاروالی کابل نماد زیبایی را در چوک سرای شمالی در مربوطات ناحیه هفدهم شهر کابل افتتاح نمودند و به زیبایی شهر کابل افزودند. همچنان رهبری شاروالی کابل از ساخت یک مناره تاریخی مربوط به عصر غزنویان را در منطقه پل سرخ که به ناحیه سوم شهر کابل مربوط می شود، خبر داد و با ساختن این منار پایتخت کشور از لحاظ زیبایی در موقعیت بالاتری قرار خواهد گرفت. همچنان درین نزدیکی ها وزارت شهر سازی و مسکن از طرح و دیزاین پارکی در مربوطات خیرخانه



سخن به میان آورد و کارهای مقدماتی این پارک آغاز گردیده و روی تکمیل آن اقدامات لازم بعمل آورده شده است که با ساخته شدن این پارک که بنام پارک جهان مسمی گردیده است شهر کابل از زیبایی خاصی برخوردار خواهد گردید.

همچنان مسئولین محلی در ولایت فاریاب از تکمیل یک چوک در ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب خبر دادند که به هزینه ۲۰ میلیون افغانی از طرف یک بازرگان ساخته شده است. همیگونه ساخت دومین نماد بیت المقدس در سه راهی لغمان- جلال آباد در جهت همبستگی با مردم فلسطین یک اقدام بی سابقه فرهنگی در کشور است که قابل ستایش می باشد.

همچنان مولوی عتیق الله عزیزی معین فرهنگ و هنر وزارت اطلاعات و فرهنگ در یک سفر به ولایت غور از اقدامات جدی بخاطر جلوگیری از فروریختن مناره جام غور خبر داده همچنان مناره های مربوط به دوره تیموریان در ولایت هرات نیز مورد توجه امارت اسلامی بوده و کارهایی در جهت

جلوگیری از انهدام آن ها صورت گرفته است. البته این پروژه ها به عنوان مشت نمونه خروار می باشد که در کشور طرح و تطبیق گردید

در هیچ برهه یی از تاریخ کشور ما هیچ کسی و هیچ نظامی مانند امارت اسلامی افغانستان صادقانه بخاطر عمران وطن و احیای ارزش های ملی و دینی قدم نبرداشته و کارهای ارزنده مشابه به کارکردهای امارت اسلامی انجام نداده است. این مسأله را که امنیت یکی از مبرم ترین نیاز هر کشور است همه گان میدانند و ما در امنیت و آرامش هستیم که قابل سپاس و شکران است. واضح است که کشور و مردم عزیز ما به همچو افراد صادق که فی سبیل الله جهت آبادی وطن کار میکنند، نیاز داشتند که الله الحمد لله ما داریم با تکیه به پروردگار متعال بسوی ساختن کشور خود به پیش میرویم و امیدوار به این هستیم که دیگر جنگ و بدبختی از کشور ما رخت بر بندد و سایه شوم جنگ و ویرانی از بالای مردمان کشور عزیز ما برای همیشه برطرف گردیده، آفتاب خوشبختی مردمان کشور عزیز ما افغانستان تا ابد درخشان باقی بماند.







## نورستان د تاريخ په بهير کې

د تاريخي او ادبي اسنادو او مدار کوله مخې چې آريانو (۱۱۰۰۰) يوولس زرو قبل الميلا د کلونو په شاوخوا کې په آريانا وېجه کې استوگنه درلوده او د (۸۰۰۰) او (۵۰۰۰) قبل الميلا د کلونو په شاوخوا کې د يخني او خپلو خاويو ته د څرخايونو د پيدا کولو په غرض د سیر دریا، آموسيند او مروې له لارې بخدي او باختر ته ننوتل او د باختر په خاوره کې خپاره شول، خو زره کاله په بخدي او باختر کې اوسيدل، بلهیکا (بلخ) د دوی د مادي او معنوي فرهنگ او تمدن کانون او سياسي مرکز و ټاکل شو.

دوی په تدريجي توگه کرار کرار د کورنۍ له حالت څخه کهول، خپل، قبيلې او قوم ته ورسېدل، لويې ټولنې، باندي، کورونه، کلاگانې، کلي او ښارونه يې جوړ او ودان کړل، په لومړيو کې د دوی ژوند ساده او د مالدارۍ په روزنه او پالنه چلېده، وروسته يې د

تاريخ د يو ملت، قوم، ټولنې او حتی د بشريت د هويت پاڼه او د سوانح دفتر دی،

تاريخ تل له بشر سره يو ځای او دده د ژوندانه همزوی او د لارې مل دی، له همدې امله ويلای شو چې تاريخ د زمانې انځورگر او د هرې زمانې د بشري شعور انځورگر او استازيتوب کوي، چې دا تاريخ فلسفه ده.

د تاريخ فلسفه د تاريخي پېښو د پلټنې، تدقيق، مطالعې او انتقادي تحليل په ترڅ کې د بشري ذهن، شعور او د افکارو د ودې او تکامل مطالعه او تحليلي څېړنه کوي.

د افغانستان خاوره د جغرافيايي موقعيت او مساعد طبعي چاپېريال په درلودلو سره د پېړيو په ترڅ کې د فرهنگونو او تمدنونو د پيدايښت ځاله، د هغوی دودې، تکامل او پايښت زانگو بلل شوې ده،

مالدارۍ د روزنې ترڅنګ کرنیزو چارو یې هم ترقي وکړه، چې بیا نیمایي خلکو د مالدارۍ او نیمایي خلکو د بزګرۍ چارې ترسره کولې.

کله چې د دوې د نفوسو شمېر زیات او څاروې یې زیات شول په دوې کې خوځښت راغی، چې لومړۍ مهاجرت یې د (۲۵۰۰م) کلونو په شاوخوا کې پیل شو، د کابل د سیند په حوزه پکتیا - پکتیکا او تر اراکوزیا (ارغنداب) پورې خپاره شول، د آریایانو په دغو قبیلو کې لویې قبیلې د پکت او د الینایانو (نورستانیانو) قبیلې وې. د الینایانو (نورستانیانو) قبيله له خپلو څارویو سره د لرغوني افغانستان د شمال ختیځې سیمې د لوړو غرونو په درو او لمنو کې خپاره شول، دوې بل لېږدونه کړ او ځای پر ځای ګوښه پاتې شول، په عقیدوي او فرهنګي لحاظ د خپلو پخوانیو آریایي نیکونو په څېر د طبعي عناصرو او ربالنوع نمانځنې ته یې دوام ورکړ او پخوانۍ اصیل لرغونۍ آریایي فرهنګ، ژبه، وېنه او نژاد یې تر دې مهاله خوندي وساتل، وایي یو ملت او قوم هغه وخت ژوندی پاتې کېدای شي چې هغه خپله وینه، ژبه، تاریخ او فرهنګ ژوندی وساتي.

که چېرې د نورستانیانو تاریخ تر اسلام مخکې مطالعه او وکتل شي نو له لرغونو آریایانو سره به یې د اړیکو درلودلو څېړنه بې ځایه نه وي، ځکه نورستان د تاریخ په بهیر کې د پارا پامیداد، بلورستان، د اردستان د کتور او کافرستان په نومونو سره او خلک یې د الینا، بلور، کاموج و کتور، دardi او دسیاه پوښانو، سپین پوښانو، کافرانو، جدیدیانو او بالاخره د نورستانیانو په نوم پېژندل شوي او یاد شوي دي.

په همدې توګه سميع الله تازه د خپل اثر (ریشه های فرهنګي و تاریخي نورستان) په ۵۵ مخ کې لیکلي چې

د پخواني نورستان نژاد اندو آریایي دی، چې هغه ته یې کامبو جاس kambojas ویل.

کله چې مقدوني سکندر په ۳۲۷ ق م کې د هندو کش له شمال څخه جنوب ته راتېر شو، د تګاب او نجرا ب له لارې لمپا کا (لغمان) ته ورسید، د نورستان په واورو پټ لوړ غرونه یې ولیدل او د اوسني (نيسا nica) یا نیکایا ښار یې د یونانیانو د فتح (ظفر) درب النوع (دیونیزوس) په نوم یې ونوماوه، په همدې ځای کې یې خپل پوځونه په دوو برخو وویشل، په خپله سکندر دلغمان او کونړ په لوري روان شو، ښایي چې په چغه سرای او یا کوم بل ځای کې د کونړ له سیند څخه تېر شوی وي، چې باجوړ او سوات ته ورسید.

په همدې توګه د ډنمارک د انټرو پولوژیک هیئت په څېړنیزو یاداشتونو کې راغلي دي. چې سکندر په چغسرای کې د نورستانیانو یوه پوځي چوڼۍ وسوځوله او د نورستانیانو له حملو او مقاومت سره مخامخ او تپي شو = سکندر د نورستانیانو د اتني (ګډا) او د حماسي پهلوانۍ صحنې ولیدلې، چې د یونانیانو عادتو نو ته ورته وې، حیران شو.

امریکایي لرغونپوه پروفیسور دو پري د نورستاني افسانو او شواهدو د څېړنې او مطالعې له مخې لیکي، چې اسکندر له نورستاني جګړه مارانو سره مخامخ شو چې څو ځل په شا کېدو ته اړیستل شو. بالاخره سکندر له نورستانیانو څخه غوښتنه وکړه، چې ده ته دهند فتحې لپاره یو ټولۍ جنگیالي ورکړي، نورستانیانو هم له یو زرخه تر دوه زره پورې جنگیالي کسان ورکړل، چې دهند د جهلم په جنگ کې یې ګډون درلود او له جنگ نه وروسته بېرته نورستان ته راستانه شول.



د سکندر له مړینې وروسته کله چې په ۲۵۰ ق م کال کې په آریانا کې د دیونان - باختري سلطنت تاسیس شو، دیوناني د متروس دایوتیدم د زوی دسلطنت پرمهال پخواني نورستان چې دپاراپامیزاد په نوم یادېده، نورستان د یونان - باختري حکومت جزو. په دې مانا چې کاپیسا، گندهارا، داندوس د سیند ترڅنډو پورې دپاراپامیزاد جز او د کاپیسا د حکومت له خوا اداره کیده.

چینایي زیارت کونکي چې په ۹ هـ ق او ۶۳۰ میلادي له آریانا لیدنه کړې په کمبرج هستریاف اندیا د لومړي ټوک په ۵۵۵ مخ کې لیکي، چې د یونان - باختري یوناني اخیونی پاچا هیلو کلس په ۱۳۵ ق م کې د سکایانو د فشار له امله د هندوکش له شمال څخه جنوب ته پایتخت رانقل کړ، کاپیسا، کابل، لانیو یا لغمان، ننگرهارا، گندهارا، پېښور د سیند تر څنډو پورې دپاراپامیزاد د پاچا تر تسلط لاندې و. چې تر ۱۳۱۳ هـ ق او ۱۸۹۵ میلادي کال دامیر عبدالرحمان خان له خوا د نورستان تر نیولو پورې نورستان داخلي آزادي ساتلې وه. میر غلام محمد غبار (افغانستان ونگاهی به تاریخ آن) د کابل مجلې د ۱۳۱۱ ل کال د ۱۷ گڼې په ۵۴ مخ کې د نورستان په اړه لیکي چې دهخامنشیانو په وسیله دیونان - باختري د حکومت له سقوط وروسته بلورستان چې پخوانی نورستان دی دیونان - باختري د حکومت جزو، خو داخلي استقلال یې ساتلی و او هم کوم سند نشته چې یونانیانو دې په بلورستان کې حکومت او مدنیت را منځته کړی وي.

وروسته له هغه چې کوشانیانو په لومړۍ او دوهمه میلادي پېړیو کې یې په افغانستان کې حکومت درلود، په آریانا کې یوناني حکومت په بشپړه توګه سقوط وکړ، نو کنشکا د دوهمې میلادي پېړۍ په پیل کې د

هندوکش په دواړو خواوو شمال او جنوب کې لویه امپراتوري تاسیس کړه او په تدریجي توګه له بگرام څخه تر گندهارا، پېښور او د هندوستان تر منځنۍ برخې پورې پرمخ ولاړ او د شمال خواته تر بلور پورې ورسیدل، خو د لوړو غرونو د ممانعت له امله یې توقف وکړ او په خټ راوگرځېد.

لنډه دا چې بلورستان د کوشاني امپراتورۍ جزو، خو د لویو کوشانیانو د اخیونی پاچا (واسودیوا) له سقوط نه وروسته بلورستان دوو کوشاني د پاچاهي جز شو او کیدارا kedara د کیداري په نامه د دوو کوشانیانو په نامه دولت جوړ کړ، چې کاپیسا، کابل، گندهارا او پکتیا په کې شامل وو.

خو کله چې یفتلیانو د کیداري حکومت مات کړ او له گندهارا څخه یې وایستل، دوی د چترال شمال گلګیت ته ولاړل، چې هلته یې هم حکومت درلود.

یوناني مصري جغرافیه پوه بطليموس چې په دوهمه میلادي پېړۍ کې یې ژوند کړی، د آریانا خاوره یې پر ۷) ولایتونو ویشلې وه. چې: پارامیزاد، هزاره جات، کابل او د سیندو تر څنډو پورې سیمې په کې شاملې وې، نورستان یې بلورستان او دارستان بللی دي (۱).

د اسلامي انسایکلو پیډیا د دوهم ټوک په ۶۲۰ مخ کې د نورستان په اړه راغلي چې نورستان د دوهمې میلادي پېړۍ په اوایلو کې د کوشاني سلطنت یوه برخه وه. د حدود العالم من المشرق الی المغرب جغرافیوي اثر چې مؤلف یې معلوم نه دی په ۳۷۲ هـ ق او ۹۸۲ میلادي کې کښل شوي (بلور) یې یو پراخ هېواد بللی دی او لیکي چې (بلورین شاه) په هغه هېواد کې حکومت کاوه. همدارنګه د البیروني په قول، چې د کابل شاهانو د سلسلې ورستی پاچا (لکتورمان) په ۱۷۶ هـ ق او ۷۹۳ م کال کې د عربو د حملو له امله پایتخت له کاپیسا



څخه کابل ته را انتقال کړې ، خو د کابل له فتح وروسته يې کابل پرېښود او کشمير ته ولاړ . په قوي احتمال چې کشمير هغه وخت د بلورستان مرکز و ، د ادبلورستان د تاريخ جدي کول و ، خو په ځانگړي توگه د نورستان په تاريخ کې ځکه په دې وخت کې دې چې د اسلام مېن دين په سيمه کې نفوذ کړې واوددې جغرافيوې سيمې ځينې خلک په اسلام مشرف شوي وو په عقيدوي لحاظ د سيمې د تاريخي وحدت د تجزيې لامل شو ، کومې سيمې چې په اداري لحاظ يې په بلورستان پورې اړه درلوده او د کاپيسا د مرکز له خوا اداره کېدلې ، د تل لپاره بېلې شوې او ځينې سيمې يې لکه بلورستان آزادي او مستقلي پاتې شوې . د بلورستان د آرين نژاده قبيلې غړي دخپلو پخوانيو نيکونو اعتقاداتو نمانځلو ته پابند او وفادار پاتې شول ، له همدې امله د کافرانو په نوم ياده شوه نژاد خلک چې د مسلمانانو له خوا کافران او جغرافيوې سيمه يې د کافرستان په نوم ياده شوه تقريباً يوزر او دوه سوه (۱۲۰۰) کاله په موده کې دوخت د حکومتونو له هر ډول ابتدايي مرستو څخه بې برخې پاتې شول .

سېکټگين په ۳۸۲ هـ ق او ۹۹۰ م کال کې د ملتان له مستقل پښتون پاچا شيخ حميد لودي او د هند له پاچا راجه جيبال سره روغه وکړه . دروغې په وسيله يې په کونړ کې دوه ، درې ( د نور دره او دقرات دره ) ونيولې او د اسلام دين يې په کې خپور کړ ، په دې توگه د نورستان جنوبي دروازې ته د اسلام دين ورسيد .

همدا شان په ۸۰۰ هـ ق او ۱۳۹۸ م کال له غزنويانو وروسته گورگاني تيمور له سياه پوشانو څخه د اندراب د خلکو د شکايت له امله د پخواني نورستان د نيولو قصد وکړ ، نولس زره (۱۰۰۰۰) پوځيانو يې د نورستان په کليو حمله وکړه ، ډېر خلک يې ووژل او کورونو

يې وسوځول نور خلک غرونو ته وختل او د تيمور په لښکرو يې حملې پيل کړې او په شاتگ ته يې اړ کړل . تيمور چې د خپلو پوځونو څخه خبر تر لاسه نه کړای شو نو به يې په نورستان حمله وکړه ، خلک يې ووژل ، د دمو له سرونو څخه يې څلي جوړ کړل ، کورونه يې وسوځول ، کښتونه يې تبا کړل ، حوږدې بريالۍ نه شو چې نورستان ونيسي .

تيمور په نورستان باندې د خپل ناکام يرغل په پای کې دچا په کلي کې په يوه لويه ډبره خپل يادگار وليکله : (( امير تيمور پادشاه مغل اول فاتح مسلماني بود که وطن اين طايفه سرکش را تا اين نقطه تسخير نمود ولی کلام را از سبب استحکام آن نتوانست متصرف شود )) . (۲)

مغولي ظهيرالدين محمد بابر په ۹۲۶ هـ ق او ۱۵۲۰ م کال د کافرانو د ځينو مشرانو دايل کولو په غرض له بدپښ کوتل څخه واوښت ، خو دهغو مشرانو له خوا د شراو د سوغاتونو د ورکولو له امله بېرته را په خټ شو . ميرزا محمد حکيم د همايون زوی او د بابر لمسی د کابل پاچا په ۹۷۴ هـ ق کال او ۱۵۶۶ م کال کې د کونړ ( نورستان د لوديځې برخې ) د فتح لپاره پوځونه واستول ، چې د محمد خان غازي دروېش په جنگنامه کې له کافرانو سره جنگ بيان شوی دی . په همدې توگه په ۱۳۱۷ هـ ق او ۱۸۹۰ م کال کې د ملانجم الدين اخونزاده مريدانو ملا خليل او هم د ځينو قومونو لکه مهمندو ، سالارزيو دنورو په گډون و غوښته وکړه ، امير عبدالرحمن خان هم له خپل رعايت څخه دا يې معلومېږي چې نورستان لامخکې دامير عبدالرحمن خان د حکومت جزو .

خو کله چې دهند برتانوي استعماري حکومت د پورته ددنامشروع کړنې په اعلان کولو سره ، چې

کافرستان یې د پورنې د کرنې په ختیځ لوري پورې تړلی بللی و، نوامیر عبدالرحمن خان په ۱۳۱۳ هـ ق او ۱۸۹۵ م کال نورستان وینو او خلک یې د اسلام په مبارک دین مشرف شول او ده ته د ضیاء الملت والدین لقب ورکړل شو. (۳)

په نتیجه کې باید یادونه وکړم چې دالینایانو (ورستانیانو) قبيله چې (۲۵۰۰ ق م) کلونو په شاوخوا کې له نورو آریایي قبیلو سره یو ځای له باخترخه دهندو کش جنوب نه رانېر شول، دافغانستان په شمال ختیځه غزنی غرنی نورستان کې مېشت او پر ځای شول. له (۲۵۰۰ ق م) کلونو څخه تر ۱۸۹۵ م کلونو پورې ترڅو چې امیر عبدالرحمن خان نورستان ونيو د (۴۴۰۰) کلونو په اوږده موده کې هېڅ خارجي یرغلگر او دافغانستان حکومتونه پرې ونه توانېدل چې نورستان ونیسي او نورستانیانو په دغه اوږده موده کې یې نه یوازې خپله داخلي آزادي د هېواد په دننه کې وساتله، بلکې خپله نژادي وینه، ژبه، فرهنگ او عقاید یې ژوندي او خوندي وساتل، له بلې خوا په دغه موده کې دافغانستان هېڅ یو حکومت د نورستان دخلکو ژوندي ته پاملرنه نه ده کړې او ددوی اقتصادي ژوند د قبل المیلاد د تاریخي دورې په شان یی وروسته پاتې ساتل شوی.

مأخذونه :

۱. احمدعلي کهزاد، تاريخ افغانستان، جلد اول، ۱۳۲۵ ل کال، ۲۹۵ مخ.
۲. امام علی رحمن، نگاه تاريخ و تمدن آریایي، انتشارات میوند، ۱۳۹۲
۳. احمد علی معتمدی، مذهب قدیم نورستان، اکادمي علوم افغانستان، ۱۳۷۰ ش کال، ص ۱۹.
۴. احمد علی کهزاد، له سروي تر اسماره، ژباړه عبدالقيوم مشواني، ۱۳۸۳ ل کال.
۵. پوهاند عبدالحی حبيبي، جغرافیای تاریخي افغانستان، انتشارات میوند، ۱۳۸۲ ش کال
۶. میرغلام محمدغبار، جغرافیای تاریخي افغانستان، انتشارات میوند، ۱۳۸۲ ش کال
۷. سمیع الله تازه، روایات اساطیر آریایي در اساطیر نورستاني، کابل، وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل، سال، ۱۳۸۹ ش.
۸. محمد اکبر شورماچ، نورستان در گستره تاريخ، پېښور، ۱۳۷۹ کال، ۴۲۹ مخ.



رمضان کرم

RAMADAN KAREEM

## روزا او تیس نپی

محمد قادر هوتا

نه دردن ویی سه تیا فدی دې، ای دواسس فدی ای مسکین آنتې اپنا دېک شې او که گه تانوک رضایدې کومې بو ارک نیکی کې، ویی یو تی آنتې بکار سې، خو اگه اېمه مولیاتې ویی اېمه آنتې بکار یومه سې گه روزا درې. رمضان اېسه مای سې گه تی کوچه قرآن نازل بتيک گه انساننه آنتې سړی دې آخري جا هدایت سې او انخول تاري پند لړېني کوچی شن گه اوچ پندېس لړېکالي او حق او باطلس ای وري اودای تارایدې دُونېکالي شن، میسي هوره که گه میدې پت مه مایې لیادن، تی سره لازم سې گه مه چیکه مایې روزا دردن او اگه که ناساز یا مسافر تې، ویی سه تیا وري دواسه کوچه روزاینا گنتیستا پورا کدن، الله ج اېمه سره لوهاني اچیک اېرا، سختی اچیک نه اېرا، میسي خاترې اېمنې اېلو طریقاً لړېن گورپا گه اېمه روزاینا گنتې پورا کېنا بادا او کوتي هدایتېدې گه الله ی اېمه شر اورې کېویا ای تیسیدې

روزا اسلامس پنج بنایه اودای لمنگل رکن سې گه هجرتس دومنگل سالستا رمضان یا روزا مایې کوچه مسلماننه سره فرض کېن بوا شې گه ای مسلمان تیس درېکستا پلا جوم سکل یا کوکور بانک دې تا سور ننگیک یا شامه جا تانوک جانستا اېک، پیک او جنسي روابطه اودای رشي. روزاس عبادتي نه کېولا اېلو گه اسلام مبارک دین کوچه فرض شې بلکه میدې پورا به وري آسماني دینه کوچه فرض کېن بوا آیک. یه بابته الله تعالاس فرمني شې گه کدا.

جب پرتان: ای مسلماننه اېمه شره روزا فرض کېن بتيچ، اخول گه اېمه دې پوره هوني پیغمبراننا پیرونه شره فرض کېن بوي آییچ، میدې اېلو اومېد شې گه اېمه کوچه پرهېزگاریس صفت پېدا بې، کاو تعین بوي دواسنا روزا سن اگه اېمه اودای کوتي ناساز تې یا بهه تې، ویی وري دواسه کوچه تیا سېمه وار گنته پورا کدن او اگه کوتي جن گه روزا درېنيس وسي نه داراتې او



الله س گن گستا استوبدا او شکر کېکالي تې . (سوره البقره ۱۸۳ تا ۱۸۵ آيتېلا)

اي مسلمان گراى روزاس درېهي اېمي پلا به گه الله تعالاس امرې جايه با او ثواب گټا ، وري بو نپا او بيارې به جانې پلا دارا گه اېمه ونټې کوچه محترم پوهنمل شیرزاد عزيزيس وارنستا جب پرتنې اچيکم گه اسلام کوچه عبادتنا فقه نامېدې کتاب کوچه اوا شې.

### روزاس نپيى

اسلامي شريعت اېرا گه انسنس چيکه زندگستا الله تعالاس عبادت او بندگي کوچه اچدن او زندگيس هدفستا پېنودن ، ويى ميسي هوره بندا لوان پيري پېدا کېهن ، بندگي تيس فطري اېرکي سې ، ويى مېسې اسسېدې بايد اي شوپ به الله تعالاس عبادت او بندگي اوداى غافل نه درې، زندگيس هر لحظا کوچه بايد الهي حکمس تابع تې او تاردن گه کوتي لمېلا الهي رضا او خوشحاليس باعثي گرا او کوتي لمېلا تيس قهر او غضبستا باعثي با. اېته لمېلا گه الهي رضا او خوشحاليس باعثي تن تې سره پولدن او اېته لمېلايه اوداى جانستا رشدين گه الله تعالاس غضب او قهرستا سبيي گرا.

چيکه ديني عبادات اهلې نماز ، روزا ، زکات او حج امه سره امي هوره فرض بوي سن تا گه عملي زندگي کوچه الله پاکس بندگستا انتې تيار او سمروي تمان . اگه امه وېلو دواس کوچه پنج وخت نماز کاکمان ، سالي کوچه اي مای روزا دراکمان ، اوته گري ، تنه گري او مشکلات سره وټاکمان ، زکات داکمان انخول حال کوچه گه اېلو دارايي بو زحمت او کشالايه پلا استه اتلېوان تا ، عمر کوچه اي گوزر حج کاکمان ، تانوک روپينستن مصرف کېيکمان ، تانوک جانستن تکليف او مشقت کوچه وېيکمان ، مه چوينا مقصد اېلو شې گه امه عملي زندگي کوچه الله ج حکمستا منيک انتې تيار بمان . يو اي تمرين او تربيت شې ، امزات عملي زندگي کوچه فردي لمېلايه دې درېتا تا اجتماعي لمېلايه بنک، آدابه دې درېتا تا سياست جا ، چيکه زندگي بايد الهي احکامه پلا اوچ برابر کمان.

### روزاس معنوي نپيى

۱ - اخلاقنا بېيگري : روزاس چويه دې مهم فايديى اېلو سې گه انسنس اخلاقستا جوپيبي ، بتر لّمه او مچ عادتېلايه اوداى بند کېبي ، ميسي خاترې دې سې گه رسول الله ص تانوک کدنا او ارشادته گراى تانوک امتياني متوجې کېوياً آن گه روزا کېولا اېک او پيک اوداى بند بيک نه سې تا گه لار ، غيبت ، ظلم، اغت

گرېني ، تومت کېني ، حرام مالنا اېک او الهېن وري مچ لّمه او بتر خويه اوداى بند نه بې .

رسول الله ص مهرباني کيا. جب پرتان: که گه روزا مايې کوچه لار انيک او تي سره عمل کېهې نه اوړدن، کېولا اېنا او پناس اوړيک انتې الله پاک اړگري نه دارا .

اي وري حديث شريف کوچه رسول الله ص الهېن مهرباني کيا. جب پرتان : بو روزا درېکالي الهېن آن گه اوته گريدې اوړتا وري کو استه نه اچياکن او بو وېلې تهجد کېکالي الهېن آن گه انورچي دې اوړتا وري کومې فايده نه کاکن يعنې عملي الله پاک انتې نه تا بلکه هر کومې گه کيا جان لړېني او رياکاري اسسېدې سره پولېيا.

که گه شتېدې روزا درېک اېراتې بايد بېباک اگتېلايه، عبث لمېلايه او هر رکم بې حيايي لّمه اوداى ترېدې جانستا رشدين. مه چچلاتې، کي پلا انچالي مه کياتې ، جاهلنه او نه مولېکالي پلا جان برابر مه کياتې، کي انتې گال مه دياتې ، بتر او پگي اغتې مه کياتې، گه يومه بکار اخلاق باين گوريا او اسلام انتې مطلوب لمېلا سن.

رسول الله ص اوچېن بوي اخلاقه انخول الفاظه دې لړې دبېين. جب پرتان: کوتي دوسه گه اېمه روزا تياکو شهواني لّمه اوداى جانستو رشيتې، چېگ مه اناتې ، جهل او نه مولېني اوداى لّام مه گورياتې ، اگه که گال دېوو تې او يا مستنو جنگ کياتې تي، دوگوزر مدا گه اه روزا آم.

۲ - روجي تداوي : روزا اگه نبوي سنتنا مطابق درېن بې ، اي بکار روجي تداوي او دواکېني سې ، روجي کاتې بو کېبي او انسني فزيکي تراپېلا او عادهت اوداى بې پروا کېبي. يومه سبب سې گه ايللّ مولېکالي ماکن: بيى ال اېلو سې گه هېچ مچ عادت نه دارې. روزا انسنس ارادستا کهرا او انسان کوچه تانوک رب پرکنا عاجزي او وفاداريس احسسي کاتلا کېبي، خول گه سه کرکه اېنا او پنا اوداى جانستا ننگا کېبي ، انخول حال کوچه گه پرکنيى اېنا او پناس پرېمان شيان چنوي تياکن.

روزا درېني روجي سلني او سوچنا دوره درېيا او انسني اېميس قووت دېبي گه بتر لمېلايه اوداى جانستا چوتلدن ، کېلولالا رکمېدې نېشه يي موادنا عمليان اېمي پلا به گه کم دنې انتې تانوک عملستا اوداى آست اوبريا اېميس امېدواريه پېدا کېبي گه مېنا اېلو پرېهز او جان رشنيا دايمي بې او اېمه بتر عادت پلا دايمل انتې خداى پاماني کې. اېلو اغت اېته جنه انتې به صدق کيا گه چای او قهواس پکستا يدې نه دما او جانېکه ضرر پوليا.

کيا او دموا گړا ، معدستا سره بوج او بار تا او اړه تنگگريس احساسي کيا.

**۵ - صبر او حوصله مندي:** مسلمان بندا گه پُرکنيی اپنا او پناس پرېمان جُگېلا چنوي تياکُن خو گر ه به تېکه آست نه لېلأ ، يومه عمل او کېنا مسلمنس صبر او حوصلستا بو کېي ، صبر او حوصله زندگستا دايمي انديولي با ، زندگيس چيکه مرحله کوچه تي اودای اي صابر شخصيت جوپيا ، او تگري او تنگري پلا مقابلاس وس ونتيی کېا ، انچالي کوچه دشمن پورا مقابل آنتې ننگ کېا، سختي او کشالايه پلا تيس نفستستا وړلېي ، کهرا او کاټلا اېلېي ، اېمه او انخول وري روزاس معنوي پايدا او نپيی سن.

البته روزا مايپس پروالي دې دوسي پاک خدای ج رحمتستا باعثي شن ، دومنگل دې دوسي گناهنا بخچشس باعثي سن او لمنگل دې دوسي جنتېکه اټکس باعثي ش.

اېسه بندا بو باييشټ تې گه چيکه عمر او کېلولالا رکمېدې روزاس اېمه مبارک مايې کوچه شتايدې الله تعالاس طاعت او عبادتي کې ، وتوي مچ عمله او گنايه اودای اړېدې توبا هنې او ميدې پتای پاک اړېدې چيکه ديني فرايضه بو صداقت او ايمانداري دې سره پولډن. کي آنتې ضرر او تاوان مه پولې ، مالستايکه انچ مه دارې، لار مه انې او کيس غېبتي مه کې. خلکه پلا سمرې او اړ جنه پلا کومک کې. بکرېدې روزا درې او پورا رکمېدې چيکه شرايطنستا پام کوچه درېني او شره پولېني گرای جانستا بوبو ثواب او اجرس خاوندی کن.

روزاس روحياتي او رواني نپيی بې گنات سن، زوزه دار بندا قانع او اړېدت انچه لرا ، رواني او فکري تلنې مسترېج او وشمو لرا ، اېته عمله اودای تړېدې جان رشا گه روزا آنتې تاوان پولياتې. اېمه رکمېدې تانوک سلوک او حواسنا پورا کنترولې کيا، گه تيس اېلو عمل او کېنيی نه کېولا اېلو گه تيس شخصي زندگستا سره مثبت تاثير کيا بلکه جامعا کوچه به مثبت رکمېدې منعکس با او وري خلک اودای متأثر بياکُن. بو گنات مطالعايه اېلو ثبوت آنتې پولېويی سې گه اسلامي وطنېلايه کوچه جرايمنا اندازيی روزاس مبارک مايې کوچه اکورې اياکُن.

**۳ - نفساني شهواتنا مورېک:** روزا درېک پاک ملايکنا عملي سې . که گه فرضي روزايه کويه نفلي روزاينا کوششي به کياتې، سېمه اندازايدې نفس کوتن گوريا، شهواتېليی کمزور با او شيطان سره غلبا پېدا کيا. ميسي خاترې نبي کریم ص جوانان متوجې کېوی او شريی کن هنویأ شې گه اگه نکاح کېنيس وس نه داراتن بايد روزا درن.

**۴ - روحانييتس کاټلگري:** روح اېسه پاک مادا سې گه الله ج انسان کوچه پېدا کېويی سې ، تا جا گه اېمه روحس رابطيی تانوک ربستا پلا تر تې سېمه اندازايدې تيا خوشحالي او وشمکس احساسي کياتې او کودن گه اېمه روحس رابطيی کفر او گناه واسطايدې الله ج اودای کتن گوريا ، يان تيا دنيايي سرمايا او مادياته گرای اړېدت نه با، دايم تيا سلني، سوچېلا او نفسي کړاوبلاينا درياب کوچه بړوا تې. روزا اېسه عمل سې گه روحي قووت او خوشحالي بخچا او يو اېمي هوره گه انسان دايم خوراک







سیورلیکف، ایمان لی، پاکلیک فضیلت لری حرمت بیلن تیلگه آینه دی. واقعه نینگ توکونی هم همیشه انه شو فضیلت لری بیلن اولگولش بیلن بیچیمینی تاپه دی. ماهر خلق فرزند لری تمانیده اولب تاپیلگن فنتستیک حادثه لر، اویدیرمه لوحه لر، سحر لی نرسه- بویوملر، جادولر، غیرطبیعی حادثه لر ایسه تام معناده یاووزلیک نینگ قاره لیشی، ایرگولیک نینگ مقته لیشیده پایتیک خامشیا صفتیده فایده لینه دی. خلق ایرتک لر نینگ مضمون و حیاتد گی واقعه لر نی تصویرلش یونه لیشگه کوره اوچ توری موجود لیگی م. افضل اوه، ک. امام اوه تمانیدن کورسه تیب اوتیلگن. بو تصنیف گه کوره ایرتک لر سحرلی و حیاتی تورلرگه بولینه دی. منصور افضل اوه تصنیفیده یینه حیوانلر، سحرلی-فنتستیک، حیاتی-ستریک تورلر هم کورسه تیلگن. عمومی تحلیل نینگ آسان و توشونرلی بولیشی اوچون بیز انه شو تصنیف گه بناء ایش کوریشینی معقول تاپدیک.

### ایرتک لر تعرفی

ایرتک لر دنیاده گی باشقه خلقلر آغزه کی ایجادیده کینگ ترقلگنی دیک، اوزبیک لرده هم اینگ عامه وی جانلردن بیری صفتیده تورلی ولایت لریمیز ده یشیدینگن یورتداش لریمیز تمانیدن سیویب، ایتیپ کیلگن. اولر نینگ جوده قدیم زمان لردن یره تیلگنی "ایرتک" اته مه سینی محمود کاشغری تمانیدن ۱۰۷۴- ییلده یازیلگن "دیوان الفات الترتک" اثریده "ایتوک" ترزیده قوللنگنیدن بیلسه بوله دی. "Etuk" -حکایه، ایرتک: بیرار مقصدنی شاه گه بیلدیریش، حکایه قیلش اوچون هم بو سوز قاله نیله دی. اصلی بیر نرسه نی حکایه قیلشیدن آلینگن.

بو جانر نینگ قدیمیلیگینی قزاق، قیرغیز، ترکمن و باشقه بیر قاتر ترکی خلق لر عایله سیگه کروچی میلترلر آغزه کی ایجادیده هم ایرتک دیب اته لیشی اثبات لیشی ممکن. شونینگ دیک، میف و افسانه روایتلر حقیقه فکر یوریتگنی میزده دیفوسین جریانی نینگ کیین کی باسقیچی ایرتک ایکن لیگینی اسله تیب اوتگن میز.

ایرتک ترمینینی اوزبیکستانده گی همه ولایتلر احالی سی جوده یخشی بیلسه ده بو جانرگه عاید اثر لر تورلی چه حد-حدرده تورلی

چه اتلگن. ذصو صا، تا شکینت لیک لر "چوپچک" فرغانه لیک لر "متل" خوارزم لیک لر "ورسقی" اوزبیک و تاجیک تیلیده سوزلشوی وطنداش لریمیز "اوشوک" طرزده ایپتیشگن. بولردن

تشقیری جانلی سوزلشوده بعضا افسانه، اوتریک، توتل اته مه لری هم اوچوره ی دی. حضرت علی شیرنواپی هم غزللر یدن بیریده چوپچک سوزینی قوله گن لر:

حبیبم حسنی وصفین اویله مهلک انگله کیم بولغای  
قاشین ده قصه ی یوسف بیر اویقو کیلترور چوپچک.  
(بیت ده گی "چوپچک" "نوادالشباب" نینگ ۱۹۵۹ ییلگی نشرده "چوپچک" شکلیده یازیلگن. شونینگ اوچون علی شیرنواپی زمانیده چوپچک یا که چوپچک اته مه سی بار ایدی دیب خلاصه قیلش ممکن بوله دی). عین پیتده "اویقو" سوزیگه اعتبار بیرینگ. معلوم بوله دیکه، آقشم پیدی باله لرینی اوخله تیش ده ایرتک نینگ سهرلی تاثیر کوچیدن بوکون گی کونده فایده لدر ایکن میز، بو عنعنه هم بیجیز پیدا بولمه گنینی قید ایته میز. در واقع، ح. عالیم جان نینگ ۱۹۳۷ ییلده یازگن "آیگول بیلن بختیار" ایرتگینی ایسله شی میز هم اورینلی.(۱)

باله لیک کونده لریمده

اویقو سیز تونلریمده

کوپ ایرتک ایشیتگندیم

سویلب بیره دی بوویم

ایسیمده اوشه دم لر

اوزی ا اوچر گیلملر

طاهر و ظاهره یوریتلاش

آینی اویالتیرگن قویاش

شاعر داستان باشلنیش ده (داستان نینگ باش مضمونی هم "آزاده چهره" ایرتگی گه اساس لیشی نی تاکیدلش ممکن) خلق ایرتک لرینی جازبه سی نی شاعرانه کشفیاتلر بیلن یاریتیب بیرگن. بو مصرع لرده "طاهر و ظاهره"، "یاریتلاش" ایرتک لری نینگ نامی تیلگه آیینیشیدن تشقیری "اوزی اوچر گلم لر" "آینی اویالتیرگن قاش" لر، "بیقنات اوچگن آت لر"، "سویله گووچی دیوارلر"، "باله بوپ قالگن چالار" سنب اوتیله دی. حقیقت هم، "آیگول بیلن بختیار" ادبی ایرتگینی یازیشده شاعرگه خلق ایرتک لری نینگ سیرلی عالمی الهام بغیشله گن و حمید عالیم جان اوز اووچی سیگه بو الهام ایضادینی گوزل سوزلر بیلن بیتگزیشگه حرکت قیلگن. یوقاریده کیلتیرگن فکرلریمیز خلق ایرتک لری نینگ حقیقی سوز صنعتی صفتیده قدیم دن یششب کیله یاتگنینی، خلق حیاتیده اولرده تصویرلنگن عالم معین اهمیت کسب ایتگنینی دلایلیدی.

خلق ایرتک لری میز نینگ بدیعی ایجادی نمونه سی صفتیده گی جانر خصوصیت لری قوییده گی لردن عبارت:

ایرتکلر خلق آغزه کی ایجادی نینگ ایپیک جینسی (توری) که منصوب.

۱- ایرتک اساسا نثرده بیره تيله دی. فقط ایریم اثرلرده

گینه (یورولتاش، طاهر و زهره و باشقه) قوشیق نی ایسله دوچی شعرى پرچه لر اوچره یدی.

۲- بیربارایکن بیر یوق ایکن باشلنمه سی و مراد مقصدگه ییتیتی یکون لنمه سی ایرتک لر نینگ عنعنوی بیلگی سی حساب لنه دی.

۳- خیالی فنتستیک تصویر ایرتکلر سیوجیتیده قوللنه دیکن استوار اصول دیر.

۴- ایرتک لر نینگ عمومی مضمونیده (ی.م.ف) فارموله سی دایمی تکرارلنه دی. هر بیر ایرتک، ی- نیتسیل- باشلنمه ؛ م- میدیل- اساسی قسم، ف- فینل- یکون لنمه دن عبارت بوله دی.

#### حیوان لر حقیقه گی ایرتک لر:

حیوان لر حقیقه گی ایرتک لر نی ایریم متخصصلر سحرلی فنتستیک ایرتک لر تورکومیکه منصوب حساب لیدیلر. خصوصا، ک. امام اوه، گ. جلال اوه اوزلری نینگ تدقیقات لریده حیوان لر اشتراک ایته دیکن ایرتک لرینی سحرلی ایرتک لر قناریده تحلیل قیله دی لر. بو اثر لرده حیوان لر اشتراکی، اولر نینگ اثر قهرمان لر بیلن صحبتده بولیشلری عالم لر نینگ سحرلی ایرتکلری دیب اتشلریکه اساس بیره دی. بیز بو اته مینی شرطلی رویشده قبول قیله میز، چونکه سحرلی ایرتک لر نینگ حیوان لر اشتراک ایتمه گن مضمون ده گی لری هم ییتلری بولیب اولر نی علاحیده تحلیل قیلش ممکن.

م. افضل اوه حیوان لر حقیقه گی ایرتک لر نینگ اوزیده تورلی فرقله نوچی اثر لر بارلیگی نی قید ایته دی. اور نینگ بیرینچی توره که میفالوجیک مضمون افاده لنگن لرینی قاشه دی. معلوم که قدیم زمان لرده توتیمیزم و فیتیشیمیز توشونچه سی مقطع نظردن اجداد لریمیز هر بیر نرسه- پریدمیتنی، شو جمله دن حیوان لرینی اوز لر یکه حامی دیب بیلگن لر. اولر تصویریده آدم لر تاتیم و فیتیش یاردمیده معین یوتوق لرکه ایریشیش لر ممکن حساب لنگن. بو حقهده میف لر حقیقه توخته گنیمیزده هم معلومات بیرگن میز. اوزیک اجداد لر بوری، ایلان، آت و باشقه بیرقنار حیوان لر نی اوزلریکه حامی لیک قیلیشنی روحا حس اینگن لر. ایرتک لر نینگ دسته لب کی نمونه لریده عینا انه شو دنیا قره ش اساسیده اثر لر یره

تکلر. "بوری"، "چولاق بوری"، "ایلان آغه"، "اییق پلوان" کبی ایرتک لر شولر جمله سیدن دیر. (۲)

"قویاش بیر نینگ پهلوانی" ایرتگی ده آنه اییق روستم نی پروریش قیله دی، او نینگ دیاتیده حامی صفتیده اورین ایگلیدی: روستم و آنه سی یماقچی چولکه قولیدن کیلگنچه یخشی لیک لر قیلیب دشمن دن اسره ی دی.

منصور افضل اوه "ایلان آغه" ایرتگینی علاحیده اجره تیب کرسهته دی. "ایلان-کویا و نقابینی آلسه، انسان گه اییلنه دی. قیز ایلان نینگ نقابینی کویدریب یو بارسه، او کفتر بولیب اوچیب کیته دی. ایلان آغه نینگ آنه سی و خاله سی ییلماغیز کمپیر بوله دی. اولر ایلان آغه بیلن قیزگه کوپ توسقین لیک قیله دی لر. لیکن ایلان آغه و قیز اوز تدبیرلری آرقه لی ییلماغیز کمپیرنی یینگیب مراد مقصدلریگه ییته دیلر. خصوصا چولاق بوری ایرتگی ده پادشاه نینگ کینجه اوغلی افسانوی طلا قوشنی آلیب کیلش اوچون سفرگه چیقن باله بیر قیز و آت بیلن اویگه قیته دی. یولده اکه لری نینگ حالیدن خبر آله دی. اما اکه لری او نینگ کوزلرینی اوییب چاه گه تشلیدی لر. ایرتک آخریده کینجه اوغیل باریب مراد مقصدیگه ییتیشه دی. اکه لری جزالنه دی لر. بو توره گی ایرتک لر نینگ ماهیه دی توتم حساب لنگن حیوان و قوش لر نینگ اثر قهرمانیگه اوزلری نینگ سحر لی فضیلت لری طفیلی یاردم بیریش بیلن ایضاحلنه د. شو مضمون ده گی یینه بیر ایرتک "کینجه باتور" دیب اته له دی. اونده حامی صفتیده آت قتنه شه دی.

حیوان لر حقیقه گی ایرتک لر نینگ یینه بیر توری ده مجازی فکر یوریتیش اصولی استوار دیر. بوندی ایرتک لر فرزند لرگه، فند، نصیحت، تربیه بیریش مقصدیده یره تیلگن هر قندی وضعیته بیرگه بولش، دوست لیک قدرلش کیره کلیگی ایرتک نینگ باش غایه لری حساب لنه دی. انسان بیر-بیریگه یخشی لیک قیلسه البته اوزی نینگ آرزوسیگه ییتیشه دی دیکن فلسفه اساسیده توقیمه واقع لر قیزیق-قزیزلر آبرلر اویلب تاپیله دی. "سوسمیل" ایرتگی انه شوندی اثر لر قناریدن آرین آلگن. هوکیز، ایشک افسانوی سوسمیل شهریده ایرکین، توکین دیات کیچیرماقچی بوله دیلر. اولرگه خوراز کله موش، ارلر ایرگه شه دی لر. اوزاق قیین چیلیک لردن سونگ مقصدگه ییته دیلر. اما بو ییرده اولرگه بوری لر هجوم قیله دی. شونده هوکیز اولر نی نجان بیره دی. کلاموش لر بیر کالوب، بوری لر نی

گورگه تیق ماقچی دیک قورقیده دیلر. اریلر چاقه دی. خوراز قیچقرب، ایشک هنگرب بورلرنی بیرزاونته قیله دی. آخر عاقبت بوری لر اهییل برادرلردن زورگه قاچیب قوتیله دیلر. اوزگه لریگه باریب واهمه ساله دی لر. نتیجه ده برچه بوری لر سوسمبیل دن قاچیشگه مجبور بوله دیلر. حیوان لر ایسه توکین حیات کیچیره دیلر. بو ایرتک ده بختگه ایریشیش آسان ایمس. امام ایریشیلگن بختنی سقلب قالیش اوندن هم قیین راق دیر دیگن. دانا فکر حیوان لر میثالیده مجازی طرزده اوز افاده سینی تاپگن. حیوان لر حقیده گی ایرتک لر نینگ کیین گی توری کوپ راق معرفی مقصدنی عمل گه آشیش اوچون یره تیلگن. آته لر فرزندلریگه اوز حیات تجربه لریدن سباق بیریش لری کیره ک. فرزند اوز عایله سیده کته بوله یاتگنی سبب اولر نینگ اطرافیده یشه یاتگن حیوان لر حقیده معلومات گه ایگه بولمیدیلر. اولر قوی، ایچی، تاووق، ایشکنی اوز کوز لری بیلن کورگن لر. مقین تصویرگه ایگه لر. اما بوری، اییق، ایلان، تولکی بورگیت نی اولر بیلمدیلر. شونینگ اوچون ایرتکلرده اولر نینگ حیات کیچیش طریزی یوزه سیدن ضرور معلومات لرینی بیریش لازم بوله دی. خلص حیوان لر حقیده کی ایرتک لر مذکور جانر شکلنیشده گی دسته لبکی نمونه لرینی تشکیل ایتگن. اولرده قدیمگی اجدادلریمیز نینگ میفیک دنیاقریشی اوز افاده سینی تاپگن. کیین گی نمونه لرده آدم لر اورته سیده گی اجماعی، معیشی مناسبتر مجازی طرزده عکس ایتیریه دی. اولرده اساسا کوپ راق تربیه وی مقصدلر نظرده توتیلگن. و نهایت بو توره گی ایرتک لر نینگ نسبتا کیین بیره تیلگن نمونه لریده معرفی معلومات بیریش مقصدی عمل گه آشیریلگن. (۳)

### صحری ایرتک لر:

جهان خلقلری ایرتکلر یده گی عمومی آخششلر حقیده فکر بارگنیده، کوپراق صحری ایرتک لر نظرده توتیله دی. انسان قدیم زمان لرده هم خیال سورگن، اوزیچه تورلی تمن غرایب واقعه لرنی اوایلر تاپگن. اصلیده میفلر نینگ وجودگه کیلیشیده هم اجداد لریمیزده گی عینا انه شو خصوصیت ییتک چی اهمیتگه ایگه بولگن. کیین چه لیک فنتستیک واقعه لر توتم، فیتیش آبراز لردن اوچر کلم لرگه صحری د سترخوان لرگه، آلتین قینیدیگن خوم لرگه، استه گن آدم نی استه گن پیته کورش ممکن بولگن جام لرگه، آنه لرگه اوتگن. بوندی واقعه لرنی آیلر تاپیش اجداد لریمیز آرزولری، هواس لری بیلن اساس

لنگن. یول عذابیدن عذیت چیکن انسان اوچر گیلیم، آت، منزلگه کوز یومب اوچگون چه یتکزگن بورینی اوایلر تاپگن. نتیجه ده صحری ایرتکلرده گی واقعه، حادثه لر حقیقی معناده اجداد لریمیز آرزو حوس لری نینگ مجموعه سینی تشکیل بولگن.

علم و فن تراقیاتیده کته کشفیاتلر، عادتده، عالم خیالیده پیدا بولگن رجا- گپاتیزدن

باشلنه دی. گپاتیزده آهسته سکین رواجلنه دی و حیات ده تطبیق ایتیلیشی نینگ لایحه سی شکلنه دی. عالم انه شو لایحه نینگ علمی زمینینی تاپگن دن سونگ کشفیاتی نینگ عمل گه آتش اوچون شرایط یره تیلگن بوله دی. صحری ایرتک لر بیر جهت دن انسان آنکی ده یره تیلوچی انه شو گپاتیزلر اوینه لیشینی باشقرگن، دیب خلاصه قیلیش اوچون اساس بار. صحری ایرتک لر باش قهرمان گه نیمه دیر (کوپینچه فرزند) بیتیشمس لیگی، قهرمان نینگ بیتیشمه یاتگن نرسه سیگه ایگه بولیشی، اونگه نیمه دیر قیلیش نینگ تقیقلنیشی، تقیق نینگ بوزیلیشی، کوچلی رقیب گه دوچ کیلیش، خوف لی صفرگه چیقیش، سفر یکونی، رقیب بیلن آلیشو، مراد مقصدگه بیتیش کبی لوحه لردن عبارت بوله دی.

تنیق لی عالم و. ی. ا. پراپ یوقار یده گی ترتیبی جهان خلق لری ایجاد یده گی صحری ایرتکلر متنی ترکیبینی تشکیل قیلوچی اساسی عنصرلر ایکنینی چقور علمی اساسده میثاللر بیلن اثباتلر بیردی.

اکثریت حال لرده صحری ایرتک واقعه سی فرزند سیزلیک ماتویدن باشلندی. اما تیز آره ده اثر قهرمانی فرزند گه ایگه بوله دی. بو حادثه آلمه، ارپه یاکه بیرار نرسه بی یشده بعضا اوز-اوزیدن ریاب گه چیه دی. توگیلگن باله بیلن دستلبکی تنیشیدناق او نینگ غیر عادی فضیلت لری بارلیگی عیان بوله دی صحری ایرتک قهرمان لری اولیب قیته تریلیش خصوصیت گه ایگه ایکن لیگ لری بیلن هم بیز نی اوزیگه جلب قیله دی. توغری اولگن آدم گه جان عطا ایتیلیشی قدیمگی اجداد لری میز دنیا قریشی افاده سی صفتیده بهالنه دی.

خلق آنکی د انسان نینگ بران یخشی لیگی، البته تقدیر لنیشی لازم. اثر قهرمانی سیمرگه، اییغکه، لیلککه کورستگن یاردمی عویضیکه مشکل لری آسان بولدی.

او نینگ یاردمی دن فایده لنگن حیوان لریکینچه لیک صحری امکانات لری بیلن قهرمان همراهی گه و بیران عالی جناب مقصدنی قولگه کریتیش واسطه سیگه ایلنه دیلر. ایریم



ایرتک لرده ایسه عدالت عینا انه شو یخشی لیک عوضیگه غلبه قازا ندی. "اورتوقماق" ایرتگی ده گی چالگه اوزی دوا له گن لیلک بیر مرته گینه لطف کورسه تیب قالمیدی. بلکه اوز صحرلی تاثیرینی اخیرگه چه فاش ایته دی و جزالیدی. صحرلی ایرتک لر جاز به سی کوپینچه ائردن اورین آلگن معجزه وی سفرلر، حیرت آموز توکینلیک عکس ایتگن لوحه لر، خیال باور قیلیمیدگن جادو و افسانوی اوچرشولر تصویریده اوز افاده سینی تاپه دی. ایرتک لرده حیات شو قدر مضمونی و بیبها احسان که، اونده بولش ممکن بولمه گن حادثه لر تیزیمی نینگ اوزی یوق ایچی تاپیلمس معما اوچریدی، دیگن خلق فلسفه سی نفس آله دی.

شوندی قیلیب صحرلی ایرتک لرنی مذکور جانر شکلنه یاتگن دور محصولی دیب بهاله سک، ختا بولمیدی. اولرده گی حیرت آموز، گوزل تصویرلر اثر نی اجرا قیلش دوامیده ایرتک چی نینگ مهارت درجه سیگه کوره قوشیلیب بارگن بولش ممکن. صحرلی ایرتک انسان فنتزیه سی چیک سیزایکنینی اثبات لیدی. اولر تورموش تشویش لری مشکل حالت گه توشگن آته بابیه لری میز نینگ آوونیش واسطه سی بولگن.

#### معیشی ایرتکلر.

معیشی ایرتکلر مضمون جهت دن حیوان لر صحرلی ایرتکلردن بیواسطه حیاتی واقعه-حادثه لر حقیقه حکایه قیلش بیلن فرق لنه دی. توغری بو توره گی ایرتک لرده صحرلی-فنتستیک بیلگی لر نینگ موجود لیگینی انکار قیلیب بولمیدی. اما بو عمومی افاده چیگره سی معیشی ایرتکلرده انچه چیکلنگن. چونکه اولرده خلق، اوله عادی آدم لر قولیدن کیله دیگن ایش لر بویزه سیدن فکر یوریتله دی. بی واسطه ریبیل حیات، تورموشده روی بیریشی ممکن بولگن واقعه لر اساس قیلیب آلینگنی اوچون هم بوندی اثر لر تورکومیکه معیشی ایرتک لر اته مه سی بیریلگن. اولرده حقیقی حیاته گی انسان ملت وکیلی، او نینگ امکاناتی درجه سیده گی جسمانی کوچی، علمی عقلیگه واقعه لر زمینیده توصیف بیرله دی. اکثریت حاللرده اثر قهرمان لر نینگ اسم لری هم قید ایتلمیدی. چال، کمپیر، بیرآدم، اوغیلی، قیز، کمبیل کاسب کبی انسان لر مذکور ایرتک نینگ قهرمان لری بولیب کیله ویره دی. بو بیلن دانا خلق ایرتکده بیواسطه تینگ لاوچی احوالی نینگ هر بیری اثر قهرمانی ایکنینی تاکید له گن بولیشی ممکن. اساسی مقصد ایرتک دگی حکایه قیله نه یاتگن واقعه عادی معیشی تورموش شرایطی ده کیچکنینی تاکیدلشدن عبارت بوله دی. کینگی

مقصد اثر اشتراک چی لر باشیدن کیچیرگن تورموش لوحه لری واسطه سیده یاش اولاد نینگ برکمال انسان بولیب ییتشیوی اوچون تربیه وی زمین حاضلشدن عبارت دیر. فیلاولوجیه فنلری داکتری کامیل امام اوه شوندی دیدی: حیاتی معیشی ایرتک لرده قهرمان آبرازی فولکلورگه خاص اندیویدالشتیرلگن بولیب، او نینگ اسمی، اولاد-اجداد، یلت، اورغی همده واقعه لر صادر بوله دیگن اورین، جای، نام لریگه چه مکمل انیق بیرپله دی. حیاتی ایرتکلرده توغریلیک و ایگریلیک، مهنت سیورلیک و دینگه سلیک، پاک لیک و ناپاکلیک، مرد لیک و خیانت دایمی رویشده قرمه قرشی قویله دی. خلق ایرتک دوامیده کیچیک اعتبارگه ارزیمیدگن عنصرلردن استا لیک بیلن فایده لنه دی، وضعیت ایچمینی اولر آرقه لی حل قیله دی.

خلق ایرتک لری بدیعی سوز صنعی نینگ گوزه ل نمونه سی صفتیده علاحیده اهمیتگه ایگه. ایرتک لر نینگ یشوچندلیگیگه سبیب هم او لر نینگ بدیعی مکمل لیگی بیلن بیلگی لنه دی مضمون جهتن حیات نینگ تورلی مسئله لری ایرتک تیمتیک دیه پازانی نی تامین لیدی. اول نینگ هجمی مضمونده افاده لنگن واقعه لر تیزیمیکه، معمارلر نینگ ییچیمیکه باغلیق دیر. اوله ایرتک لر سیوجیتی پخته اوایلر توزلگن ریجه گه بوی سونه دی. هر بیر واقعه ایکنیچی سی بیلن عضوی باغلنه دی، کینگی لوحه لر اولگیریده گی توشونچه لری نی رواجلن تربیه باره دی. ایرتک لرده خلق ملی تیلیگه مناسبت سوزلردن اورنیده فایده لنیش سیزپله دی. ایتوچی اوز حکایه سینی ساده گپ لردن توزیلگن عنیق فکر لر واسطه سییه دوام ایتیره دی. بو جانرگه مناسیب اثر لرده، البته قیزلر اون توروت کون لیک آیدن گوزه ل، ییگیلر، مرد، قیلیچ لر کیسکیدرستروانلر اوچیلوچن، خوملر قینمه خصوصیتلرگه ایگه بوله دیلر. ایرتک لرده جوده بای و تورلی-تورلی اوخشه تیش، صفتلش، مبالغه لر مجموعه سیگه دوچ کیله میز. شو نینگ اوچون هم آغزه کی ایجاد میز ترکیبیده گی بو اثرلر حقیقی معناده قدریتلر نمونه سی، مدنی میراثی میز نینگ نایاب گوهر انجولری درجه سیده اعزاز لنه دی. (۴)

مآخذ:

- ۱- احمد اوه، زیب نسا ایرتک تراپیه، تاشکینت- ۲۰۱۹
- ۲- نیشان اوه، G.F.L. z.t. .... باله لر روانشناختی ایرتکلر
- ۳- قاسم اوه K. آنه تیلی اوقیتیش میتودیکه سی.
- ۴- احمد اوه S. ادبیات صیفی درسی.



## اخلاق اهمیت اسلوم دین دیدگاه تی

اخلاق ییواس اسلوم دین مهم شعبه یپن. حتی اس بعضی طرفین اخلاق، اند اس فکت دگه شعبه یپن مس بلنددی ات تیردی مقوم. بنده یپنن مؤظف ادې، تاخه فآرذیپن خدای اخلاق قتی خو آراسته کنن ات وی خلیفه زمین تی قیپن. یی روایت اند یثج: تخلقو اباخلاق الله (اللهی اخلاق قتیر خو آراسته کنیبت).

خدای وېف کاربن انجوم زېداوتی خوش څه سؤد، څقارقسمېن:

۱- ییوم قسم: اعمال یا کاربن ادې بنده ویف چیداو الله (ج) عظمت ات معبود قداوتی اعتراف کنیبت. وی درگا ندی خوبنده گی ات ناتوونی لوڅد. دأذپن عبادتېن ات بنده گی ات فروتنی اظهار چیداو.

۲- ذیونم قسم: اعمال یا کاربن ادې وېف انگیزه، دنیا ضرورت، نیاز ات

نفس خواهی. انسون اگه دېف انجوم زېداواند اللهی حکمېن رعایت څه کنیبت اجرات ثواب ته کمالی کنیبت، مونی: کسب، کارات دهقونی ادې وېف انگیزه دنیا ضرورت. یا نکاح ات کؤدکېن تردوشتاو ادې، دی انگیزه نفس خواهی ات خونیا ز تأمین چیداو. اگه انسون وېف کاربن انجوم زېداواند اللهی دستورېن در نظرڅه انجیڅد، اجرات ثواب ته به دست قیرت ات دگه معامله یپن اند مس اک ید حساب.

۳- اریم قسم: اریم قسمېن اعمال ات کاربن ادې فقط پیغمبرېن اند، اما دگه بنده یپن مس انبیاء جاننېن عنوان تی وېف انجوم زېداوتی مؤظف، مونی: تردین دعوت چیداوات یاردم زېداوتدی کار، اسلوم پوندتی جهادات قربونی زېداو، تعلیم ات تبلیغ، امر بالمعروف ات نهی عن المنکر دگه اعمال اکدی

جناو. دېف کاربن انجوم زېداو اند لپت اجرات ثواب. وېف خصوصیت ید ادې وېف انجوم دأذیچ ته انبیا علیهم اسلام نسبت پیداکنېن.

۴- څقارم قسم: څقارم قسم اعمالېن یا کاربن واد ادې انسون ته وېف خدای امباچ انجوم دید. دأذ اخلاقی کارینېنن مآذ: ترحم ات مهربونی یی خداوندی خلق؛ دوند جهت ته خدای رحمن ات رحیم لوڅېن. الله جل جلاله ته خوبنده گون ارد دستور دید، ادې خر درحیم صفت پیذاکنېن ات خدای خلق تی رحیم ات مهربون قیپن. اکدی رقم عفو، گذشت، دگه یپن عیب پت چیداواس خدای صفتېن. بنده مس مؤظف ادې، دېف صفتېن قتیر خوارآسته کنیبت. دسگه حیا، حلم (بردباری)، جؤدات بخشنده گی، نیازمندن ارد کومک چید،

عدل، انصاف ات دېف رقم چيزېنېن خدای صفتېن.

بنده یېن ارد لازم ادې، دېف صفتېن اختیار کنېن. نېکی ژيو جداوات نېکی گارېن قتی محبت چیداو، اس بدآدمېن نفرت چیداو، اس بدآدمین ناراض ستاو دأذېن فکت الهی صفتېن، ادې بنده یېن اند مس باید دأذېنېن.

مأش ونأم، ادې اس فکت اعمال اند دأذ خصوصیتېن اخلاقیات اند، ادې انسؤن خدای نایب عنوان تی دېف اختیارات دگه اعمال ات کارېنېن دس نست. دؤند جهت لؤقد او بافت، ادې " اخلاق اند بردگه اعمال برتری یست (۱)

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم اخلاق بارأنده لؤقد: بعثت الأتمم حسن الاخلاق ( ورم اخلاق خبی یېن تکمیل چید جهت مبعوث سذج. اکمل المؤمنین ایما نا احسنهم خلقا ) کامل ترېن مؤمنېنېن اېمؤن نگاه تی واذ ادې، وېف اخلاق اس فکت بهتر فېد ( ان أثقل شئ یوضع فی میزان المؤمن یوم القيامة من خُلِق حسن، ( قیومت مېشند وزمنکی چيز مؤمن تر ازی تی بشأند اخلاق).

قرآن مجید ات حضرت محمد صلی الله علیه وسلم حدیثېن اند نماز ات روزه جناو بشأند اخلاق تی لپ تأکید سذج ات وی رقم ادې متخلفېنېن عبادت نه چیداو عذاب قتیږېنېن ساج ات وېس ته سسځ ، بد اخلاق آدمېن ارد مس لپ خبی هشدار ذاذج سذج؛ مثلا: بخل یی اخلاقی مرض ادې، وی بارأندی ته خدای جل جلاله لؤقد: وَلَا یَحْسَبَنَّ الَّذِینَ یَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خِیرًا لَهُمْ ۚ بَلْ

هُوَ شَرٌّ لَهُمْ ۚ سَیُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ ۚ

ترجمه: کسانیکه درباره ثروت هاي که خداوند(ج) به آنها داده، بخل می ورزند، فکر نکنند که این عمل برایشان خوب است، بلکه این عمل برایشان بسیار بد است. بزودی همین ثروتی که خرچش نمی کنند، طوق گلویشان خواهد شد.

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم لؤقد: نرجیذجن امتېن اندیې ړنک دی جهت ادې، رحم ات مهربونی ومننده فذج، اردوزخ سسځ. یأړنک پیشی فؤسچیت وم اردې، یی چیزت نه ذاذج، تا یا اس مېځونجی میرت (مسلم- مشکوة). یی ړنک دؤند جهت آمرزېن سسځ ادې، کدوینت یو لپ تېسنا، وم زارذ وی تی ثؤد، لپ قینی تی اس چاندی سسځ زوېذدات وی کد ارد ذیدات یواس هلاکت نجات پېذا کینست ( مشکوة). یگه حدیث: لیس المؤمن الذی یشیع وجاره، جائع الی جنبه ( مؤمن نست نفر ادې خبث سپرخریرت ات وی همسایه وی پهلندی مړ کونج رست).

اگه مأش دېف آیتېن ات حدیثېن محتواتی فکرځه کنأم، گناه یېن ادې وېف بارأندی وعیدء بناج ات وېس بیؤن ته سذج ات وېف انجؤم دأذیج به بې اېمؤنی محکوم ته سذج واذ ته بد اخلاق حساب سپن. پس آدم باید فهمت ادې. اسلؤم دین نظرتی اخلاق اند لپت اهمیت.

شیخ الاسلام حافظ ابن تیمیه رحمة الله تعالی کتاب الایمان اند لؤقد: گناه یېن ادې وېف انجؤم دأذیج ارد بی اېمؤن

لؤفج څه سذج، شریعت اندېن مس حرام قرار ذاذج سسځ ات اس وېف خو ذرانجیقد او واجب. پس معلم ست، ادې اخلاق واذ اضافه چيز پېنېن نست ادې فقط ثواب به دسست فېداوجھت لازم فېنېن، بلکه از دوزخ نجات پېذاچیدات مسلمون فداو جهتېن. نوایی واذرقم اخلاقېن ادې، قرآن مجید وېف بارأندی یی لپت تأکید چؤړج؛ مؤنندې: صبر، توکل، راست لؤقدو، امؤنتداری، عهدنگهداری، اخلاص، خدای ات وی رسول قتیږېره محبت، دگه یېن ارد خیرخواهی، دگه یېن تی نېک گمؤن چیداو، عیب پؤنسی، رحم چیداو، عفوات گذشت، خشم خیداو، سخاوت، عدل ات انصاف، تواضع ات فروتنی ات خدای دؤستی هرمسلمون ارد لازم (۲) پس کؤنسنس کنأم ادې، یدرقم نیکواخلاق مأش ات تمند قذات ضد دېف نیکو الاقېن ادې رذایل اخلاقېن څه، اس وېف دوری کنأم، تاخدای مؤمن بنده حساب سؤأوم.

مأخذات منابع:

۱- محمد منظور نعمانی. دین وشریعت، ترجمه محمد قاسمی، چاپ سوم، انشتارات صدیقی: زاهدان، (....)، ۱۳۷۷هـ.ش. صص ۱۳۰ — ۱۳۲.

۲- محمد منظور نعمانی. دین وشریعت صص ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶.





مطلب نورستانی

!سواوغٹلی تں دی سته سته جے بٲٲ وارا سی سورہ سوں پہ یین  
الے تں دی سته سته جے بٲٲوار اسی۔ پھ آسٲرالیا جے نیوزیلینڈ  
تھ گاتی سوپہ ایین الی گول امریکا قارہ تں ویک آرپیں گول  
گاتی افریقادی کہ سته سته حاکمیت تں منچے اوبیجک کوته  
سی۔

ایکی منچاں وریالہ (استعمارگر) بولہ بوتی کیوع گول تن اموستہ پلچلی اہداف مین پعالہ اسی، ایکی انگلیس ستہ اینہ ہدف بول اسی کی اینہ کودیوم مین اتکی بدنشیں ووپسیلہ منچاں ستہ اوتیں نشیں امکیاں ستہ دمتال وارانمکیاں ستہ کی اتج بن تن کی! کودیوم وا بوتت با امکیاں لستہ اوجوتہ تنی (تحقیق) پتیارہ اموستہ کی! منچاں پمیچ کرہ کراواہ تنی اموستہ جے بنٹ واریدوبی اشیلہ کی کہ اموستہ کودیوم پمیوک گالہ اسی. کوو گوسہ با اتکی منچاں یا پمیچ بنچاستہ مین منچاں پمیچ کرہ کراوے وعوستہ فضاء وع شاستہ پتیارہ اموستہ بناتیک بی کودیوم پمیوک گالہ اسی. اینہ بگانہ بدشرہ ایکی انگلیس ستہ اینہ سیاست بولہ اسی کی! منچاں پمیچ کرہ کرا اوہ توسستہ جے بنٹ واریدوبی گایی! کی کہ امکی کودیوم کول اسی. کی ولتن ایکی انگلیس اموستہ استعمارستہ ولتن اچاک دی پولسہ تنی (۱۸۸۰) انگلیس افغانستان گول تن وہ تنی اروشیں گول تن ستع ایموستہ گول تن دویبی ویستہ کودیوم تن پہ بول بوتی اروشیں وارتع نمل کودیوم جے فایدہ اونگلہ بوتی بتات کوتاسی، بدشر آجست دنش وعستہ نہ بوتہ سی جے انگلیس اموستہ دگروارمین اتکی نہ اتوگٹیسستہ بولا سورہ اموستہ نمل پلچلی اہداف پمیوک گاسستہ بگانہ کی گجے بدنشیں ستہ منچاں ستہ حالات تن لستہ کہ بنونہ وا اسی ستہ ایموستہ نورستان بدنشیں سہ جے کوین کافرستان ستہ نام مین زع ستہ بوتاسی. انگلیس وگتسی کی! ایکی بدنشیں دی اموجا سوس سمہ ستہ مین اتکی ستہ منچاں ستہ اوتیں نشیں بگانہ امکیاں ستہ اعتقادات جے امکیاں ستہ کی کودیوم تن دمتال وارچے اکتی وارہ یی سورہ ستہ مین پہ تنی امکی انگلیس ایمو بدنشیں کی! لست کہ معلومات نہ وا اسی اینہ بگانہ ایکی اہل کوتاسی کی! اینہ گول تن ستہ ولتن ستہ مرکی امیر عبدالرحمان خان تن پنبوی وای اینہ دنش تن پعالا. ستہ ولتن کافرستان نام مین زع ستہ بوتاسی. شترک تن آرہ امکی معلومات بگانہ کی! امکیاں بدویبی اشی ستہ آجک آسان دی نہ اسی جے کچے امکیاں بگانہ علم وابلہ سورہ نورستانی اوگعمان کی معلومات انگلیس ستہ دفتر تن ووتعسی ستہ دی ہندوستان گول تن امکیاں بگانہ انگلیس محقق Schyler Jons بہ یی سہ کی! امکی نورستانی بگانہ کی آرہ تحقیقات ستہ سند لندن گول تن ہندوستان ستہ دفتر ستہ مکتبہ (کتابخانہ) تن دویبی اترہ تنی اتکی ستع آرہ معلومات جے اسناد بدویبی اشی ستہ ای.

امکی یادداشت کی معلوما ای با امکی ستہ لتن محرم اسناد تن چماستہ بوتہ سی، جے کوین ستہ نورستان (کافرستان) بگانہ اتکی آرہ معلومات بگانہ (۱۸۸۵ — ۱۸۸۶) تن ویک اتکی آرہ سیاسی پتہ تن کی کودیوم بیسیہ با ستہ بگانہ معلومات اتکی ستورہ یسی

جے کوین ستہ انگلیس سعین پارتستع کی کودیوم کوستہ بیستہ ای کی کہ اچاک دی پولسہ تی پاکستان بدنشیں اچاک دی پولسہ تی ایموستہ نورستان گول تن وسنہ تی چترال گول تن امکیاں ستہ وچپاسیک جے امکیاں ستہ کودیوم کعستہ بگانہ گاتی کابل تن گاتی گلگیت خیبر بدنشیں انگلیس ستہ پہ دمہ یی ستاں کی کعستہ ای کی نہ کعستہ ای کی کہ امکی معلومات امکی محرم اسناد تن اسی.

ایکی محقق جے کو: امنی اسناد بلیوک مہم جے معین وا ای اینہ بگانہ اینہ وگتوم جے امکیاں ورن تن پمیوک تلوم جے امکی دی ایکی موضوع تن بنووا بولہ کی کہ منچے دی زع لہ کی اوترا! وری کی اسیا کی کہ. امکی اسنادتے اینہ وری پوعوانہ بوتہ کی! بریتانیہ ستہ ہند ستہ وایسرا (نیوہ کوغ) لارڈ دوفرین Lord Duffrin ۱۸۸۵ بولی میلادی سہ تن اینہ بگانہ سنان وبتیایا کی! ہندوگش ستہ طبعی ارہ وارچے اتکی ستہ منچاں ستہ کی اوتیں نشیں اسہ کی کہ معلومات بدویبی اشیلہ اینہ بگانہ Colonel W Lochhart ستہ نام مین آستہ سہ تن جے پنبوی وای شامین ولہ یاسمیش ہییت سمستہ بولہ کی کہ جون ما س تن اینہ کودیوم کوستہ بولا کی کہ شپہ یا.

اینہ وری ایچل اسہ جے ولہ لوم امکی ہییت نورستان نہ گواں کوین باک بدخشان دنش گوسی ایکی وگہ تاسی جے اتکی ستع نورستان ستہ بیم تن اتوپا تلہ. انی امکی اسناد بگانہ دی ولہ توم کی! ایکی ہییت گتی اتکی استہ بگانہ کی ستورہ تی وچپہ کوستہ بیسیہ با. ایکی ہییت اتکی نوگوواں Cunningham کلونل لوکھارت تن کی! آستہ سہ ستہ جون ماس ستہ بنوبولی واس تن اینہ وری لستہ کہ پوعوانہ کعسی کی! بہ یاسع با نورستان (کافرستان) اتویعے حکومت اینہ تلول وا اسہ کی اتکی بدنشیں ستہ منچاں کن جے سورہ امکیاں ستہ اوتیں نشیں سورہ امکی دا (کوتل) بگانہ دی امشیں کن معلومات بدیی اشیلہ کی کہ.

اینہ بگانہ لستہ کہ برن کارکولاسعین کی شاتکی نورستان نہ پعیان کوین باک افغان حکومت تکی نہ پعالہ کی کہ سورہ اچاک دی پولسہ تی شاتکی گوسع کی کہ افغان حکومت تن کی بنوپنبونہ پعالا کی کہ دی ستہ لستہ کہ پورجہ یا. ایکی تن وری ولہ تن تن اینہ لستہ کہ ایکی پورجاستہ بیسہ کی! شاستہ کودیوم تن کچے بنو نہ وا بولہ نہ دی اینہ بگانہ کوتن معلومات پعلاسع کی! مکتوب جے پتی انگلیس حکومت پارتستع توتن پعاتت با امکیاں لستہ کہ توزعین اوش کولاش سورہ ورن اینہ بگانہ کی معلومات نہ پعلاش. چوک اتکی اتونورستان گول تن اتوگوش با منچاں تن وہ وکینباں گہ بولاش با آجک لسہ منچے دی لہ یی شاستہ کودیوم تن بنونہ وابلہ. ایکی ستورہ یی تن جے



بلیوک شتک(مخفی) ستوراستہ بیسی ۱۸۸۵ سہ ستہ اگست ماس ستہ پچے بولی واس تہ(ہنرما تیردیورنڈ چے انگلیس ستہ بنہ یی واستوک تہ اسہ ستہ تہ اینہ ستورہ یی سمستہ بیسی کی! اتکی گجے کو: شتان اسہ کی ہندوکش واخان جے بدخشان ستہ کی دا (کوہ ہا) امکی ہییت پارسٹن لستہ کہ اوچوتہ تتی معلومات بدوی اشییستہ بولا، لوکھارت تہ کودیوم پلوشاستہ بیسہ کی! کی! معلومات ای با امکیاں بگانہ لستہ کہ محرم نچاستہ بولہ سورہ کچے بنوکر استہ نہ بولہ کی کہ چے کافرستان بگانہ افغانستان ستہ امیر جے ور دی بنہ یی واستوک تہ معلومات بگانہ نہ پعالہ کی کہ.

پنہن اینہ ودعیک ایموتس پعاتہ کی! ایموستہ داری منات منہن پریک تپک کافرستان پارپلنگاستہ نہ بولے کی کہ، اینہ چے امکیاں کی! کافرستان منچاں ستہ ایموپکاعو او ستہ کی گجے ک نشتروی کیوراونگی اسہ، اینہ بگانہ لستہ اینہ بولا کی! ایموستہ اینہ کودیوم تہ روس(شوروی) دی بنونہ وابولہ سورہ وری امکیاں تہ نہ پعالا، ایکی ہییت ستہ اوچوبگانہ چے کہ کوت کی کہ اتکی ستہ پتی تہ ستوراستہ بیسہ ۱۸۸۵ بولی میلادی سہ ستہ اگست ماس ستہ ۲۸ بولی واس تہ لارڈ چرچل پنہم ستوراستہ بیسی! اتکی ایکی مکتوب تہ لستہ کہ اینہ وری پوعوانہ بی سہ کی لوکھارت ستہ جے بنٹ وارمنہ کی ہییت سمہ ستہ بیسہ باستہ ستہ ہدف اینہ اسہ کی کہ لستہ کہ توضیح پعستہ بیسہ کی! ایکی مسٹرلوکھارت ستہ کی اوچوا سہ با ستہ چترال مرمان الملک منہن وعیک وعیک سورہ ایکے منہن لہ یی وارستہ آجے یہ لستہ کہ پمیک گاستہ سورہ چترال ستن ہندوکش دات کی پوت ای با امکیاں بگانہ، سورہ اتکی امکی چترال ستہ اروشیہ بدنشیہ چے اوچوپچوعہ کوہی ستہ کافرستان ستہ نام منہن زع ستہ بوتہ امکیاں ستہ ارہ وارچے اتکی چوک تہ ویک معین والتری ای کی کہ تورن ستن لستہ کہ معلومات بدوی اشییستہ اسہ کی کہ.

۱۸۸۵ ستہ فبروری ماس ستہ دیوبولی واس تہ ہندوستان ستن امیر عبدالرحمان خان بگانہ پتی(خط) سمہ بیسی چے اتکی امنی ستورہ یی سی: لوکھارت بدخشان ستن پولسہ تی گوسہ مم! ایکی اتکے ستن ۱۸۸۶ میلادی سہ ستہ مارچ ماس تہ کی ولتس کوہی ستہ کافرستان تہ زوارستہ زیم پعہ گوبا اتکی الہ اسہ کی کہ. شایکی اوچوبگانہ کی وری ولستہ وا بیوع بگانہ مامورین اینہ بگانہ شنکاع(خبر) کشن. امیر عبدالرحمن ایکی ستورہ یی بگانہ ایکی خط ستورہ یستہ ستہ جواب تہ چے ۱۸۸۶ مارچ ستہ ۲۳ بولی واس تہ آجے کہ ستوراستہ بیسہ، امکی سرحدی پہ وین ستہ مامورین تہ امکی پوت وعان بگانہ اطمینان پعلاسن کی کہ. وری اجستہ اسہ! امیر عبدالرحمان ایکی انگلیس ستہ اوچوچے لوکھارت ستہ جے بنٹوارمنہ اسہ نورستان کہ گوسلہ کی

کہ ستہ دی اینہ بگانہ کی معلومات نہ اسی. کوہی ویک ایکی اوچوستہ ہدف لستہ کہ پوعوانہ نہ بیبا اتکی ویک کی نہ کشن کی کہ پتیاں پوعوانہ کعسہ.

۱۸۸۶ میلادی ستہ اپریل ماس ستہ ۲۲ واس تہ امیرایکی مکتوب ستہ جواب بدوی اشیا، چے اتکی ستوراستہ بیسی: ہییت ستہ ہدف پنہن منچاں ستہ اوتیہ نشیہ بگانہ معلومات بدوی اشیا ستہ اسی کی کہ سورہ برتانیہ ستہ حکومت کوہی دی کافرستان دمستہ بگانہ کی کودیوم کوستہ بگانہ پمپوکو کی سمعن وارنہ وا اسہ کی کہ.

امیر عبدالرحمان ایکی مکتوب ستہ جواب تہ ستورہ یا امکی ہییت گجے ستہ گول ستہ ای امکی پہ ستہ نہ بولہ کی امکی نورستان ولایت تہ اتواستہ نہ پہ تہ کی کہ. ۱۸۸۶ جون ماس ستہ نوبولی واس تہ امیر عبدالرحمان تہ ستورہ یی پعہ بیسی ایکی لوکھارت ستہ جینٹ وارمنہ ہییت اسہ کوہی باک واخان پارکی حرکت کعسہ کی کہ. ہندوستان ستہ واپسرا اینہ شتان وا اسہ کی امیر عبدالرحمان اموستہ کی نیت وا اسہ باستہ تہ دوہی اوکینالا کی کہ. امیر عبدالرحمان اموستہ جواب تہ اینہ بگانہ کی امکی انگلیس ستہ کی ہییت ستہ اوچواسہ باستہ اینہ بگانہ اسہ کی! ایموستہ گول تہ شترک اچاک کرہ کراستہ واس ای ای اینہ بگانہ سکال کرہ کراہ نہ بولا کی کہ ایکی ہییت اتکی نہ الا کعا. ایکی ہییت ستہ سفرچے اوچوبگانہ کی! کی! ہدف اسہ باستہ ستہ پنہن کافرستان ستہ نقشہ اوش کوستہ جے منچاں ستہ اوتیہ نشیہ زع ستہ ور دی نہ ای کی کہ پتیاں پوعوانہ کعستہ پتیارہ دی امیرستہ کی وری اسیہ با امکی انگلیس ستہ بنہ یی واستوک لستہ نہ پپتہ.

بنوپنوتس ایسہ کی! امیر عبدالرحمان ستہ ممانعت کعستہ دی دی منہن اخلی سہ تہ ایکی انگلیس ستہ ہییت ستہ جے بنٹ لوکھارت اموستہ پوت وہ ی ہییت منہن ارنگ بدخشان ستہ پوت تہ تیربوتی نورستان بدنش اتوگوسہ مم کی کہ بنوپنوپعیا. ایکی انگلیس ستہ ہییت گجے ستہ اسہ با ایکی چترال جے نورستان ستہ پمچ دزدیک پوت تہ تیربوتی نورستان گوسہ اتکی ستن گتی بنٹیلے سمنگ نبتاتن دی تیربوتی بداون(احمد دیوانہ بابا) بدنشیہ تہ تیربوتی بازگل گول کی نورستان ستہ سواوعنخلی(شرقی) گول ستہ بگعام اٹال(برگمٹال) گعام تہ گتی اتکی ستہ آرہ بنہ یی واستوک منچاں منہن نشتی تی انگلیس ستہ کی اخلی پلان اسہ باستہ امکیاں منہن وری ولہ بیسہ.

مسٹرلوکھارت اتکی پعاستہ منہن نوشتاں ترہ ماچ بنہ یی واستوک منہن ایموستہ نورستانی گول وعین ستہ چارمنہن ایاربناع



متی سولی(برادر) بیسته ای چه ایکی کودیوم مین اتکی اموکس ووپسی سته تان دی بدوی اشیا، اتکی امکی تره ماچ مین وری وله تان اتکی تره ماچ ټپه پی واکستوک سته پترس دی اتکی ایکی معاهده دوشیال کوتس تان اسی، کی ولتن ایکی معاهده دوشیال بوتا سیا با سته تان ولتن کلونل لوکهارت چه امکی تره ماچ مین په تتی سوره آره ورن دی ټپه پی واکستوک اتکی اسی چه امکیاں سته نام امنی ای: ۱- مر ۲۱ - ملیک - ۳- مرپترس چلی - ۴- ملیک پترس میرک - ۵- گلمیر- ټپلوک گلمیرپترس. امنی دی ایکی معاهده ستوراتن تان اتکی اسی. ایکی معاهده دره پی اتکی بدنشیاں کتان ټپوبوسته مین ستوره پی وگه تان پچ پچ کتی امکی دی ایموسته گول مین خیانت کوله چه پسته ای. امکی انگلیس دی اتکی ستعن تع اشی سته ای چه دی پلنگی تی شاسته دگروارمین انی اتوکش نه بتعن کی که

ایکی معاهده کودوشیال کعسیا با امکی کوپن سته انگلیس تعن یادوخ(۱۰) ټنگی ماس تان وگل اسی، چه امکیاں مین امشیاں کچمترن چه درون شتاراونگی له سوره ایکی کودیوم مین امشیاں شون دی اته دمله. سوره امکیاں ایکی دی شپه پی سی کی ایکی گول تان اماچ افسرچه ۵۰۰ تان ویک انگلیس سته درون شتاروا سعین کلی ایموسته کته گل چه کام گول تان سته لیلیواک سه سین نظامی ټپه تان پټپه له کی که. ایکی ستوره ئ تان اینه دی شپه پی سی کی! امکی معاش وگله گجه سته اسیه با امکی اویچ بوله تان انگلیس مین امکی کته لیلیواک دی وریک کتی کله تان سمله کی که.

ایکی دوشیال(معاهده) ټپاع متی ستا سته زره یاپمیچ ټپه کوسته مین ټپه ئ تان پعیای، اتکیوستعن ایکی ستوره ئ کی اسیه با سته مراتن حواله کعا کی! اینه تی لسته که اته دمه لاش کی که:(مذهب نورستان قدیم) آره منابع تعن اینه وری په اوشیاں گوسه کی! ایکی معاهده کی دوشیال کعسیا با سته دی کتان ونگی تی لوټی سته سوره کلونل لوکهارت دی اتکی ستعن منچان تع کعسه.

امکی پنوی وه ئ ستوره ئ تعن اینه وری پوعوانه بوته کی! امکی شترنگ انگلیس اموسته نمل اهداف تان پعا سته بگانه اچاک دی پولسه تی نورستان بدنشیاں اموسته نچن اتوټچا سته بگانه بلیوک ابل کعسه چه له ئ ټپگین بوله مین ایکی کودیوم تان دوی پچیوع بونن به پیسه. ایموسته منچانلسته که ویشتربوتی یا سته کودیوم لسته که پمیوک گا سته بگانه امشیاں سته دمتال وارمین بلیوک قربانی پعتی ایموسته گول سته اره وارچه اوبټام واربگانه بلیوک کودیوم کعسه.

\*\*\*\*/

اونگتسته: (ماخذ)

۲- معتمدی، مذهب قدیم نورستان، ص ۱۶۹

۳- تازه ،ریشه های تاریخی وفرهنگی نورستان، ص ۹۷







## تۆركمن دىلى و اۇنى بىلەكى تۆركى دىللاردن آيپران بعضى آيراتبىلىقلار

پوهنيار محمد بشير ياور

تۆركمن دىلى

وفايف، محمد گلايف، كۇمىش على بۇرئيف، قربان صۇفىيف، خدر دريايف، خواجە مراد بالئيف، عبدالله قربانوف يالى اۇنلارچا عالملاردان آت تۇتماق بۇلار. بۇ عالملا، تۆركمن دىلىنى بايلاشدىرماق و اۇسدىرمك اوچىن بىرنأچە اعتبارلى اثرلار يازىپ دېرلار (ياور، ۲۰۲۲: ۱۰۳-۱۰۴). گۆنمىزدە-دە دىنيانېن دۇرلى كۆنچكلرىندە تۆركمن دىلىنى گرامرى، تارىخى، كلتۇرى و ادبياتى اوورېندا اديلن علمى ايشلرېن سانى ساناردان كآن. بو يۇرتلاردان باشدا تۆركمنستان بۇلماق بىلن تۆركىيە، اېران و افغانستان يالى اۆلكهلردن آت تۇتماق ممكن دېر.

تۆركمن دىلى، تۆركى دىللارېن تصنيفيندا تورك دىلى، آذربايجان دىلى و گۆك اوغۇز دىلى بىلن بىر قطاردا گۆنأورتا گۆندۇغار (اوغۇز) گروپپندا ير آليۇر (نفسۇوا، ۲۰۰۴: ۲۷۱). تۆركمن دىلى، غۇنشى دۆلت تۆركمنستان جمهۇريتىنىن رسمى دىلى بۇلۇپ، افغانستان، تۆركىيە، اېران، عراق، سۇريە و چين يالى اۆلكهلردە ياشىپيۇن تۆركمنلر طرفيندان گپلەشيليۇن بىر دىل دير (راسخ يېلدېرېم، ۲۰۱۵: ۱۲۶-۱۲۷). توركمين دىلىنە دگيشلى اين قديمى اثرلر حكْمُونْدە بلىن و او اثرلردە تۆركمن دىلىنىن يانى بىلن دۇرېن بىلەكى حاكم دىللارنىن-دە المنتلارنى اۇزىنە جمعلآن اثرلر شۇلار دير: علىنن قصه يوسف

كۆكىنى قديم گچميشدن آلان تۆركمن دىلى، ۱۸-نجى عصرېن ايکىنجى ياربمېندان باشلاپ مخدوم قلى فراغى نېن يازان شعرلى بىلن تازه و بىيک بىر اۇزگرىشه سازاوار بۇلدى. فراغى، آتاسى دۆلت محمد آزادىنېن دىلىندن تفاوتلى بىر دىل بىلن تۆركمن ادبى دىلىنە اۇلى اۇزگرىش گتيردى. آزادىنېن دۇرىنىن شاعرلارېندان بۇلان محمۇد غايىي، نۇر محمد عندلېپ، صۇفى الله يار يالى گۆچچلى شاعرلار، مکتب-مدرسه دىلى دىيپ قېۇل اديلن چغتای دىلىندە اثرلرېنى يازىپ دېرلار. اما، فراغى مۇئا غارامازدان خلقين گپلەشيك دىلىنى اساس آليپ اثرىنى دۇرهدىدېر. شىله- ليک بىلن فراغى، تۆركمن ادبى دىلىنە اۇلى تحؤل گتيرپ اۇزىنە آيراتبىن بىر اسلۇب يارادېپ دېر. اۇنېن غۇران بۇ اسلۇبى، هم اۇزىنىن گمده اۇزىندىن سۇنگقى گلن شاعرلار طرفيندان اۇلى هۇس بىلن قېۇل ادىليپ، شاعرلار و يازبچلار اثرلرېنى بۇ غۇرېلان سبكه گۇرأ اثرلرېنى يازماغا باشلاپ دېرلار. شۇ سببىن، ۱۸-نجى و ۱۹-نجى عصرلار، تۆركمن ادبياتىنېن اين اۇسن دۇرى دىيپ حساب ادىليۇر (راسخ يېلدېرېم، ۲۰۱۵: ۱۶۶-۱۷۳). ۲۰-نجى عصر ايلکىنجى ياربمېندان باشلاپ، تۆركمن ادبياتى بىلن بىر قطاردا تۆركمن دىلىنە دگيشلى-دە بىرنأچە ايشلر ادىليپ دير. بۇ دۇرېن اين باشېندا گلن دىلچىلرېندىن اۇراز محمد

<sup>۱</sup> عضو کادر علمى دىپارتمنت زبان و ادبيات ترکمنی پوهنتون جوزجان

ایمیل آدرس: [moh.bashiryawar@gmail.com](mailto:moh.bashiryawar@gmail.com)

نمبر تلفون: ۰۷۸۸۹۲۰۷۳۰

اثر، محبت نامه، معین/المريد، خسرو و شیرین، رونق الاسلام، بۇز  
اوغلان و دیوان الحکمت و شۇئا مئزىلر (ھيئت، ۱۳۸۰: ۲۷۹-  
۲۸۰). تۆرکمن دىلىنى بىلەكى اۇغۇز تۇپارېنا گىريۇن تۆرى  
دىلاردن آيېران بىرنأچه آيراتېنېقلارى بار دېر. اولاردان بعضى-  
لارى شۇرلار دېر:

### تۆرکمن دىلىنىڭ آيراتېنېقلارى

تۆرکمن دىلى، گۆن-اۋرتا-گۆناتار گروپىنىڭ المنتلرىنى  
اۋزىندە جەملەدگىنە غارامازدان تارېخى تۆرک يازغى دىلى و ادبى  
دىللىرىندىن بۇلان چىقتى دىلىنىڭ دە بىرنأچه آيراتېنېقلارىنى  
داشېيۇن بىر يازۇو دىلى دىر. گۆناتار تۆرک دىلىنىڭ سۇز  
باشېندا /v/ سسى، تۆرکمن دىلىندە /b/ گۆزىشىندە دىر. مثال  
اۋچىن: *ba:r* (بار، موجود)، *ber* (برمک). باشقا طرفدان گۆناتار  
تۆرىكى دىلىنىڭ بىلەكى شاخالارېندا سۇز باشېندا *ol* (اولماق)  
ايشلىگىنىڭ *b'li* (بلى) گۆزىشى گۆرىلمز. تۆرکمن دىلىندە  
دېمېرغازېق و گۆناتار دىللىرىندە بۇلشى يالى آدى گچن ايشلىگىڭ  
*bol* (بولماق) گۆزىشى اۋلانېلار (ياور، ۲۰۲۱: ۴).

تۆرکمن دىلىنى باشقا تۆرىكى دىللاردن آيېران باشقا بىر  
آيراتېنېق-دا چىكىملىرىڭ اوزېن آيدېلماسى دېر. اوزېن  
چىكىملىر يازغېدا گۆرکىمان، آيدېلندا اۋزېن تلفظ ادېلىپ،  
سۇزىڭ مەنىسېنى اۋزگىتمأگە ايشچىڭ غاتناشېور. اصلى  
اوزېنېلغا اىيە بۇلان چىكىملىر عمۇمان سۇزىڭ اىلکىنى  
بۇغېتىدا ير آليۇر. مثال اۋچىن: *a:l* (آل: غېزېل، غېرمېزى)، *al*-  
(آلماق)، *o:t* (اۋت: بىر نأرسأنى ياقماق بىلن اۋرتا گلن اۋت)، *ot*-  
(اۋت: حيوانلارېڭ غارېنى دۈيېرماق اۋچىن اۋلانېلان اۋت)، *biz*-  
(بىز: بىر نأسأنى دشىمک اۋچىن اۋلانېلان غۇران)، *biz* (بىز:  
اىكېنچى كېشى اۋچىن اۋلانېلان چالېشما)، *yo:l* (يۈل: بىر يردن  
باشقا بىر يره بارماق اۋچىن يۈرېلن يۈل)، *yo/-* (يۈلماق: بىر  
نأرسأنى يۈلماق) و شۇنگا مئزىلر (بوران، ۲۰۱۷: ۱۶۹-۱۷۰).

تۆرکمن دىلىنىڭ باشقا آيراتېنېقلارېندان بىرى-دە اۋنېڭ  
سۇز بايلىقى دېر. تۆرکمن دىلىندە قەدىمى تۆرىكى سۇزلىرىڭ  
بارلېغېنا غارامازدان عربچا، فارسچا و باشقا دىللاردن گلن سۇزلره  
غابات گلەمك مەكەن دىر. غۇنشى دۇلت تۆرکمنستانېڭ تۆرکمن  
دىلىندە رۇسچا دان گلن سۇزلره كآن غابات گلېنىۇر. اما  
افغانىستان رۇسلارېڭ غۇل آستېندا كآن غالمادېغى اۋچىن،  
افغانىستان دا و اېران دا ياشېون تۆرکمنلرېڭ دىللىرىندە كۇپرأگ  
فارس و عرب دىللىرىندىن گلن سۇزلىرى گۆرمك بۇلار (ياور، ۲۰۲۱: ۵).

تۆرکمن دىلىنىڭ باشقا بىر آيراتېنېقى چىكىملىرىڭ دۇداق  
سازلاشېغى دېر. دۇداق چىكىملىرى آيدېلېشى نقتلە نظرېندان  
دۇداقلارېڭ غاتناشماغى بىلن اۋرتا گلندىگى اۋچىن دۇداق  
چىكىملىرى دىيلىۇر. تۆرکمن دىلىندە دۇرت سانى دۇداق چىكىملى  
سس بار. تۆرکمن دىلىندە دۇداق چىكىملىرى شۇلاردان عبارت: o  
(ۋ)، u (ۋ)، ö (ۋ) و ü (ۋ) (ياور، ۲۰۲۲: ۱۰۷). دۇداق چىكىملىرى  
دېنە سۇزىڭ بىرىنچى بۇغېنىدا گلېپ، بىلەكى بۇغېنلارېندا  
گلأندىر. مثال اۋچىن: بۇلېپ، اۋدېن، اۋلى، دۇشىنچە، بۇلىم،  
بۇلسېن، ... شۇئا مئزىلر.

تۆرکمن دىلىنى بىلەكى تۆرىكى دىللاردن آيېران  
آيراتېنېقلارېدان يەنە بىرىسى چىكىملىرىڭ (يۇغېنېق-اينچە-  
لىك) سازلاشېغى دېر. تۆرکمن دىلىندە بىر سۇزىڭ اىلکىنچى  
بۇغېنى يۇغېن چىكىملى بىلن باشلاسا، سۇزىڭ سۇتېنا چىلى  
يۇغېن چىكىملى بىلن دۇام ادر. اگر اينچە چىكىملى بىلن باشلاسا  
سۇزىڭ سۇتېنا چىلى اينچە چىكىملى بىلن دۇام ادر. چىكىملىرىڭ  
سازلاشېغى كۇكى تۆرىكى و تۆرکمنچە بۇلان سۇزلردە برک  
ساقلاىپ غالىپ دېر (نور، ۱۴۰۱: ۸۷-۸۸). اما افغانستان  
تۆرکمن دىلىندە عرب و فارس دىللىرىندىن گلن سۇزلىرى چىشمە  
دىلىڭ يازېلېش گۆزىشى ساقلاىپ غالىپ اۋچىن بۇ دىللاردن گلن  
سۇزلردە سازلاشېغىڭ بۇزېلاندىغېنى آيېتماق بۇلار.

كۇكى تۆرىكى و تۆرکمنچە بۇلان سۇزلردىن مثالار: *yıldız*  
(يېلدېز)، *dirçilik* (دېرچىلىك)، *öyrelge* (يۈرلگە)، *oglanlar*  
(اۋغلانلار)، *işler* (ايشلر)، *bäşinji* (باشىنچى)، *gündiz*  
(گۈندىز)، *balyk* (بالېق)، *aryk* (آرېق)، *arryk* (آرېق)، *söygi*  
(سۇيگى)، *kesel* (كسل) ... شۇئا مئزىلر.

كۇكى عرب و فارس دىللاردىن بۇلان سۇزلردىن مثالار: *kitaplar*  
(كتابلار)، *mizan* (مىزان)، *ajiz* (عاجز)، *edebiyat* (ادبىيات)،  
*serdar* (سردار)، *bijan* (بيجان)، *jemal* (جمال)، *der'ya* (درىا)،  
*meýdan* (ميدان)، *bizar* (بىزار)، *hamir* (خمير)، *bidar* (بىدار)،  
... شۇئا مئزىلر.

نتىجە-دە تۆرکمن دىلى گۆن-اۋرتا-گۆناتار گرۇپىنى اۋرتا  
گتيرن تۆرىكى دىللىرىڭ آراسېندا ير آلېپ دېر. بو گرۇپدا تۆرکمن  
دىلى بىلن بىر قىلادا تۆرک دىلى (تۆرىكى استانبولى)، آذربايجان  
دىلى و گۇك اۋغۇز دىللىرى ير آليۇر. بۇ دىللىرىڭ اۋازارا  
مئزىلىكلرېڭ بۇلماغى بىلن بىر قىلادا بىر گيدن تفاوت لارى ھم  
بار دېر. اۋلاردان بىرنأچه سىنى يۇقاردا بللاپ گچدىك. تۆرىكى  
شناس عالملارېڭ نېغتاماغېنا گۇرأ تۆرکمن دىلى اىڭ قەدىمى  
دىللىرىڭ بىرى بۇلېپ، قەدىمى تۆرىكى سۇزلىرىڭ آغلاىسېنى





نفسووا، ر، نظروف و، و باشغلاری. (۲۰۰۴). «تۆركمن تۆركچه-سى»، (مترجم: سۆزان تۇقاتلى)، سۇسىيال بىلىملر درگىسى، ج. ۲، سانى ۱۷، صفحهسى ۲۷۱-۲۷۳.  
نور، نورياغدى. (۱۴۰۱). فونولوژى زبان تركمنى، كابل: لايپ ستار مطبعهسى.

هيئت، جواد. (۱۳۸۰). تۆرك دىلىنىڭ و لهجهلىرىنىڭ تارىخى سىرى، (مترجم: محمد اۆز تۆرك)، تۆرك دىل قۇرۇمى مطبعهسى.  
ياور، محمد بشير. (۲۰۲۱). گۆنيميز افغانستان دا تۆركمن تۆركچهسىنىڭ دۇرىمى، وارلىق دىل، ادبيات و تۇپلۇم آراشدېرمالارى درگىسى، سانى ۲۴ (۲)، صفحهسى ۸۱-۹۰.

ياور، محمد بشير. (۲۰۲۱). م. گلدېف و غ. آلپارۇف طرفىندان ۱۹۲۶ دا تيارلانېلان «دىل سىياقلىقى» كىتابىنىڭ تۆركمن دىلى-نىڭ اۇرمىلىمەسىندىكى اهمىتى، چاپ بۇلما دېق ماسترلىق تىزېسى، انقره: انقره پوهنتونى اجتماعى بىلىملر انستىتوسى.  
ياور، محمد بشير. (۲۰۲۲). ۱۹ -نجى و ۲۰ -نجى عصرلار تۆركمن دىلى بىلن حاضرىكى زمان تۆركمن دىلىنىڭ فونولوژى و مورفولوژى تايىدان دىگشدىرىلمەسى، وارلىق دىل، ادبيات و تۇپلۇم آراشدېرمالارى درگىسى، سانى ۲۸ (۲)، صفحهسى ۱۰۳-۱۰۷.

گۆنيميزه چىلى ساقلاپ گلمەگى نقتله نظرىندان بىلەكى تۆركى دىللىرى بىرلىشىدىرىجى گۆچە اىيەدىر. تۆركمن دىلى، بىلەكى تۆركى دىللىرى بىر-بىرىنە باغلايى كۆپرېسى دېر. گېيىڭ غېسفاسى؛ تۆركمن دىلىنى بىلمك، تۆركى دىللىرى آنساتلىق بىلن بىلمك معنى سېنا گلمكده دېر.

تۆركمن دىلى، قەدىمى تۆركى دىلن بىرناچە آيراتېنلقلارى-دە غۇراپ بىزىڭ گۆنلىمىزە ساقلاپ گلىپ دېر. اولاردان اىن مھمى چكىملىلرېن اوزېن آيدېلماسىنىڭ غۇرالماسى دېر. تۆركمن دىلىندە چكىملى سس لر اوزېن و غېسفا گۆرنىشدە آيدېلىۇر. اوزېن گۆرنىشىدكى چكىملىلر يازغى دا يازېلمان دىنە تلفظ ادېلمكده دېر. اوزېن و غېسفا گۆرنىشلىرىندكى چكىملىلر، سۆزىڭ معنىلارىنىڭ اوزگرىشېنە اىشچىڭ غاتناشېۇرلار.

### چشمەلر

بوران، احمد و باشغالارى. (۲۰۱۷). چاغداش تۆرك يازى دىللىرى (گۆن اورتا-گۆن باتار/ اۇغۇز گروپى)، ايكىنجى چاپى، انقره: آقچاغ مطبعهسى.

راسخ يېلدېرېم، محمد صالح. (۲۰۱۵). تارىخ و فرهنگ توركمن ها، اۆچىنجى چاپى، مزار شريف: الازهر مطبعهسى.



# گوري زيبه نې منظوم ولسي ادبه کې بگتي

بگتي منظوم ولسي ادبياتني خاص شعري فورمانه پېنه  
يک تانؤوان شعري فورم تينه زې ولسي او ديواني شاعرانې  
تينې کې لو شعرنامه جې او څېټټون. پوډمې اسه پېنه زې  
گوري زيبه نې بگتي. نامې مثالنامه منزي بحث کېرېک، اول  
لازم تينې زې ولسي— ادبه نې چوکاټه کې بگتي په کټني روې  
پيانېک.

فولکلوري يا ولسي ادبيات هر جامعانه، ولس او ملتني ادبي  
تاريخه کې بيزالي ارزشت ودي ډېو لريمان او يک ټولپل(جامعا)  
او ولسه نه کلتور او اجتماعي زېنتېليکه نه لو ارزشت ودي  
ټونټه او بکنام تينې کې زوځان دي تيمپت. ولسي ادبيات يک  
جامعاني او ملتني کلتوره نې سې مۆل ودي ډېو تيني زې  
جامعاني خلکني زېنتېليکني مادي او معنوي خصوصيات او  
ولسه نه هنري استعداد لېره مان زې ايا ايمې ولسي ادبيات  
تانؤ ولسه نه اجتماعي زېنتېليکني آرېشه زانان ديمان.

ولسي ادبيات زې امنه ولسه نه اجتماعي زېنتېليکني تمثيل  
او تصوير تينه، لکه ولسنامه واري ايجاداتنه گاشتي  
ضرورتنه مۆکې سې منزاکې جيمان او ولسه نه زېنتېليکه

منزې پاوه پاوه يې ټې ځوي تيمان، ولسه نه زېنتېليکني  
ميشټه او پيته، وټلي او ټونگي، بې او کز تانؤ هيدا کې  
خوندي کېريمان او تسه نه ساپ اصنافه مخصوص معاشره او  
مخصوص کلتوره پېنه پيدا بيسن معنوي سرمايانه گاشتي  
اجتماعي، اقتصادي، ملي او تاريخي ژوپن(جوړېشت) او ارزشت  
نامنه تفکره نه ډول، عقايد، جهان بيني او تجربه نامه يک  
خاص ملي چوکاټه کې پلکمان زې خوشحالي نه وخته کې تسه  
رتې تانؤ بزمه نه مجلس نامه ټپو ساتيمپت او خفگاننه وخته  
کې تسه رتې تانؤ گمشت هره نامه براسه کاييمپت او کيري  
روايي روې ټي، آنسې نه آنسې آنکې او هيدانه هيدانکې جيټه  
نسلنامانکې انتقال کېريمان. ولسي ادبه پېنه مطلب سې ادب  
تينه زې لام او باډنامه پېنه، بن او کنډه نامه پېنه زيکي ټي  
يو او عام طبقا منزي او ولسه نه زېنتېليکه منزي ارتباط لري  
يو. اوي ادب عموماً تسو ځويسن واقعاتنه تشرېح او توضيح  
کېريمان زې خلکه نه زېنتېليکه کې محسوس او تانديسن  
مثالنام لريمان.(۴)

ولسي- ادبيات ډل شوتيا كې دؤ ډېوې (منظوم او منثور) ولسي ادبياتې ټي بېنټان دي تينېت زې تسه نه هر يك ډېو مختلف ولسي فؤرنام (ژانرنام) لريمان. اوى زې امني موضوع منظوم ولسي ادبياتني مربوط تيني، نو ايېن اساسې ټي اتې يكوْله منظوم ولسي ادبياتني ډېوه رتې بحثانكې گيريمېك:

منظوم ولسي ادبه ني ډېو لو شؤباني، ارزشت ودي او بيزالي معنوي سرمايه تيني زې وى ډېو بي دؤ بيزالي ډېونامې بېنټان ديمان:

اول- موضوع او مضموننه موكې

دووم- شكل او ژؤپننه موكې

اول- موضوع او مضموننه موكې: موضوع او مضموننه موكې ولسي شاعريه نه ټوپل لو وُساري تيني او عقيدوي، اجتماعي، سياسي، اقتصادي، كلتوري او ملي زېنټېليكنه ساپ ټونته او بكنامه زؤكه مان زې اجتماعي زېنټېليكنه ارزشت نام تيني كې تانؤ شكل او روې تصوير او منعكس بي تينېت.

كؤل زې اتې ولسي شاعريه نه بارا كې موضوع او مضموننه موكې بحث بيمان، ولسي هاره نامنه مختلف موضوعي قسمنام تيني كې تان ديمېت، لكه: ديني او مذهبي، عشقي، تاريخي، جغرافيوي، اجتماعي، اخلاقي او ټوكي زې ايمې مختلف موضوعات او مسايل تيني كې زؤخان دي تينېت.

دووم- شكل او ژؤپننه موكې منظوم ادبه نه بېنټ: ولسي شعرنام (هاره نام) شكله نه موكې دؤ ډېوې(خاص او عام ولسي شعرنامې) بېنټان دي تينېت:

۱- عام ولسي شعرنام (هاره نام): عام ولسي شعرنام بي منظوم ولسي- ادبياتني لو ميشتي او هره بيزانيټي ډېو تيني زې څولوْكه تاريخ لريمان. ولسي ادبه ني وى مهم ډېو لو ډول او فؤرنام لريمان، څو خاص ولسي شعرنامنه (هاره نامنه) خلاف اسه نه شاعر معلوم نه تيمان او ساپ ولسه نه لوؤسيسن او مشترك مال زانان ديمان. عام ولسي شعرنامنه ايمې مختلف ډول او قسمنام مختلف وخت او حالتنامه كې منزاتكې جي تينېت زې وارې ولسي شعرنامنه گاشتې ايمې بي آنسي نه آنسي آنكې او هيدانه هيدانكې يك نسله پېنه وارې نسل آنكې پېدي تينېت، (۲) لكه: لنډى، نيكه نيكانه هاره نام، جاى نامني هاره نام، منظوم متلنام، منظوم كيشيتينه نام(چيستنانام)، زېنټه نه هاره نام، نيكه نيكانه مشاعره نام او اشيكې وارې.

۲- خاص ولسي شعرنام (هاره نام): تسؤ شعرنامانكې جان ديمان زې ولسه نه تعليم نشته، پيك تعليم وده يا تعليم

وده (باسواده) ولسي شاعرانې جى تون، تانؤ محيطه نه موشؤت او مناظرنامه تيني كې تمثيل كېري تون، ولسي ساده مينه او محبته نه تصويره تيني كې څېتې تون او تانؤ تان او محيطه نه مهم تاريخي موشؤتنامه تيني كې منعكس او زؤځي تون. ايمې شعرنام(هاره نام) ولسي هاره جېته نامنه، مجلسياننه او ذوقياننه وسيله يې ټي آنسي نه آنسي آنكې گيريمېت او هيدانه هيدانكې يك نسله پېنه وارې نسلانكې نقل بيمېت.

اتې شعرنامني لو ډېو شفاهي تيني، اسه شعرنامه مجلسيان ديره، حجره، خوشحالي، زېنټ او ميله نامه كې موسيقينه سازه منزې شؤبانه كنټې ټي جمېت او ولس تسه رتې تانؤ آوديايه پؤته مان. اتې شعرنامنه اصلي جېته، يعنې شاعر معلوم تيمان او معمولاً شعره نه اخري بيت يا بنده كې تانؤ نام يا تخلصه آنيان؛ لكه: مقام (رباعي)، غزل (بدل)، لوبه، چاربيت، بگتي او داستان.(۳)

ايمې خاص ولسي شعرنام ولسي شاعراننه بكه پېنه ولسي- معلوم آهنگنامې ژؤپان ديمېت زې تانؤ خاص فؤرنام لريمېت. اتې قسم شعرنامنه شاعران لو ميز خلكنه او ولسه نه عادي زنام، دهقانان، كسبگران، هاره جېته نام او كؤل كؤل ملايان او باسواده شاعران آن اتې ميز زې ديوان لريته پخيسن شاعران بي ولسي ادبه نه خاص شعري فؤرنامنه كې شعرنام څېتې او جمېت او اتې ډېوانكې وټيكيمنېت. تانؤ بديعي اثرنامنه يك ډېوه ولسه نه ساده او څويسن زيبې تسؤنه روحيا منزې برابر ولسي آهنگنامې ژؤپمېت او تانؤ ټوپل او ولس آنكې پؤدم كېريمېت.(۴)

وى زې امني موضوع اياتې خاص ولسي شعري فؤرنامنه پېنه گوري زيبه ني منظوم ولسي ادبه كې بگتي تيني، نو ايېن اساسې اتې بگتي يني پياناوه او گوري زيبه ني منظوم ولسي ادبه كې تسه نه يكته مثالنامې بحث كېريمېك:

### بگتي

بگتي- منظوم ولسي ادبياتني خاص ولسي شعرنامني هره بيزانيټي او مهم ډېو تيني. بگتي يك چست، ساده، او څويسن شعر تينه زې تانؤ خاص آهنگ او جزبا منزې جان ديمان، جېتا او شؤنډيټا حركت، هيجان او احساسې آنيان. ايمې قسم شعرنام معمولاً مجلسيان رباعي، چاربيت او قيصه نامه پېنه پتې مجلسه نه خوند او رنگنه بدل كېريكه نه هدفې جمېت او كؤل كؤل چاربيت او غزلنامنه منزه كې بي مجلسه نه



تنوع او تازە گى شىخې تېۋ تالە منزى لىفەلە او شۆبانە كىتە  
منزى جەمبەت.

## بگىتى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى  
نېرە نېرە نە جىمان كىتە پىشى تىنى  
دۆمىي ادانگە كىي بىنگىرى تلىق تىنى  
تىنى مۇنە كۆرە كىي كۆخى تلىق تىنى  
لكىمە ماسىۋى زىلىمان لىق تىنى  
نېرە نېرە نە جىمان كىتە پىشى تىنى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى  
سىنىنە رتىق دايىم پۆشە لىمە  
لىق كۆملىقە لىق تىنى نۆكە لىمە

مىشىتى باتى كېرىمان كىتە مىشىتى تىنى  
نېرە نېرە نە جىمان كىتە پىشى تىنى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى  
تىنانى پۆشە تىنى پۆشە تاندىمان  
مىندا كىي سىۋىنى لاقى لىمە  
باتى مىشىتى كېرىمان كىتە پىشى تىنى  
نېرە نېرە نە جىمان كىتە پىشى تىنى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى  
كىندۆرە گۆۋى لېنىدى مالى جىمان

كانىشە خىكە انخىتە سىۋى سىنكى جىمان  
لىق شىۋىنى پۆشە مىشىتى تىنى  
نېرە نېرە نە جىمان كىتە پىشى تىنى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى  
سىنە پىلاۋە نامە پۆشە تلىق مىمە

اسىنە پىنتە آرەشە تلىق مىمە

جىمان "سانىن" پۆشە لىق مىشىتى تىنى  
نېرە نېرە نە جىمان كىتە پىشى تىنى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى(۷)

بگىتى يىنى فۇرم چارىيەتە او بدىل يا غزەلە پىدە تانۋان  
مىللە يا شۆتە لىمان زى مىمە پۆرە يىق تىمان او تىسە  
نە بىندامە مىسە نامە گىنە (تەداد) پۆرە خۇر تىمان زى تى  
اولۇكى تانۋ مىنى ھە قافىيە او خۇرمى شۆپا يا مىللە مىنى ھە  
قافىيە تىمان. بگىتى تانۋ زۆپىنە كىي بىشى فرىنام بى لىمان  
زى نۇرى مىز تىسە نى مىللە نۆنە نام استانىكى جى  
تىنەت. (۵) بىشى بگىتى نامە كىي گىرى ھە بىندە نە پىتۇمىشەلە  
كىي مىللە نە يىق مىسە تىكرار بى جىمان او ايا تى رۆپ بگىتى  
نامى مىللە مئالنامى زۆپىنانىكى بالىكى، بىشى بگىتى  
نامى بىندامە كىي مىللە يا شۆپانە يىق مىسە خۇرمى مىسە  
گاشىتە ھە بىندە نە پىتۇمىشەلە كىي تىكرار رۆپ جىمان زى اياتى  
تىكرار مىسە پىنە علاۋە ھە بىند تى مىسە نام لىمان او يا بى  
ھە بىندە نە اياتى تى مىسە نامە پىنە پىتە بگىتى يىنى شۆتە يا  
مىللە تىكرار رۆپ جىمان.

بگىتى احساساتە پىنە پۆنسىن نظم تىنە زى مىللە  
بگىتى نام مىسە نامە كىنار او لىگالىارە نە او ھىجانامە  
گىنانە مۆكى تانۋ مىنى فرى لىمەت. بگىتى يىنى ھە بىزانىتى  
او پىغام پىدىتى مىسە بىندامى پتاۋۋى (اخىرى) كىي تىنى  
زى لو تائىر ۋىدى او احساسىنى ۋىتىتى تىنى. بگىتى يىنى  
مىللە لو مىز شۆپانار، بىزانارە او مىتە تىنە. (۶)

گۆرى زىب تانۋ مىللە ولسى ادبىيەتە كىي مىللە خاس  
فۇرنامە نېرى بگىتى يىنى مىللە مئال او نۆنە نام لىمان  
زى تانۋ زىبە نى تىلىم ۋەدە او تىلىم نىشە ولسى شاعرانە  
بىكە پىنە تىلىق او جان دى تىنەت زى اجتماعى زىبىلىكىنە  
مىللە بىق او مىللەت تىنى كىي مىسە او زۇشان دى  
تىنەت. اتي تانىكە تانۋ تىلىقە اىۋولە مىنى برابر بگىتى  
يىنى بىشى مئالنامە انىمەك او تىسۆنە مىتە بىق كىتە بىت  
كېرىمەك:

## اول مىثال

اتي بگىتى يىنى مىتە مىللە مىللە مىللە مىللە  
او مىتە نە مىللە مىللە او بىنام اتي كىي اجتماعى او لىمى  
زىبىلىكىنە مىللە مىنى، مىللە مىنى او مىللە مىنى  
بىرەر، سادە، خۇپسىن او مىللە زىبى تىلىق او زۇشان دى  
تىنەت زى شۆنپىتە او جىتەنە ۋەن، فىق او خىالە كىي لىمى  
او كىتورى زىبىلىكىنە يىق سانىن او واقى تىلىق او تابلۇ  
مىسە او مىمە كېرىمان او اشىكى يىق عىنى احساس او تىلىق  
تىلىق تىمان، لىكە مىللە زى تىنەتى لىمى مىللە او تىلىق  
(اجتماع) كىي اشىكى مىللە او مىللە مىنى مۆكەمەك تىتى يى

زې اتې بگتی ینی محتوا کې ولسي ادبه نه خصوصياته منزي برابر اجتماعي زېنتېلیکنه یک حقیقي تصویر پډم بي تینه.

### دډومه مثال

#### ننگرهار شه ډم (بگتی)

مانوشه ننگرهار شه ډم، څیکه مانځکې آنه ټولي شولال، هگر نیله مانځکې آنه

بازاره گیر، باله تو مونه کورائکې بوټان آنځي گیرم بۆ کوره، تاندریمیم تانځکې شوټان یک برس، یک بوټل رنگ باله لوټره مانځکې آنه ټولي شولال، هگر نیله مانځکې آنه

ادانگانکې بنگری آنه، انگوړیکا انگوستر ایڅین وړی باله زې مانځکې بیو برابر کمته تووه باتي آنکې، چيله مانځکې آنه ټولي شولال، هگر نیله مانځکې آنه

دي ژوپا زرگرې مانځکې سوننه چارگل برس او کریم آنیسه، زې کپریمه دنت ټول نوکه لوټور کپریکان، دنداسه مانځکې آنه ټولي شولال، هگر نیله مانځکې آنه

سونني والی گاسه کمټا کې تله مېم شونډ کمته یې هار گاسه زې غاړا لمبه مېم ایڅینانکې سورما باله لیفله مانځکې آنه ټولي شولال، هگر نیله مانځکې آنه

کورائکې جراب آنه، پایزیب او گوگوري فننه کې شوونه، پاوه گام شووري شووري "دیای" جمان زې سونې فوک توله مانځکې آنه ټولي شولال، هگر نیله مانځکې آنه (۸)

محتوا نی مۆکې اتې بگتی ینی موضوع بی عشقي تینی زې مینه او محبت نه مختلف بکنام او یک معشوقانی سنکیکني او لباسني مختلف شیان تینی کې اجتماعي زېنتېلیکني مروج او معمول رسم او رواجه منزي برابر ساده، ځویسن او میشتي زیبې ټي تصویر او منعکس بی تینېت زې شونډیتانه او جیتانه ذهن او خیاله کې اجتماعي زېنتېلیکني

یک عینی او واقعي منظر پډم کپریمان، څو اتې بگتی یه کې سنکیکني او لباسني پډه مۆکه لامي شیان او بکنامه پېنه علاوه بعضې نورۆکه معمول شیان بی منعکس او زوځان دي تینېت.

### ټپمه مثال

#### ماچي وطن (بگتی)

مونه وطن پوښه پوښه لریمان گورؤ موټه اینزي موټه لریمان

تورؤک دایم او لیموړییه باله لوټري بوټای میشته هارووه باله سومي ډډل، ډډل شانکه لریمان مونه وطن پوښه پوښه لریمان

میشته، پیته او جالغوزه لریمېک شوټانی لاک بی پاغزه لریمېک ونځه نه او شله شله لریمان مونه وطن پوښه پوښه لریمان

هر وات اسن لعل او مرجان تینه حیران هر وخته سپره جهان تینه هر یک مانوش ټوله شمله لریمان مونه وطن پوښه پوښه لریمان

آ "قلمډیای" لو صفتونه کیمېم تو منزي آ اسه لفظونه کیمېم میشته ماچي چره چره لریمان مونه وطن پوښه پوښه لریمان

گوم او جوواره، باله نیلی شالی میشته بی مځوټه لریمان اتې لیندي وی وطن ډل بی تاریخچه لریمان مونه وطن پوښه پوښه لریمان (۹)

اتې بگتی یه کې تانو وطن او ټاننه صفت، طبیعتنه شوټانیار، طبیعي مناظر او عناصر او بعضې وطني تولیدات ځویسن او میشتي زیبې ټي بیان او منعکس بی تینېت زې طبیعتنه شوټانیار او وارې بکنامنه نېری اتې شعره کې

شۇبەنە وطنىنە افتخار ۋەدە خلكىنە او تارىخچانە ياداۋە بىيىتىنە. اتى بگىتى يىنى محتوا كې زۇڭخىس موزوعات او بكنام تانۇ خاص تائىرە نە مۇكې شۇندىتانه او جىتانه عىنى فكىر، خيال او ذهنىتە يك شۇبەنە طبعىتنە مختلف مناظرە رتئ، كندە ۋدە محىط رتئ او اياتى توليداتنه تاننامە رتئ كىرە مان او يك واقعى تصويرە نى حالته تسە نە مۇكانكى پۇدم كېرىمان. كە كى بى بگىتى نامنى محتوا لو مىز عشقى تىمان، خۇ عشقى موزوعاتە پېنە علاۋە اجتماعى زېنتېلىكنە مختلف مسایل او بكنام بى تىنې منعكس او زۇڭان دى تىمېت زې ايا ۋى نمۇنە تسە نە لىقلە مثال تىنە.

### كۆرمە مثال

#### آخىرتە شىخې (بگىتى)

خۇدايى پىدا كېرۇس انسان دنيا مدنتە شىخې كۇشش كېمانتىو دنيا كې آخىرتە شىخې

هر يك انسان اتى دنيا كې مسافر تىنە كتە باگە پت آخىرت آنكى سفر تىنە پرزىتە خلك هېل او دېس خوارى جنتە شىخې كۇشش كېمانتىو دنيا كې آخىرتە شىخې

كۇل مىز زېنتە تىسە دنيا آخر تان مرگ جىبە غافل مە بىس، بالە انسان كىرى تان درد جىبە تۇ پىدا بى تىنېس اللە(ج) نە عبادتە شىخې كۇشش كېمانتىو دنيا كې آخىرتە شىخې

خداينە حكىم، پېغمبىرە نە سنت پىانىتە پۇلانتكى رحم او ددله نە عزت پىانىتە كىرى انتظار كارە اللە(ج) نە دل ردمتە شىخې كۇشش كېمانتىو دنيا كې آخىرتە شىخې

حق گاوندىينە پىانە، هم مسلماننە حق تانكى پكار تىنە پىانە، هر يك انساننە حق كىرى حقدار بىسە جنتە نە نعمتە شىخې كۇشش كېمانتىو دنيا كې آخىرتە شىخې

زنكدن، گۇر، صراط، حساب، حششر ميدانە بالە باغ او بوستان، چمن، پۇششە، حورې، غلمانە بالە لو سخت مقامە كىرىمېت خلك ئايلتە شىخې

كۇشش كېمانتىو دنيا كې آخىرتە شىخې

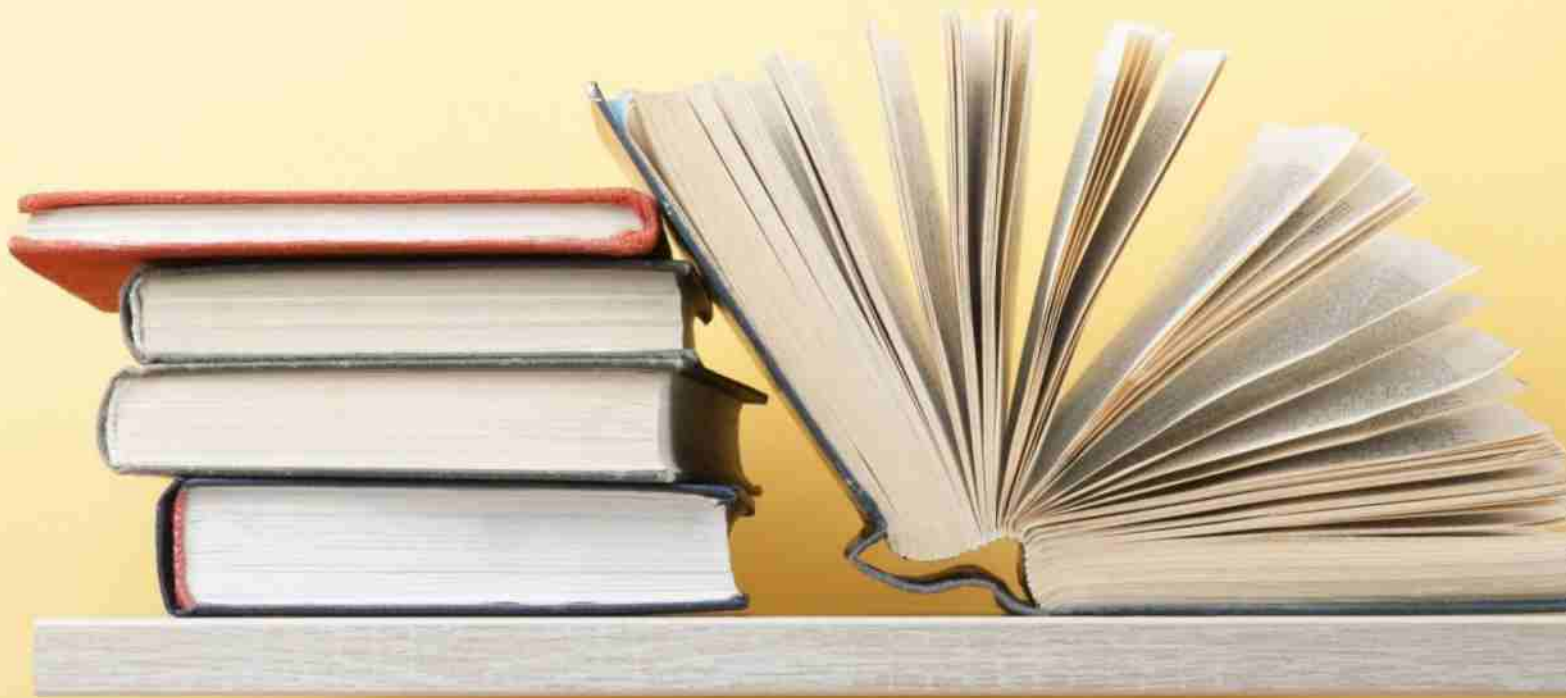
مرگ نە تىنە، غم نە تىنە، بېخى خفگان نە تىبە دل خوشحالينى زېنتېلىك ھرا كې ارمان نە تىبە "دېاى" لو خوشحال هر مسلماننە بى قسمتە شىخې كۇشش كېمانتىو دنيا كې آخىرتە شىخې(۱۰)

اتى بگىتى يىنى محتوا كې دىنى موزوعات او مسایل لو مىششە روې تصوير او زۇڭان دى تىنېت. اتى بگىتى يە كې اسلامنە نظره پېنە انساننە بىكنە هدف او مقصدە بيان كېرى تۇس او دنيا كې مسلمانانكى اُخروي زېنتېلىكنە استانكى آنىكنە مقصدى مختلف موزوعات او بكنامنە ياداۋە، فنتلېرنە او توصىيە كېرى تۇس زې تانۇ اجتماعى زېنتېلىكە كې تانۇ فلاح او كامىايى نى هدفى اسۇ موزوعات او بكنامە عملى كېرى يو او ايا تې فنتنە مبارز او كۇشش كېرىتە درې يو. اتى بكنامە پېنە علاۋە اتى شعره كې اللە تعالى نە بكە پېنە اُخروي ھمېشە درىسن زېنتېلىكنە بعضى نعمت او سختى نامنە(عذاب او وعيدنامنە) ياداۋە بى بىتىنە زې اياتى دۇمى فنتنامە كې كامىايىنى او ناكامىنى مسير او فنتنى تعين كېراۋە او تانۇ قسمت او جىتې وختنى ژۇپاۋە، تانئ انساننە او مسلماننە اختيار او تسە منزى ارتباط لرىمان، ايا پېن اساسى ئى شاعر هر انسان او خاص روې مسلمانانكى ھرىكى كامىايىنى، نعمتنامىنى او خوشحالينى تعين كېرىكىنى او ژۇپىكىنى دعوت تىمان، توصىيە كېرىمان او تسۇ اتى فنتانكى بتيە مان او اتى فنتە كې تسۇ آنكى ككړە تعھدە منزى ژۇبىكنە او پابند درىكنە نصىحت او باتى كېرىمان. اسە پېنە تىمىك وارې باتى ۋى زې تانۇ تائىرە نە مۇكې بى ۋى شعر شۇندىتانه او جىتانه فكىر، خيال او ذهنىتە يك واقعى مسلماننە پېدە ژۇپىكانكى او اُخروي زېنتېلىكنە استانكى آنىكنە بكانكى تشويق او تحرك كېرىمان او تسە كې يك مثبت تحول او بدلۇننە فكىر او تصوره لېپىمان زې شعره نە بىزالە هدف بى مثبت تحول، تائىر او پىغامنە پېداۋە تىنە.

#### پتۇمشېل(نتىجە)

گۆرى زىب تانۇ منظوم ولسىي ادبە كې وارې خاص فۇرمنامنە نېرى بگىتى يىنى فۇرم بى لرىمان زې اتى زىبە نى تعليم ۋدە، تعليم نشتە، ولسىي او ديوانى شاعراننە بكە پېنە ئېتان او جان دى تىنېت. گۆرى زىبە نى بگىتى ژۇپنننە مۇكې اوگان باتى (پىستۇ) نى بگىتى نامە پېدە بعضى مختلف





ژوپنني(ساختماني) مثالنام لريمان زې تسوونه يکته نمونه نام  
اتي څېټنا کې بي آنان دي تينېت.

موضوع نه لحاظې گوري زيبه ني بگتي. نامه کې مختلف  
اجتماعي، کلتوري، عشقي، اخلاقي، عنعنوي او تربیوي  
موضوعات، مسایل او بکنام منعکس او زوځان دي تينېت، خو  
وی زې عشق او مجبته ني موضوع انسانني زېنتېليکه کې یک  
حياتي موضوع تيني او انسانني زېنتېليکه کې تسه پېنه انکار  
ناممکين باتي تيني، نو اياتې اساسې ټي اتي زيبه ني بگتي.  
نامه کې عشقي او بېژانواني موضوعات او مسایل واري  
موضوعاته پېنه لو تصوير او منعکس بي تينېت زې عشق او  
بېژانواني مختلف مسایل او بکنام اتي شعري فورمه کې لامي  
او کلتوري محيط او شرايطه منزي برابر ساده او پلار روی  
شؤبانه او ميشبه اندازې بيان او پوډم بي تينېت.

#### ماخذونه

۱- خاورې، غوتی. د پښتو شفاهي ادبيات شکل او مضمون،  
د علومواکادمي د ژبو او ادبياتو مرکز، دولتي مطبعه، کابل:  
۱۳۶۶ل. کال، ن او س مخونه.

۲- هاشمي، سيد محی الدين. ادب پوهنه، دوهم چاپ، ميهن  
خپرنديوه ټولنه، پېښور: ۱۳۹۴ل. کال، ۲۴۹مخ.

۳- سانېن، شريف الله. د گوري ژبې ولسي ادبيات، د  
افغانستان د علومو اکادمي د اطلاعاتو او عامه اړيکو رياست،  
الهام نبي زاده مطبعه، کابل: ۱۳۹۹ل. کال، ۷۴مخ.

۴- سانېن، شريف الله. د پښتو او گوري ژبې د ولسي  
ادبياتو پرتليز جاج (د ماسټرۍ تېزس)، د کابل ښوونې او روزنې  
پوهنتون د پښتو ماسټرۍ څانگه، ۱۴۰۱لمريز کال، ۷۳مخ.

۵- هاشمي، سيد محی الدين. ادب پوهنه، دوهم چاپ،  
۲۴۵مخ.

۶- سانېن، شريف الله. د پښتو او گوري ژبې د ولسي  
ادبياتو پرتليز جاج، ۸۱مخ.

۷- سانېن، شريف الله. د گوري ژبې ولسي ادبيات، ۷۷مخ.

#### راويان

۸- شيرزمان ملگری د اکرم خان زوی، د کونړ ولايت د نارۍ  
ولسوالۍ د نارۍ کلې اوسېدونکی، عمر ۷۰ کلن، مورنۍ ژبه  
گوري، د دولسم ټولگي فارغ التحصيل، د ثبت نېټه: ۱۲ / ۴ /  
۱۴۰۲.

۹- ذاکرالله قلميار د جيلاني خان زوی، د کونړ ولايت د نارۍ  
ولسوالۍ د نارۍ کلې اوسېدونکی، عمر ۴۰ کلن، مورنۍ ژبه  
گوري، د دولسم ټولگي فارغ التحصيل، د ثبت نېټه: ۱۵ / ۵ /  
۱۳۹۹.

۱۰- شيرزمان ملگری د اکرم خان زوی.



عبدالغفار رضایی

## جایگاه تاریخی و فرهنگی ولایت غزنی

### مقدمه

در مورد رویدادهای تاریخی افغانستان، متأسفانه با آن عظمت که آثار و مراحل مختلفه بشری این سرزمین آنرا در بطن خویش محفوظ نگهداشته، تحقیقات لازم و شایسته‌یی صورت نگرفته، تا مراحل رویدادهای تاریخی به اساس اسناد و مدارک معتبر معلوم گردد. با آن‌هم آنچه از نتایج تحقیقات باستان شناسان، تاریخ نویسان بدست آمده نشانگر تاریخ بلند این سرزمین است. ولایت غزنی نیز یکی از جمله سرزمین‌های است که از اهمیت فوق العاده به لحاظ تاریخی و فرهنگی برخوردار است؛ این شهر یکی از شهرهای باستانی و مهم جهان اسلام است، و بزرگترین عارفان و عالمان برجسته تاریخ از این سرزمین ظهور کرده اند. غزنی بر اساس اسناد تاریخی، قبل از اسلام ساحه وسیعی را در بر داشته و در زمان انتشار دین مقدس اسلام و با روی کار آمدن امپراطوری غزنویان عظمت غزنه جهانگیر شده است. در دوره امپراطوری سلطان محمود غزنوی شهر بزرگ با قصرهای عالی و منازل باشکوه، باغ‌های زیبا و پرطراوت و بازارهایی با اصناف مختلف از اوج شهرت برخوردار بوده و به

عروس البلاد شهرت داشته است. اما غزنی که زمانی باشکوه‌تر از بغداد بود در ۱۱۵۱ میلادی، توسط علاءالدین حسین جهانسوز به تلی از خاکستر مبدل گردید. پس از ۶ سال غزنی دوباره در زمان خوارزمشاهیان شکوفا گردید اما این بار در سال ۱۲۲۱م، توسط چنگیز خان برای بار دوم ویران شد. موقعیت استراتژیک غزنی، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر نظامی، دوباره غزنی را احیا کرد اما بار دیگر توسط انگلیسی‌ها و ۱۰۰ سال بعد توسط شوروی‌ها ضربه دید. بالاخره این ولایت در سال ۲۰۰۷م، از سوی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی (ایسکو) به عنوان مرکز فرهنگ و تمدن جهان اسلام برای سال ۲۰۱۳م، انتخاب شده و در سال ۲۰۱۳ میلادی طی مراسمی ویژه رسماً به عنوان پایتخت فرهنگ و تمدن جهان اسلام در آسیا نامگذاری گردید، و امروز یکی از ولایات مهم و از جمله ولایات درجه اول افغانستان است. در این نوشتار سعی شده است جایگاه تاریخی و فرهنگی ولایت غزنی مختصراً بررسی گردد؛ اما تحقیق جدی و تجسس در زوایای تاریک تاریخ افغانستان به پایه اسناد و متون خطی متکی می‌باشد، این کار

بسیار ضرور است؛ اما به دلایل متعدد از عهده این نوشتار بیرون است.

وجه تسمیه: نام غزنی در منابع مختلف به صورت متفاوت تذکر یافته است، قدیمی ترین نامی که در مورد غزنی آمده گنگزگ گنگه و گزاکه است که در سده دوم میلادی از قول بطلمیوس ذکر شده است. (۱) برخی دیگر به این باور اند که واژه غزنی مرکب ازدو واژه است، غز- کز - کش - گش به معنای ناز، خوش و خوب و "نی" به معنای شهر پس غزنی عبارت بوده از کزنی - کش نی - گش نی به معنای شهر خوب، شهر خوش؛ بنا به تعبیر پروفیسور بوسورت وین نیست، واژه گزنگ یا گنج پارسی دری به همین معنی درست تر مینماید پس گنگزکه و گنگزک و گنگه و غزنه شده است (۲). روایت دیگر این است که در نواحی آب ایستاده مقر غزنی یا احتمالاً دریاچه ناهور بین (کابلستان و زابلستان) یک نوع گیاه مخصوص می رویده که آنرا (گز) می نامیدند و در وقت رستم و اسفندیار به گزنین مشهور شد که بعدها به غزنین تغییر یافت. (۳). مورخین عرب این منطقه را (ختره) نامیده اند که همین غزنه کنونی است. نام غزنه در اویستا به نام (کخره) سیزدهمین منطقه خوب است که علاقه ککرک غزنی تا حال این نام را نگاه داشته است. (۲)

جغرافیا و اقلیم: ولایت غزنی در مرکز افغانستان بین ۳۲ درجه و چهار دقیقه و ۹ ثانیه تا ۳۴ درجه و ۱۳ دقیقه و ۵۱ ثانیه عرض شمالی و ۶۶ درجه و ۴۹ دقیقه و ۱۶ ثانیه تا ۶۸ درجه و ۴۹ دقیقه و ۵۶ ثانیه عرض شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. طول متوسط این ولایت به خط مستقیم در جهت شمال به جنوب ۲۴۰ کیلومتر و عرض متوسط آن در جهت شرقی - غربی حدود ۱۸۱ کیلومتر است. (۴) ولایت غزنی از سمت شمال ولایت بامیان و میدان وردک، از جنوب و جنوب غربی با ولایت زابل، از مشرق با ولایت لوگر و پکتیا و از جنوب شرقی به ولایت پکتیکا از مغرب نیز به ولایت ارزگان و دایکندی محدود است (۵). شهر غزنی مرکز ولایت غزنی است و از کابل ۱۳۵ کیلومتر فاصله دارد. (۶) ارتفاع این شهر از سطح دریا ۲۰۱۸۳ متر و پهناوری آن ۲۳۳۷۸ کیلومتر مربع

است که تقریباً یک بیست و هشتم یا ۳,۵٪ پهناوری کل افغانستان را شامل می شود. ولسوالی ناور بزرگ ترین ولسوالی و رشیدان کوچک ترین ولسوالی های غزنی هستند. ولایت غزنی، به اساس اقلیم در تابستان گرم و در فصل زمستان بسیار سرد است؛ در این فصل درجه حرارت در این ولایت تا منفی ۲۰ الی ۳۰ درجه سانتی گراد میرسد. ولسوالی ناور که حرارت آن در تمامی سال از مثبت ۲۰ سانتی گراد بالا نمیرود، از مناطق شدیداً سرد غزنی محسوب میشود. این ولایت در جریان سال ۱۸۸ روز آن نسبتاً گرم و هوای آن از تاریخ ۱۲ میزان تا ۱۰ حمل، سرد و بارانی است. سطح متوسط بارندگی سالانه در غزنی ۲۲۹۶ میلی متر تخمین شده است. (۷)

کوه ها و دریاچه ها: غزنی نیز مانند سایر مناطق افغانستان منطقه کوهستانی است و تقریباً ۵۰٪ ساحات را کوه ها و کوه بچه ها و ۵۰٪ آن را زمین های زراعتی (للمی و آبی) دشت ها و زمین های بکر و بایر تشکیل میدهد. کوه های مشهور آن عبارتند از: قاده باریک در شمال غرب، شنکی در جنوب، جرکنه در جنوب شرق، هندوکش در شمال شرق و کوه بابا که در شمال آن واقع شده است (۴). مهمترین منابع آبی ولایت غزنی عبارتند از: ساحه آبریزه آب ایستاده، ساحه آبریز ولسوالی گیلان، ساحه آبریز دشت ناور، ساحه آبریز ولسوالی جاغوری، ساحه آبریز خوات، ساحه آبریز اجیرستان و بندهای ذخیروی سلطان، سرده، زنخان، بهایی و باغچری، دریاها، چشمه ها و کاریزهای این ولایت. دریا ها و دریاچه های ولایت غزنی قرار ذیل است: دریای غزنی، دریای جاغوری، دریای زنخان، دریای باریک آب، دریای سراب، دریای اجیرستان، دریای مالستان، دریای باتور ناهور و دریای جلگه بند سرده. (۸)

موقعیت: شهر غزنی در هفتاد مایلی جنوب کابل واقع شده است. این ولایت با داشتن موقعیت خاص جغرافیایی از لحاظ سیاسی، اقتصادی، تجارتی و فرهنگی در ادوار تاریخ از جایگاه خاص برخوردار بوده و نظر مورخین و جغرافیاینگاران زیادی را به خود جلب نموده است. هیون تسنگ زائیر چینی بتاریخ ۲۵ جون ۶۴۴ میلادی از این منطقه به نام (هو-سی - نه) (غزنه)



پایتخت (شو-کو-چا) "اراکوزیا" یاد می‌کند؛ وی محیط این شهر را (۳۰) لی مساوی (۱۰) میل میدانند که خیلی استوار و محکم بوده است. (۷) عبدالحی حبیبی در اثرش (جغرافیای تاریخی افغانستان) می‌نویسد (شی فاهیان) راهب مذهبی بودائی چینی در سال ۳۹۹ میلادی برای فراهم نمودن کتب نایاب دینی بعد از ۱۴ سال مسافرت سفرنامه خود را نوشته و سرزمین‌های را که دیده آنرا ذکر نموده است در مورد موقعیت و ساحه غزنی چنین تحریر نموده، اراضی بین ننگرهار (و-بو-نه) یعنی بینو را بنام (لو-ئی) نامبرده و فاهیان (لو-ئی) را در اراضی غزنه و دریای سند قرار می‌دهد. (۹)

**جمعیت شناسی:** بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۹ کل جمعیت این ولایت در حدود ۱'۳۶۲'۵۰۴ نفر است (۱۰) که چند قومی و عمدتاً قبیله ای است. این ولایت یکی از گوناگون‌ترین ولایات در افغانستان از دید قومی است. اکثریت جمعیت این ولایت را پشتون‌ها و هزاره‌ها و پس از این دو، قوم تاجیک تشکیل می‌دهد، و کمتر از یک فیصد هندو در این ولایت وجود دارد. شغل اصلی مردم ولایت غزنی را زراعت و مالداری تشکیل می‌دهد. (۱۱)

ولایت غزنی، به اساس توزیع اداری، دارای ۱۹ ولسوالی است که عبارت اند از: مرکز غزنی، اندر، مقر، قره باغ، گیلان، واغظ، گپرو، ده یک، ناور، جاغوری، مالستان، رشیدان، آب بند، خوگیانی، ناوه، جغتو، زنخان، اجرستان و خواجه عمری. (۵) هر چند اقوام ساکن ولایت غزنی را سه قوم بزرگ پشتون، هزاره و تاجک تشکیل می‌دهند؛ در عین حال اقوام کوچک دیگری از قبیل بیات، سادات، و تعدادی محدود خانواده‌هایی از قوم هندو (در مرکز شهر غزنی)، سکونت دارند. (۱۱)

**پیشینه تاریخی:** در مورد پیشینه تاریخی افغانستان تحقیقات جدی انجام نشده است؛ اما بعضی آثارها و اسنادی که بروی تحقیقات باستان شناسان، و همین‌گونه بعضی از منابع مکتوب تاریخی بدست آمده نشانگر و نمونه‌های بارز از تاریخ کهن و قدامت این سرزمین دارد. باستان شناس معروفی بنام (وایدیم ماسون) عمر تاریخی این ولایت را ده هزار سال نگاشته است و

به گفته (گنگم) این شهر مستحکم ترین بلاد شرقی است که نام آن از (گازاکه) گرفته شده و در زبان فارسی قدیم به معنی خزانه می‌باشد. از نظر این زایر غزنی قبل از اسلام مدت ۷ قرن یعنی از دوم الی هشتم میلادی آباد و مراکز اداری بوده که هوشوکای یکی از پادشاهان کوشانی پایه گذاری کرده و در وقت هارون الرشید که از جمله خلفای عباسی بود بوسیله هارون الرشید و فضل بن یحی و ابراهیم نابود گردید. (۳). ابزارهای به دست آمده مربوط به دوره پارینه‌سنگی زیرین در دشت ناو در غرب غزنی پیدا شده است. این ابزار شامل تعدادی ابزار سنگی ساخته شده از کوارتز است که شامل تراشه، ساطور، رنده، تیشه و تبر ابزار هستند (۱۲). این آثار نخستین شواهد بدست آمده از دوره پارینه‌سنگی زیرین در افغانستان هستند. (۱۳) کاوش‌های تیم باستانشناسی لهستانی نشان می‌دهد که آثار مذهبی کشف شده از تپه سردار غزنی هر دو فرهنگ هندویی و بودایی را دارا است. (۱۲)

بر طبق گفته‌های کلادیوس بطلیموس دانای رومی- یونانی مقیم مصر، غزنی در عهد باستان یک بازار کوچک بود. (۱). تا سده هفتم میلادی غزنی یکی از مراکز بودایی در آسیای مرکزی بود. با ورود سپاه اعراب مسلمان در منطقه این سپاهیان مردم این شهر را مجبور به مسلمان شدن می‌کردند؛ اما مخالفت‌ها با دین جدید باعث شد تا یقوب لیث صفاری از زرنج این شهر را به زور تصرف و قوانین اسلام را در آنجا حاکم کند. (۱۴) غزنی در سال ۳۴۱ هجری خورشیدی به عنوان پایتخت سلسله غزنویان انتخاب شد. بخش قابل توجهی از جمعیت محلی شامل هندوها و بودایی‌ها نیز در زمان محمود غزنوی به اسلام گرویدند. غزنی پیش از سال ۲۶۰ هـ، جز زابلستان بوده و توسط لاویک‌ها اداره می‌شد، لاویک‌ها که متحد کابلشاهان بودند، الی زمان سبکتگین قدرت غزنه را در دست داشتند. پس از بازسازی این شهر توسط عمرو لیث، برادر یعقوب، از ۹۹۴ الی ۱۱۶۰ به عنوان به پایتخت خیره‌کننده غزنویان تبدیل شد. غزنویان هند شمالی، ایران و آسیای میانه را از غزنی کنترل می‌کردند. بسیاری

از حملات به هند از غزنی سازماندهی می‌شد. غزنویان اسلام را به هند بردند و با ثروتهای خارق‌العاده‌ای که از شاهزاده‌ها و خدایان معبد غنیمت می‌گرفتند باز می‌گردیدند. تاریخ نگاران با شگفتی از آراستگی ساختمان‌ها، کتابخانه‌های بزرگ، مجلل بودن دربار و ثروت گرانبهای شهروندان غزنی می‌نویسند.

در دهه‌های نخست سده یازده میلادی غزنی مهم‌ترین کانون ادبیات دری بود و این نتیجه کوشش‌های سلطان محمود غزنوی بود که انجمنی از دانشوران، فیلسوفان و شاعران را به گرد تختگاه خود گرد هم آورده بود. غزنی که در زمان حاکمیت سلاطین غزنوی (۳۵۱ تا ۵۸۳ هجری قمری) در اوج شهرت رسید و نشانه‌های زیادی از آن مدنیت تا هنوز هم پابرجاست، پایتخت سرزمینی است که در شرق تا هندوستان و در غرب تا بغداد پهنه داشت. (۱) این شهر هزار باب مدرسه داشته‌است، و مرکز تجمع دانشمندان بسیاری مانند ابوریحان البیرونی، فردوسی، ابوالفضل بیهقی، عبدالحی گردیزی، سنایی، مسعود سعد سلمان، عنصری و فرخی سیستانی بوده‌است.

عصر پادشاهان هنر پرور و فرهنگ دوست غزنوی یکی از برهه‌های بسیار مهم و سرنوشت ساز در تاریخ کهن و معاصر غزنی پنداشته می‌شود. در این دوره صدها عارف، فقیه، شاعر، ادیب و دانشمند از سرزمین‌های مختلف رو به غزنه آورده و در پرتو تشویق سلاطین آن دیار به ایجاد آثار وزین پرداختند که نه تنها معارف آن عصر بلکه فرهنگ و زبان پارسی دری را برای همیشه گهربار و آکنده از محتوا ساختند. از اینرو غزنی به صفت یکی از مراکز عمده و حایز اهمیت در گسترش دامنه اسلام در جهان تلقی می‌شود. گنبد‌ها، مناره‌ها و زیارتگاه‌های غزنی هر چند امروزه توجه چندانی به آن صورت نمی‌گیرد، حکایت‌گر یک دوره شگوفای علم، عرفان، هنر، ادب، صنعت و مدنیت است. از سوی دیگر سلاطین غزنوی در جریان قرن‌ها اقتدار که بزرگترین امپراطوری اسلامی را بنا نهادند، نه تنها با فتوحات پیهم جغرافیای قلمرو خود را وسعت بخشیدند بلکه همگام با آن اسلام را در سرزمین‌های دور چون ایران، توران، هند، سند، لاهور،

لکنهور و فراتر از آن ترویج کردند. در کتب تاریخی آمده‌است که خلافت بغداد در آن زمان سلطان محمود غزنوی را "سلطان بزرگ اسلام" لقب داده بود.

اما غزنی که زمانی باشکوه‌تر از بغداد بود در ۱۱۵۱ میلادی، توسط علاءالدین حسین جهانسوز به تلی از خاکستر مبدل گردید. پس از ۶ سال غزنی دوباره در زمان خوارزمشاهیان شکوفا گردید اما این بار در سال ۱۲۲۱م، توسط چنگیز خان برای همیشه ویران شد. موقعیت استراتژیک غزنی، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر نظامی، دوباره غزنی را احیا کرد اما بار دیگر توسط انگلیسی‌ها و ۱۰۰ سال بعد توسط شوروی‌ها ضربه دید. ابن بطوطه خاطرنشان می‌سازد: «قسمت اعظم شهر ویران شده‌است، اما چیزی جز بخشی از آن هنوز پابرجاست، اگرچه قبلاً شهر بزرگی بود. بابر در خاطرات خود ثبت می‌کند که غزنی بخشی از زابلستان بوده‌است. این منطقه توسط مغولها کنترل می‌شد تا اینکه نادرشاه و نیروهای ایرانی اش در سال ۱۷۳۸ به آن حمله کردند. احمد شاه درانی غزنی را در سال ۱۷۴۷ فتح کرد و آن را بخشی از امپراطوری درانی کرد. در جریان جنگ اول افغان و انگلیس، غزنی توسط نیروهای هندی به رهبری انگلیس در نبرد غزنی تخریب شد. غزنی در سال ۲۰۰۷، از سوی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی (ایسسکو) به عنوان مرکز فرهنگ و تمدن جهان اسلام برای سال ۲۰۱۳، انتخاب شده و در سال ۲۰۱۳ میلادی طی مراسمی ویژه رسماً به عنوان پایتخت فرهنگ و تمدن جهان اسلام در آسیا نامگذاری گردید. جالب است بدانیم بدلیل فزونی عالمان و بزرگانی که در این شهر مدفون اند این شهر را مدینه ثانی نیز نامیده‌اند. (۳)

#### اهمیت غزنی از لحاظ جغرافیایی :

غزنه یاغزنین چه در ادوار قبل از اسلام و چه بعد از آن از نظر جغرافیا نگاران جایگاه خاص خود را داشته که ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد: غزنه به معنای گشاده‌ترین و پاکیزه‌ترین شهرها است، این شهر مرکز ولایت زابلستان بوده‌است. "یاقوت حموی" معتقد است که نام غزنه (که به عربی جزنه نامیده می‌

شود) در واقع تلفظ عامیانه غزنین است. غزنه در دشتی نزدیک به کوهستان واقع شده بنا بر نوشته ابومنصور ثعالبی از هوای پاکیزه، خاک نیکو و آب گوارا برخوردار بوده است. این شهر به نوشته منابع متعدد جغرافیایی دارای زمستان سرد و پر برف بوده اما سلامت هوای آن موجب کاهش بیماریها گردیده و اهالی آن از عمر طولانی برخوردار بوده است.

مؤلف حدود العالم غزنه را شهر پر نعمت و از مراکز اقامت بازرگانان، و مقدسی آن شهر را یکی از بار اندازهای خراسان و انبارهای سند بشمار آورده است. در شهنامه فردوسی ذکری از کابلستان و زابلستان شده که زابلستان مربوط غزنه بوده چنانچه سلطان محمود را بعضی منابع تاریخی محمود زابلی مینامند. آقای غبار در جغرافیای تاریخ افغانستان به اساس اثر حدود العالم مینویسد که «غزنه شهرست بپراه کوه و با نعمت سخت بسیار و از قدیم از هندوستان بوده است و اکنون در اسلام است و سرحدیست میان مسلمانان و کافران و جای بازرگانان» (۱).

مقدسی نقشه شهر غزنه را چنانکه در عهد سبکتگین بوده بدست میدهد (قلعه در میان شهر "بالاحصار" با قصر و فرمانروایان و شهر "مدینه" با باره ها و چهار دروازه که چندین بازار در آن بوده که دیگر خانه و بازارها در آن واقع بوده این قلعه و مدینه بوسیله یعقوب و عمرولیث صفاری تجدید و بنا شد. جغرافیا نویسان اواخر قرن چهارم هجری تاکید میکنند که غزنه شهری است که سوداگران در راه رفت و آمد هند و غزنه در آن اطراق میکردند و از تسهیلات و وسایل رفاهیت آن جا برخوردار میشدند، هم چنان از هوای خوب و نبودن گزنده گان و حشرات موزی فراوان سخن میگویند. ابن اثیر در الکامل تذکر میدهد که مقسیم های آب باغهای دولتی غزنه همه از طلا و نقره بوده که سپاهیان سلطان سنجر آن را بغارت بردند. (همان)

حکیم سنایی در حدیقه الحقیقه غزنی را این گونه وصف کرده است

|                             |                              |
|-----------------------------|------------------------------|
| مشک اذفر سرشته با گل و خشت  | عرصه مملکت چو باغ بهشت       |
| چشم بد باد از این حوالی دور | عرصه مملکت چو باغ بهشت       |
| باز شناسی از بهشت برین      | گر ببینی تو مملکت غزنین (۱۵) |

آموزش و فرهنگ: غزنی با آنکه در گذشته نسبت به ولایات دیگر کشور، در بخش معارف پیشتاز بود؛ اما در اثر جنگهای چند دهه اخیر، به سیستم تعلیم و تربیه این ولایت نیز خساراتی وارد گردیده و مکاتب، در اکثر ولسوالیها مسدود بوده است که باعث شده، دانش آموزان این ولایت، از چند دوره تعلیمی محروم شوند. در ولایت غزنی ۶۳۵ مکتب به شمول چند انستیتیوت و دارالمعلمین وجود دارد، که دارای ۴۷۴۷ معلم و ۲۴۵'۹۸۶ دانش آموز است. دانشگاه غزنی در سال ۱۳۸۷ خورشیدی تأسیس شده و اکنون ۱۵۰۰ محصل در چهار دانشکده تعلیم و تربیه، شرعیات، اقتصاد و زراعت دارد. (۱۶)

با در نظر داشت تاریخ گذشته غزنی این ولایت در سابق از حیث تاریخی و علمی به مرکز عرفان و ادب در بین ولایات شهرت داشته و صدها عارف شاعر و نویسنده ای همچون سنایی غزنوی، حسن غزنوی، مسعود سعد سلمان، فرخی سیستانی، فردوسی طوسی، عنصری بلخی، عسجدی مروزی، منشوری سمرقندی، کسایی مروزی، غضائری رازی و ابوریحان البیرونی از بلاد مختلف در دوران سلطان محمود غزنوی در این ولایت گرد آمده بودند. تلاشهای فرهنگی در این ولایت، از سال ۱۳۳۱ خورشیدی، با نشر هفته نامه سنایی رسماً آغاز و تسریع یافت؛ این هفته نامه امروز به روزنامه تبدیل شده که با انتشار ۵۰۰ نسخه در روز معتبرترین روزنامه ولایت غزنی می باشد. شمار زیادی از انجمنهای ادبی مانند انجمن سنایی، که در سال ۱۳۵۰ ایجاد شده و تعداد زیادی از فرهنگیان در آن شامل بودند، ایجاد شد؛ دیگر انجمن همچنین انجمن لونگ، انجمن فرهنگیان، انجمن کاتب، انجمن البیرونی، انجمن پسرلی، انجمن قره باغ، انجمن ارشاد، انجمن زمزمه، انجمن اجتماعی غزنه باستان، انجمن تحکیم وحدت، انجمن وحدت ملی و انجمن کلیوال ادبی ملگری در ولایت غزنی شکل گرفته است؛ این انجمنها تلاشهای فرهنگی زیادی می کنند و راه را برای چاپ آثار شعرا و نویسندگان نو فراهم می سازند. در این آوار ریاست اطلاعات و فرهنگ غزنی این انجمنها را ثبت نموده از فعالیتهای شان حمایت می کند. در غزنی علاوه بر کتابخانه عامه ریاست معارف



و کتابخانه البیرونی ریاست اطلاعات و فرهنگ، برخی کتابخانه‌ها در مکاتب نیز وجود دارد که مردم می‌توانند از آنها، کتاب برای مطالعه بگیرند. در ولایت غزنی علاوه بر کتابخانه‌ها، تعداد زیادی کورس‌ها به ویژه کورس‌های خطاطی وجود دارد، که صدها شاگرد اکنون در آن آموزش می‌بینند. پس از کشف آثار باستانی دشت ناور که صدهزار سال قدمت داشتند؛ شهر غزنی موزیمی ایجاد کرد که اکنون در مقام ولایت و ریاست اطلاعات و فرهنگ، می‌باشد و صدها اثر تاریخی مانند مجسمه‌ها، سلاح‌های تاریخی، کوزه‌ها، ظروف، و همچو آثار دیگر تاریخی، در آن نگهداری می‌شوند (۳).

آثار تاریخی و لایت غزنی : غزنی یکی از حوزه‌های تمدنی درخشان و مراکز امپراتوری‌های مشهور افغانستان را در خود داشته است. غزنی، تاریخ ۱۵۰۰ ساله قبل از اسلام دارد؛ مناطق تاریخی زیاد و آثارهای باستانی فراوان در غزنی موجود است؛ اما اکثر این مناطق و آثارهای تاریخی، در اثر بی‌توجهی از بین رفته یا هم در حالت نابودی قرار دارد. مهم‌ترین منطقه تاریخی غزنی؛ شهر کهنه غزنی یا بالاحصار است، که قبلاً مقر سلطنت سلطان محمود غزنوی بود. این قلعه، حدود ۴۰ برج دارد و گفته می‌شود که صدها سال قبل، یک سرپوش بازار طلا نیز در اینجا وجود داشت، که به اثر جنگ‌ها تخریب و آثار تاریخی و طلای این بازار زیر خاک شده‌اند. در ولایت غزنی، جمعاً حدود ۳۰۰ آثار و مقبره تاریخی موجود است؛ اما در این نوشتار ذکر آن‌ها ممکن نیست (همان). بنابر این شهرهای تاریخی، مکان‌های باستانی، غزنه مهم و دارای ارزش است که باید نسل امروز ما در پرتو روشنای علم تاریخ این گذشته تاریخی را بازشناسی نمایند.

#### منابع و ماخذ

۱. جغرافیای تاریخی افغانستان، میر غلام محمد غبار، ۱۳۹۰، کابل: میوند، ۲۴۹؛
۲. افغانستان در پرتو تاریخ - احمد علی "کهازاد" ۱۳۴۶

۳. ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت غزنی؛
۴. . جیلانی، عارض ۱۳۷۹ جغرافیای ولایات افغانستان. پیشاور: /ریک. ص ۱۱۲.
۵. . شناسنامه مختصر ادارات محلی افغانستان، ۱۳۹۶- ۱۳۹۷، اداره ارگان‌های محلی، ص ۵۵؛
۶. شناسنامه افغانستان، بصیر احمد دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۱۹۲؛
۷. جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، سلطان محمد انصاری، ۱۳۹۴، کابل: انتشارات سرور سعادت، ص ۱۳۰۸؛
۸. ریاست آب‌های ایستاده ولایت غزنی ۱۴۰۲؛
۹. جغرافیای تاریخی افغانستان- پوهاند عبدالحی "حبیبی" ۱۳۷۸
۱۰. اداره ملی احصاییه سال ۱۳۹۹؛
۱۱. ریاست سرحدات اقوام و قبایل ولایت غزنی، ۱۴۰۲؛
۱۲. کشفیات تازه ساحات ماقبل التاریخ دردشت ناور غزنی تتبع و نگارش م بابک مجله باستان شناسی شماره دوم سال اول حوت ۱۳۵۸
۱۳. عظیمی، عظیم، افغانستان و نقاط شگفت انگیز آن، کابل: نشر نگار، ۱۳۹۶، ص ۳۱۸.
۱۴. تاریخ افغانستان بعد از اسلام - عبدالحی "حبیبی" ۱۳۸۰
۱۵. فتوحی محمود و محمدخانی علی اصغر شوریده ای در غزنه اندیشه‌ها و آثار حکیم سنایی انتشارات سخن تهران ۱۳۸۵
۱۶. ریاست معارف ولایت غزنی و ریاست پوهنتون ولایت غزنی ۱۴۰۲؛



## نقش استخراج معادن در تقویت اقتصاد کشور

معادن تأمین کننده مواد اولیه مورد نیاز بسیاری از صنایع بوده و در امر خودکفایی صنعتی، ایجاد اشتغال مولد و افزایش تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه یک کشور نقش بسزایی دارند. منابع طبیعی از عمده ترین و اساسی ترین عوامل و شاخصهای است که در روند رشد، انکشاف و تحکیم پایه های اقتصادی یک کشور حایز اهمیت فراوان می باشد. هر کشور که منابع طبیعی فراوان و بیشتر دارد، دارای عاید بیشتر نیز می باشد، چون با استخراج معادن برای مردم زمینه کار مساعد می شود و مردم میتواند از این طریق یک عاید مناسب و خوب به دست آورد و مشکلات زندگی خویش را حل نماید.

افغانستان نیز از جمله کشورهای است که سرشار از منابع زیر زمینی می

باشد، و این کشور از منظر داشتن معادن در منطقه بی نظیر است و با ارزش ترین معادن را در خود جا داده است و یگانه منبع درآمد که بتواند در دراز مدت افغانستان را از وضعیت بد اقتصادی نجات دهد همین معادن است، هر چند این کشور از لحاظ ذخایر زمینی غنی است؛ اما با انهم دولت های گذشته اقدام موثر و در خورستایش برای استخراج و بهره برداری از معادن انجام نداده اند و مردم نیز کدام بهره برداری اقتصادی جهت رسیدن به یک زندگی مرفه از معادن شان نداشته اند؛ دلیل این امر را میتوان نا به سامانی های داخلی و عدم توجه مسولین و قت در خصوص استخراج معادن عنوان کرد.

براین اساس تمرکز بالای معادن و استفاده موثر و مناسب از ذخایر طبیعی

به خاطر تأمین دورنمای اقتصاد در افغانستان و ایجاد فرصت های شغلی راهی است که می تواند آینده ی درخشان را برای مردم تأمین کند و اکنون نیز این فرصت مساعد گردیده است چون علاقه مندی کشور های خارجی درخصوص استخراج معادن افغانستان و سرمایه گذاری در این بخش بی پیشینه است طوریکه اخیراً سفیر اتحادیه اروپا در افغانستان از آمادگی این نهاد برای همکاری با وزارت معادن و پترولیم دولت افغانستان خبر داد که شهاب الدین دلاور وزیر معادن و پترولیم کشور نیز در این دیدار اظهارداشت که امارت اسلامی تلاش دارد تسهیلات بیشتری در بخش معادن ایجاد کند تا فرصت های سرمایه گذاری در این بخش

بی پیشینه است طوریکه اخیراً سفیر اتحادیه اروپا در افغانستان از آمادگی این نهاد برای همکاری با وزارت معادن و پترولیم دولت افغانستان خبر داد که شهاب الدین دلاور وزیر معادن و پترولیم کشور نیز در این دیدار اظهار داشت که امارت اسلامی تلاش دارد تسهیلات بیشتری در بخش معادن ایجاد کند تا فرصت های سرمایه گذاری در این بخش ایجاد گردد و شفافیت؛ سرعت و تحرک لازم تامین گردد.

افغانستان کشوریست که از نقطه نظر جغرافیایی و اقتصادی از قدیم تا حال مورد توجه کشورهای منطقه و جهان قرار داشته است، اما متأسفانه زمام داران امور در گذشته ها نتوانسته اند از این نقطه عطف و مثبت برداشت لازم را نمایند و منافع علیایی کشور را تامین نمایند؛ اکنون یگانه امید مردم از امارت اسلامی افغانستان این است که این همه امتیازات از دست رفته را با تدبیر و سیاست لازم دوباره بدست بیاورد و با تحقق و تطبیق برنامه های انکشافی مطلوب قدم های محکم و استوار را برداشته و امید و آرزوی این ملت بیچاره و درد دیده را حصول نمایند که با تطبیق

برنامه های استخراج معادن از یک طرف می توانیم به خود کفایی اقتصادی دست یابیم و از طرف دیگر هم به ثبات دایمی امنیتی خواهیم رسید؛ امروزه اگر عمل خلاف قوانین و دساتیر امارت اسلامی در گوشه های از کشور انجام می شود یگانه دلیل آن را می توان در فقر و بیکاری جستجو کرد.

بدون تردید فقر و امنیت این دو ارتباط بسیار تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ اگر بتوانیم با استفاده از بهره برداری از معادن وضعیت اقتصادی جامعه را بهبود بخشیم بدون شک فعالیت فوق العاده یی را برای تامین امنیت اجتماعی نیز انجام داده ایم چون فقر می تواند جوانان را مجبور به استفاده نا جایز ها بکند؛ هر چند قرار نیست بگوییم هر کسی با مشکل مواجه شد میتواند دزدی کند و امنیت جامعه را به خطر بیندازد، اما نمیتوانیم منکر این واقعیت هم بشویم که شرایط کنونی اقتصادی یکی از عامل های مهم بروز رفتار های بی غیر معمول در جامعه است.

در واقع وقتی فقر فراگیر میشود اولین دســتــاورد آن افزایش رفتار های غیرقانونی و پایین آمدن امنیت اجتماعی

است. در این بین هم هستند افرادی که از آب گل آلود ماهی میگیرند و به اصطلاح آب را گل آلود میکنند. در واقع مجرمان سابقهدار هم خود را مستحق میدانند که دست به رفتار های ضد اجتماعی بزنند؛ درمان این همه نگرانی های امنیتی اجتماعی فقط تحقق برنامه های کلان ملی و گسترش اشتغال زایی در سطح کشور برای جوانان است.

پس اگر می خواهیم به صورت پایدار در جامعه امنیت داشته باشیم و گیراف فساد و اعمال ضد بشری را در جامعه به صفر برسانیم باید میزان رفاه در جامعه افزایش پیدا کند.

در نتیجه می توان گفت، نقش معادن در دور نمای اقتصادی افغانستان از اهمیت قابل ملاحظه یی برخوردار است و این پدیده در پویایی هر چه بیشتر اقتصاد، حتا در فروکش کردن نابسامانی های موجود در این کشور موثر است و می تواند به ناهنجاری های موجود در کشور نقطه پایان بخشد و یک افغانستان درخشان و به پای خود ایستاده را به جهان معرفی کند.







## مرز تي بارڪه رسانه جي ملت کي بيچ نفرت آڻي اونا کو اڳو لپي جاء

ڪه ڊهاتي اين بارڪي گلاں ڪه رفع ڪرن ڪه بستي منطقي تي قناعت بخش جواب ملت نه چاڊيا ٿا ملت اون کي گلاں پو فريب نه هوء. ايس فرهنگي فعال ني ڪيوچي امارت اسلامي موثق خبراں ڪه نشر مه داخلي رسانه ناري همڪار ڪرليا ٿي چنگه منابع نه اين رسانه ڪه هت ته قرار چاڊيا، اوس طريق تي داخلي رسانه بارڪه رسانه ڪي گلاں نه رفع ڪرليا ٿي ملت قناعت ڪي گل نه سوناليا.

عصمت الله سڪندري، فرهنگي فعال رسانه ڪو آوا ته ڪيا ڪي اگرامارت اسلامي ڪه رهبر منگي جي نرم گهوڙ مه باٿي گهوڙ ڪه شانتهو ميدان مه ڪامياب هوچي بايد جي زمينه نه داخلي رسانه ڪه بستي ديس مه فراهم ڪرليا، جي تمام خبره منابع ته اون ڪو هت اڀرچيا، ڪيم جي داخلي رسانه ايس قدرت تي توانايي نه درهه جي مثبت تاثيرات نه ديس ڪه بيسنه ڪه روح تي روان پودرهائين ليا. اوس ني اپني گلاں مه زيادو ڪيو جي اڪر منابع حڪومت ڪه ڊهاتي رسانه ڪه اختيار مه ديو نه جاء غربي رسانه نفرت ڪي گلاں نه تي هور ديس ڪي بيچ گلاں مه موچ ڪم ڪر، تضعيف هون ڪو سبب بي عموم ڪي بي اعتماد تي دولتي نهاداں ڪي هم هوء.

سڪندري ني ڪيوچي امارت اسلامي ڪه رهبر بايد جي جامعه ڪه جاگان ڪه بستي موچ ڪم ڪرليا ٿي ايس ڪم نه اوليت مه تهار چاڊيا، تي ڪيوچي جاگان تي اگاهي جامعه ڪي سبب هوي جي رسانه ابي سواد لوڪ ڪو اوچو چلي حڪومت ڪه مخالف نين ڪرسكتها جي دولت ڪه مقابل مه بيهه تي منفي تبليغات ڪرليا. ياد ڪرن ڪي گل ا ڪي امريڪا ني شڪست تي ڪاڊ افغانستان ني ڪتنه رسانه موچ ڪزاف مصرف پو اپني ميٽي مه تي انگليس مه جوڙيا ڪي فارسي تي پشتو ڪي جيب مه ۲۴ ساعت نشرات درهه، ايس وزن پو پي رسانه رات تي تا نابره تاڪنو ڪئي بي طرفي تي باج خبرنگاري ڪه اصول تي باج، ڪاملا ايڪه ڊها پو جي افغانستان ڪي حڪومت ا منفي تبليغاتاں ڪر.

فرهنگي فعال ڪيا ڪي امارت اسلامي ڪوچ رسانه جي ملت ڪي بيچ فارسي تي پشتو مه نفرت انگيز ڪر اون ڪونشرات اڳو بايد جي لپي جاء، ايس ڪم ڪه بستي جدي اقدام هوچي. ڪيم جي بي خبر نگار خبر نگار ڪه اصول ڪه مطابق پو خبر نگاري ني ڪرتها تي اون ڪه منابع موثق ني تي منفي خبراں تي نفرت انگيز نه ۲۴ ساعت مه نشر ڪر سبب موچاں رويي تي رواني مشڪلاتاں ڪو ديس ڪه بيسنه ڪو هوڳيو.

آوا ڪي گزارش ڪه اساس پو بي اظهارات فرهنگي فعالين ڪه ڊهاتي اوس وخت مه مطرح هوچي جمهوريت نظام ڪه سقوط تي ڪاڊ تي امريڪا ڪه شڪست تي گهوڙ تي، هون يو ديس ڪوچاں خبرڪينه افغان ڪه ته مامو هوڳيو ڪي غلي ايڪ گهوڙ امارت اسلامي ڪه مقابل مه شروع ڪي ا ڪي ۲۴ ساعت قام ڪه مسايل، تي نژادي تي سمتي گلاں نه دامن مار، انتي نفرت انگيز گلاں نه افغانستان ڪي ملت مه نشر ڪر تي اوناں بي اتفاقي ڪه ڊهاته چلاں ته چلي.

سيد ذبيح الله حسني، فرهنگي فعال ني» آواته» ڪيوچي: امارت اسلامي ڪوچاں خبر نگار جي ديس ڪي مرزتي بار فارسي تي پشتو مه رسانه مه نشرات درهه اون ڪه منع ڪرن ڪه بستي جدي اقدام نه هت ڪي هيٺ لپ لي، بي رسانه ڪئي اوصول خبرنگار ڪه تي باج نه درهان موثق منابع نه، منفي تي نفرت دار خبر ۲۴ ساعتاں مه نشرڪر جي سبب ڪوچاں رويي تي رواني مشڪلاتاں ڪو ديس ڪه بيسنه ته هوڳيو ٿي هوء.

اوس ني تاڪيد ڪي جي اڪر موجوده حڪومت ديس مه جامعه ڪه بيدار تي بارڪه رسانه ڪه گلاں ڪه اڪه نه، نه لپي و هر رقم شائعات نه خبراں نه ديس مه پخش ڪر جي سبب نفرت تي فرهنگي تي نژادي تي قومي تفاوتاں ڪو جامعه هوء جي ديس ڪي ملت ته موچ آسيب تي ضرر آڀرائين ا.

حسني ڪي گلاں اساس پو، ايڪو راه منفي گلاں پوا ڪي ڪيره وخت مه جي شائيعات تي نفرت ڪي گلاں نه سوني بايد جي داخلي رسانه



## پام و دلگوشي به آپاني کارمرزکنگا

هشکسالی، آپانی بی دولین کارمرزکنگ و جوانین مدیریت نیوگ مان کابل، سبب بوتگیت که دگاری چیرئ آپ کم بنت. میان استمانی سازمانی مدت کنگی دپتر، شه ای هالته بدتر بوگی خطران گشتگیت. کابل شه اوگانستانی پُر نیوژین شارانی ریسگا انت، ای شار گیشترین تاوان و ضلرا شه کم آپیا کندیت، کم آپی ای ولایتی تها ایشی سبب بوتگیت که لهتین استمان به ورگین آپا دسترسی مه داشتگ بنت. نه ایوکا کابلی شار بلکین اوگانستانی دگه ولایتان هم گون کم آپیئ سکی و سورپان دیم په دیم انت. بریرر گون انرژ و آپی وزارتت معلومات، کابل شار ۲۹ میلیون متر مکعب کچ و کاسی آپ داریت و آپی کارمرزکنگ ای شار تها ۳۱ میلیون متر مکعب کچ و کاسی آپ انت. هنجوش که درا انت کابلی نندوک ۲ میلیون متر مکعب آپا گیشتر شه چیز که موجود انت، کاره گرتن. گون ای بی دولین کارمرزکنگا، سال به سال آپ ای شار تها جاله روت. لهتین گس و لوگ که کوهانی سرا بی پلان جور بوتگنت به آپا هچ دسترسی ندارنت و وتی آپا شه جالگا گون سلان برزه کننت.

مان گوستگین سالانئ تها، ای شار تها جتاجتاین کثر و گوران استمان کوشست کرتگنت که گون شخصیین چاهانی سستنا وتی آپا بدستا بیارنت، بلی گون آوانی ای کارا دگاری چیرئ آپانی کچ و کاس آنکس جال شتگیت که دگه گیشترکین استمان ایشی وسا ندارنت که وتی چاهانا شه ایشی

گیشتر جول کننت. مان کابلی لهتین دگه چو: کابلی روچ کپتئ نیمگا چاهانی سستن تا ۱۵۰ متر هم رستگیت. په ایشا که استمانی لوپ و واهگ باز انت، شارئ آپ برگی شرکت په نندوکان په جوانی خدمت کرتگ نه کننت. لهتین مردم دراجین راهی پیادگه رونت تان شه مسیت و دگه گسان که چاه‌اش جولتر و آپ دارنت، کمی آپ په وتی ورگا بزورنت.

کابلی شار گون آپی کم بوگی سکیان دیم په دیم انت و ایش راز رازین دلیل و سبب داریت، چو: جهانی آپ و هوای بدل بوگ، اورئ گوارتن کم بوگ مان گوستگین سالان و نیوسئ گیش بوگا شه کابلی شارئ کم آپیئ سبپان گشتگه کنن. نیوسئ باز بوگی دلیل مان کابل بازی سببی داریت که یکی شه آوان مردمان آتن شه دگه ولایتان انت، ای مردم یا شه دیمی جنگانی دستا جستگنت و یا په وتی سبخانی دیما برتنا آتگنت. دگه دلیلی که مردم مان مزین شاران، خاس کابلی شارا کاینت ایش انت که به آوانی سیم و دمگان بیکاری و هشکسالی باز بوتگیت و دیمی مزین شاران رونت که ایش وت یکی شه کم آپیئ اصلین سبپان انت.

به آپانی کارمرزکنگا استمان پام و دلگوشي ندارنت و بی پرواییه کننت. هنجوش که دیستگه بیت لهتین مردم وتی آپا کوچانی تها یله دنت و سرکانا شودنت، لهتینی تهاری که لوپنت شه گسا در بئنت وتی موترانی سرا بی کچ و کاسین آپی شلیه دئنت و لهتینی بید ایشی که درچک و

سبزگانا آپه دئنت، آوانی سرا آپ هم ترینزیننت و لهتینی وتی گسانی در و دیوالانا شودنت، ایش مچین اسراف و په ملتا مزین تاوانی رسینیت که ایشی ناوپرین آسر چُنت سال دگه گیشتر روش و درا بیت. آپ یکی شه خداوند مزین نیامتان انت که انسان باید آیی کدرا بزانت، مچین زنده جانانی زندگ مانتن به آپا بستگی داریت، اگه آپ مه بیت زندگی هم نه انت.

### هلاپینگی راه چپو انت؟

**اول:** استمان شه آپانی بی دولین کارمرزکنگا دست بزورنت و کارمرزکنگی وهده وتی دستا ساتنت؛

**دوئم:** کابلی شارئ چُنت خاسین جاگه کورم سستگ بیت و شه کابلی دریایی آپا اودان پُر بیت؛

**سی ام:** چاه سستگ بیت و اورئ آپ اودا راهشونی بیت تان دگاری چیری آپانا باز بکنت؛

**چارم:** په استمان خاس په آوان که بی کچ و کاسین آپ کارمرزه کننت، گشتگ بیت تا شه ایشی گیشتر آپا بیهودگ و هر جاگه کارمرز مه کننت؛

**پنجم:** دولت په هر گس و لوگی، نظر به آپی مردمان، آپی کچ و کاسی کارمرزکنگا معلوم بکنت و هر چنکس شه آپی بهرا گیشتر کارمرز بوت، مالیه گپتگ بیت. مالیه گپتن سببه بیت که استمان وتی دستا شه بازیان آپی کارمرزکنگا ساتنت.

## دو براسی داستان

یک وهده یی یک هلکی تها مردکی زندگيه کرت که بازين دارایی واوند ات، مردک دو زاگ داشت و رندا شه چنت سال جندی شه دنیا شت و آیی دو زاگ منتنت، دو براس وتی پسی داراییا زوتیا هلاس کرتنت، یکی زهمتکشی ات و کار بازه کرت و آ دگه وارت و وپت، ای دو براس یک هلکی تها زندگيه کرتنت. شه ای دوئینانی نیاما هما که تمبلی ات، خوار و بزرگ بوت و آ دگه باز کاره کرت و زهمته کشت، دارا بوت. بزگین براس جنکی داشت آیی نام گلرخ ات، آ ۱۲ سالگی ات، یکروچی وتی زردارین ناکوی گسا شت، اودا گسی کارانا کرت. وهدی که گس واوند آیی رندی و چالاکیا دیست، شه آیی کارانا تسرکنا وشنود بوت و شه وتی براسا لویت که آیرا بلیت تا ایشانی کارانا بکنت. زردارین براس و بزگین براسا گشت: گلرخ دگه کاری نداریت... آیرا منی گسا دیم بدی که گون منی جنکا کمک بکنت.

پکیرین براس ای واکا نداشت که وتی شپ و روچی نانا ودی بکنت، مگه شه دگه نیمگی دلی نه لویت که وتی چنکا براسی گسا دیم بدنت. گدسرا به ای نتیجه رست که په گلرخ گولوی بزنت تا که آیرا خدمت بکنت و مزن بیت و آیی است و بست به گلرخي دستا بیت.

بازین روچی گوست، گلرخ به وتی ناکوی گسا کاره کرت و بیکاری وهده

وتی گولوا گپت په چرایتنا دنا برت و نماشاما آیرا گسا کاورت و گون آیی هبره دات، هنجوش پکره کرت که گولو آیی شریک انت.

گولو گون آیی باز خو و عادت کرتنت، شه دگری دستا علپ و جره نه وارت، تا سی ساله گلرخ گولوا رودینت. انون دگه گولو به مزین گوکی بدل بوتنت... یکروچی شه آیی پسی گسا مردمی به پدئ ات و په آیی گشت تهی پس ناجور انت. لویت ترا بگندیت، گلرخ وارخطا و هولکی بوت، آ سی سال شه وتی پسا دور ات، آیرا نه دیستنت، لویت که په آیی دیستنا بروت.

ناکوی شه هبرا سهی بوتی که آیی برازاگ رادگیی سرا انت، آ هم آیرا هشت و تروتوبا په آیی بریبر کرت. گلرخ لویت که وتی گوکا هم گون وت بارت، ناکوی گون ای کارا وشنود نه وت، په آیی گشت منی برازاگ گوکا گون وت مه بر، من آیی بدلا ترا زره دئین.

مگه گلرخ زراننا نه زرت... آیرا گوک په کار ات، چیا که گون آیی موتگ بوتنت، آیی ناکوی جنین هم نه لویت که چشین جوانین و کیمتین گوکی شه آوانی گسا در بیت.

گلرخ باز نا وشنود و گم آیرا گپت و گریت و آیی پس هم که سهی بوت شه ای کارا آزرنگ بوت، همی که گلرخي پس سهی بوت. به محکمه شکایت کرت که ای گوک منی جنکی انت، باید په آیی داتگ بیت. محکمه

قاضی گلرخي ناکوی دوست ات، دگه په آیی سک ات که عدالتا عملی بکنت، هبر باز سادگ ات مگه سی سال دیما آوانی نیاما به یک کاگدی دیما بندو بستی بوتنت، دگه ثبوتی نداشتنت.

قاضی پکر کرت و دگه راهی براسانی میانجینا هشت. سی سوالا شه دو براسا کرت و گشت هر گجام شه شما ای سی سوچی پسا بگشیت، گوک آیی انت. سی سوچ ایش انت:

۱- هما گجام چیز انت که شه مچان

ترند و تیزتر انت؟

۲- شه مچان وشین چیز گجام انت؟

۳- شه مچان مالدار و زردارین مردم

کی انت؟

هر دو براس وتی گسان شتنت و پکره کرتنت که سوالانی پسا ودی بکنتنت. زردارین مردم هر سی سوالا په وتی جنا گشت. آیی جنک گشت ایشانی پسا آسان انت او مردک.

۱- شه امی کچکا ترند و تیز تر هیچکس نه انت

۲- شه امی شهتان وش تر دگه چیزی نه انت

۳- اما چشین خزانگی دارن که هیچکسی نداریت، نپه شه اما زردار و مالدارتر کی انت؟

زردارین براس که ای هبراننا شه وتی جنا اوشکت گل کرت و باز وش بوت و به وایا شت. نادارین براس که گسا شت مچین داستانا په وتی گلرخا گشت.



چَنکي گُشت: بابا جان ته ناراحت مه بئ، من باندا ای سوچانی پسوا ودي و په ته کارين، تا باندا تهاری آیی چَنک سئ پسوا ای راز گُشت:

۱- شه چما هچ چیزي گیشتر تیز و ترند تر نه انت.

۲- شه مچین چیزان وشر و اب انت.

۳- شه مچین چیزان دارا و مالدار، دگار انت، هر چنکس شه آیی حاصل بگری کمه نه بیت.

هر دو براس قاضیا شُنتن. قاضی هر دوئین هیرانا اوشکت، گران قاضی پیسله کرت که نادارین براسی هیر راست انت، گوکا په آیی تسلیم بکن، رندا شه آیی جست کرت که ای هیرانا کئ په ته یات داتگیت.

نادارین مردک گشت: منی جنک گلرخ په من گشت.

قاضی په آیی گشت: باندا وتی جنکا به منی گسا بیار، چشین وختی که نه شپ بیت، نه روچ، نه سواره بیت و نه پیادگ، گیش شه ایشی هم نه جامگ گوری بیت و نه لوچ.

شه ای قاضی هیران مردک هیران بوت که ای چوش امکان داریت. هما وت که گلرخیا شت و په آیی گشت قاضی منی براسی شریک انت، ای رازین هیری په من گُشته که هچ امکان نداریت. گلرخ گُشت مگه چیو گشتگیت بابا که امکان نداریت، آیی پس قاضی سوالانا په آیی گشت. گلرخ په وتی پسوا گشت: غم مه ور من راهی و دیه کنین.

هما وت که آیی جنک وترا چو جنی جوړ کرت، تهاری مالنه قاضی گسا شت. قاضی که آیرا دیست آیرا مهمان کرت. به میمانی ته شه آیی لوتت که گون آیی گس بکنت، گلرخي ناکو که ای هیرا اوشکت گون وتی براسا یعنی گلرخي پسوا سول کرت. قاضی گون گلرخ گس کرت. رندا ایشی قاضی په آیی گشت، منه زانین که ته شیوارین جنکوی استی، مگه یک هیری سرا خیالداري بکن، یعنی به منی پیسلانی سرا کاری مه داشگ بئ، گلرخ منت. وتی عادین زندگیا بنا کرت، گون مچین مردمان باز شرین رپتاری داشت.

قاضی گسی مچین است و بستا په آبی دانت. یک روچی گلرخ پکر کرت که وترا چون شه قاضی گیرا هلاس بکنت.

گلرخ په قاضی گشتی که من شپی ترا مهمانه کنین و مزگ دارین نانه پچین قاضی منت. همی که نان جوړ بوت، گلرخ جندی نانانه په قاضی بُرت، همیکه نائی ورگ الاس بوت. قاضیا و اب گپت، آ به و اب شت، گلرخ که شه دیما تیاری گپتت، قاضی گاریا سوار بوت و وتی پسو گسا شت، همی که اودان رست مچین داستانا به وتی پسوا گشت.

گادی و خدمتگاران رخصت کرت و گشت که من چنت روچی ادنا به هلاکا گوازینین.

باندا نیمروچی که قاضی شه و اب اوستات، دنا سیل کرت دیست که به

دگه هلاکي ته انت و گلرخ گون دگه شلواری پادا کرتنا و کسانین دستمالی سر کنگا وتی گوکا گپته و دیمی گسا را دگ انت.

دیمی قاضی دیست. آ په آیی گشت ته تنگته منی کسی ته انت، جای نه شتگی؟ گلرخ گشت: من شه تتی گسا شُتگن. ای منی پسو گس انت.

قاضی په آیی گشت، پرچی منا ادنا آورتی؟ گلرخ په آیی گشت: ته په من گشتی که منی یک چیزي گون وت بارت که ته خوش دارئ و گون وت برتگه کنی. قاضی گشت: بلی من گشته تون. گلرخ گشت: ایوکا ترا خوش داشتن پمیشا ترا آورتن. قاضی دگه جوابی نداشت، دگه همدت و گشت:

راست انت که ته شه من شیوار تر استی، شدو پد ته به محکما گون منی پیسله آن شریک استی و منا کمکه کنی.

ای داستان نتیجه و آس ایش انت که بنیادم شه مال و دارایی داشتنا شیواره نبیت، بلکین بی وس و نادارین مردم هم وتی شیواریا دارنت. چو که شائیر به ای باروا گشیت: بنی آدم از علم یابد کمال/ نه از حشمت و جاه و مال و منال/ چو شمع از پی علم باید گداخت/ چو بی علم نتوان خدا را شناخت. گلرخ سترکه نادارین چَنکی ات، بلی گون هما وتی حالت و جاورا قاضی شه آیی پکر و خیالا وتی پیسله آنی ته کاره گپت.



## کشکا و مال نگه لبتا ده کران و منجان

کران و منجان یو سرزمین پُر ژه ساستاف اُست. بيشدر و شغل مردم غان کشکا ژه زأخماف تشکيل ديلد. ده فصل بهار و تابستان وه دهقاني مصرؤفي آيات ده باغداری و کشکاوان نه زأخمافشان، وُاف که مال و غاوي لارأت نه خارقاف ثنأت پيه الخزي فه مينيشان گيارت .

کران و منجانان جاند فريمان و شیرين ياوغي، اوای-ش ملايم و خؤش نسيم، ستر و حاصل خيز زأخمي، سفز میرغي و مردم کاریگر و زحمت کشي لبِت. و ژنکي اُم بی تفاوتی چننبأت، برابر نه مبرأف ارغ کنأت .

فه زأخماف قأژه کوياغاف، يسين، يغ، سپرين وه مبري کارأت و زخمي-شان ژه چپند درياچه غاف ياوغه خرات، للمي زأخمي ژه دستیان که چنقي کشکا چأيات. کأيقه که زأخمي کب لبِت، ژاواف که جاند لارأت طلاؤوي که اُسال يُو زأخمه دأل تا کارأم. اگر امکان فرمي وه زأخمدار الخ ژي بيدؤن کيپم توقع ديلد که کبِت، اگر کيپم مشکل فه فرمي، اُمبازه ديلد.

کويه

ده اول ثور ده منجان وه کويي شرؤعي آيات، پيره وه مردم که قدير نه جنوبان يُو و صفر مينيش پيره ژه مردم شمالان فه کوياف بناي کنأت، وه اسيايي که مردم منجان ده وخت کشکا ژاواف ارغ غرقاف الخ که: ويل سپرکه، فيا، آبش (ماله)، سپره، يغ نه کوياغاف ترغداوان، ايسپن و آتنگ اُست .

پيره ژه شرؤع شياوان ژه کوياف تقريباً له ماهي پيره مردم پايغاف شکجات. اُرکدي کؤشش کيند قأتي شکفه پايغ کيند که وآن وه زأخمي کب فرمأت و نفر جاند، سکم که ده منجان انژينه که ميري ده کويه جاند فرمأت و ارغ آسان اي. وه کبش ژي بايد آفده يا آشکنييني ده کويه فرمأت.

زمانیکه فه کشکا بنا کرأت وه وظيفه ژه اُرکيپم کاریگران که داو ارغ مهارت لبِت مشخص اي. الذکه يُوکني يا لؤيني ده فبرأف خيشکا، لؤيني ده ويل سپرکه، که وه يُو لبِت وه ايدير خيشک، يُوکني کوپکيکي دي، ايدير کويافي اُی کيند و يُوکني يا لؤيني قأژه آبشان مالِه کنأت. الخزي تا نه اُدا شياوان نه کويين اُر کدي فه خأی وظيفه فزيند .

زمان ارغ يا کويه کرا ژه پانچ بجهغان ژاو سارآن که شرؤع کنأت تا قريب نه شام نمبژان کارأت. ژه پگه اُن تا بيگه بسرائی قهر ناغن خرات. يُو قهر چای پگه آفده يا آشکه بجه، چشي ده يازده الي دوازده بجه آش جؤر کنأت، و پفرغ ده له بجه شیرچای ايسأت، باد ژاوان خشوه پاه و کاریکري فه خشيمه ده کی ناوان که کارأت خرات. ده قسمت جنوبي منجان ده پفرغ يُو غأشي طعام الخ که شرؤای، شیربرنج، بأتک و غيره شتيغي ييسأت .

ده کويه رواج ملخ اُست که ناوان ژي که کارت ده اولي مينيش وه گردهغاکي ککبهد و ده پگه ژه پايغأياف وه ژنکي جمعيات و نه زأخماف چای ييسأت، وره اُرکای که دختر خوانه فرمي يا کيپم فه نامزاد فرمي کبدر ژه گردهغاکن ناواف شکرات.

آبش

يُو وسيله ي اُست که فه دسته و سر کرپنش ژه اُر قسم سکوبتان جؤر کنأت مگر فه لاندأفش ژه اکاندي اُن. پيه آبش بيشدر فه ياناوياف اُمواري کنأت .

آبش له قسم اُست يُو ستر و يُو دکدر فه ستر مالِه اُم ژايات؛ پيه ستر زماني که فه کوياغاف چپند کشکي فدأت پياو فه زأخمه مالئعه کنأت .



وېل سپره

پيه وېل سپره جۇياكي خشأت قاژه آدمأن، قأيه ژه له سكوبتأف كه يو ورزغ و ايدير چنگه فرمي قسمي جوره كنأت الخ كه وه سپره نه كوياغأف. ده نوک ده اوسپ يو پنبه لاسه يا محكم بندك حلقه ترانجات جأى نه لاستأف غرقداوان. باد كه قه زأخمه شېقدأت و پيه ماله أمواره كرأت و فيري خيشكا اداي شيأت، بنا كنأت نه جۇيا كأف ژياوان، باد و يو آدم لېت وه ايدير خيشك .

پيايه سكاو جۇيكأكي خشأت كه وه غرأى ژأى منطلقأف جاند پلم أست. اگر ستر جۇياكي فرمأت و جاند ياوغه درأى پا قه غرأى وه ياوغه شيند. ژأى سپرين فقط ده قسمت منجان ده جۇياكأف ژيا استفاده كنأت، ده ايدير جأياف پيه كوياغأف جۇياكي دأت چيكه و غرأى فرق كيند .

لرأوي كرا

يو عنعنه ي أست كه تاؤس مألېن ده دهقانأف رواج أست. زماني كه غاندم و يا ايدير شتيغي نه مرحله لرياوان رسي، نه لرياوان شرؤع كنأت. ار كأى كه زأخمي نه لرياوان لېت و چيكر كيند په تاقه ي لريد، اگر وزيد و گرمي وشك كيند يا به علت سارماه و حيوانات كه ژه خارقأف خمباقات ژه بينأن اي و حاصل ژه لاستن ديلد .

باد يو مينش پيره قه أمسايه و خيش و قومأف نيوېندي خبري كنأت. وأى سار پگه قه چأى ده لرأودار كأى خرأت و حيات تا بيگه ناوان لريأت بيدؤن كيأم مزد قه .

ناگفته چوزيد، اگر ده لرأودار كأى ژنكي جاند فرمأت وأى خيأني قه ژنكأف نوېندي ژايات، سكاو كه مه رسوم أم أست. وه ژنكي قاژه ژنكأف لريأت وه مېري قأتي ژه مېرأف .

نوېندي شتا جز فرهنگ پسنديده ژه مردم ولسوالي كران و منجانأن أست، كه ژه قديمأن أمار نه دوستأف و لاست غرقدا ژه أمدگران مألېن دم مردم رواج لېت .

نوېندي شتا ده بيشدر ارغأف الخكه ده غاندم لريا، سرک جوړ كرا، سره خيشكا، كأى نغستا، خرسأگه قدا، مسجد جوړ كرا، قار بدأوبندا، كؤشكأف خيشكا، كېنگي ككاي و ايدير شتيغأف ژايات .

خرأم نرم كرا

ژه سابقأن تا وېس ده خرأم نرم كرا ژه حيوانأف الخ كه: كوياغأن، خرين و يگان وخت ياسپان ارغ غرقأت .

اگر كويافي جاند فرمأت كله گاو ترانجات و چير أم بند كنأت. ده حين أى كرا نه حيوانأف كه ده خرأم ترغدي وه نفرأن كه قأواف أى كيند يو پخشكه ده لاست غريقفد. اگر وأى گخشأت فرخيا، وه دستي قه پخشكه لېت تا ده غاندم گد چي اي. قه يرقأف ژه حيوانأف پيه تيغه محكم ترانجات تا قه خؤشه غأف چخرأت، يا سآفدي نه يرقأف شان جوړي كنأت كه وأى راحتدري ژه ترغداوان كأده أست.

زماني كه وه خرأم نرم شي فرأغده كنأت، باد وه أمسايه يي جمعي آيات و قأوه پيه چونأف لقانأت .







معاون مۇلف حاجى مراد قايى

مطلب تركمنى

## نأمة اۆچين كتاب اوقايارېس؟

فايده سې بار و كتاب اوقاماق ضرورت دېر. كتاب اوقاماق لېغېنگ آيراتين فايده سې و اهميتى بار دېر و بيز كتاب اوقاماق لېغېنگ كآبېر فايده و اهميت لرينى بۇ يردە بيان اديأريس.

۱- كتاب اوقايان آدم ترتيب لى و خاص دا بختلې دېر. اۆز وجدانېندان راضى دېر. بۇنە دىنگە كتاب بيلن عكس آلدېريان لار آداوچې لار دېر، اولار اۆزۇنى، دۇستۇنى ھمدە وجدانېنى آدايارلار. كتاب اوقايان كيشى لر كآ وقت لار كتاب بيلن يۆرك درد لرينى غۇناتيارلار و كآ وقت لار ھم يۆرك دردلرينى تسكين اديأرلار. كآ وقتلار كتاب دان اۆرنيلرلر و كآ وقت لار ھم كتاب گۆرۇنگ اديأرلار. كتاب اوقاماق ذھنېنگى گۆيچ لنديريار؛ فكرينگى آيدېنگلاش دېريار و تفاوت لارې بىرلش ديرمك اۆچين دۇغرې يۆلې سچيار. كتاب اوقامايان كيشى لر بختلې لېغې اورتا گتيرپ بيلمە يار و اۆزۇنىنگ كله جگىنى غۇرشاپ بيلمە يار. بختلې لېغې دۇرە تمك درك اتمك ليك گۆجۇنى خواھلايار و كتاب بۇلۇش لېق اۆچين دۇغرې يۆلې سايلايشېلق ضرور دېر. ھر بىر انسان فكرينى گۆيچ لنديرپ، فھم- پاىخاسې بيلن بختلې بۇلۇپ بيلر.

۲- آلبركامو "بختلې اۆلۇم" آتلې كتابېندا اوقاماغې بختلې ياشاماغېنگ و خۇشېلق دۇرت مگىنگ اصولې دىيپ حسالاپ دېر. كتاب اوقايان كيشى لر دۇرمۇش دا بختلې و خۇشېلق دۇرە دىپ بىلجك دىگىنە و كتابلارېندان اۆرە نن ذاتلارېنا دۇشۇنىپ و اۆلۇنېپ، باشغالارلا يۆل گۆركزىجى بۇلۇپ بىلجك دىگىنە اېنانيار. شيلە آدم بىر مسئلە نىنگ چۆزگۆدىنى تاپپ بيلر و اۇنگا سىزېلق بىر يۇق بۇلپانچا بىر اۇنگاى

كتاب اوقاماغا و كتاب بيلن ياشاماغا تاغالا ادينك! اوقاماق، يانماق دآل دە، ياشاماق دېر. اوقۇو اينك قيمت بهالې نعمت لرينك بىرى دېر. اوقامازلېق اۆزۇنگى آداماق دېر. اۆز- اۆزۇنگى آداماق كتاب اوقاماق دآل دە، كتاب بيلن اۆيۇن اتمك دېر. البته اوقاماق، كتاب بيلن صۇرتا دۇشمك دن تفاوت لې دېر. كتاب بيلن صۇرتا دۇشمك اۆزۇنگى آداماق و عمرۇنگى ضايع اتمك دېر. مانە شۇ عمرۇنگى ضايع اتمك سببى دۇرمۇش دا دۆرلى ھىلى غىنچېلق لارا غاليارېس. كتاب اوقايان لار بيلن كتاب اوقامايانلارېنگ آراسېندا ھنوز ھم اۆلې بۇشلۇق بار. شاملۇنگ آيدېشېنا گۇرأ بو ايكي گۆرنۇشلى كيشىنى دنگش ديريپ بۇلمايار. چۆنكە بىرى ياختې لېق و بيلە كيسى غارانگقې لېق دېر. شۇنۇنگ اۆچين ياختې لېق اۆوادان لېق و غارانگقې لېق ھميشە ياختې لېغېنگ غارشې سېندا ينگىلمك دېر.

بۇ يردە سۇراغ نأمة اۆچين كتاب اوقامالې؟ فايده سې نأمة؟ شك سىز- شھبە سىز؛ كتاب اوقاماق اۆرأن اهميتلى و اۆزۇنىنگ آيراتين لېقلارې بار دېر. كتاب اوقايان كيشى كتاب اوقامايان كيشى دن تفاوت لانيار. دۇرمۇشېنگ اصولۇندان باشلاپ، ناھىلى رويە، غاتناشېق، رفتار و حتى بار- يۇق لېغا دۇشۇنمك ليكى بحث اديأر. بۇقارداقې سۇراغا جواب حكمنە كتاب اوقاماغېنگ غۇوې دېغېنى و دۇرمۇشېنگ ضرورتې دېغېنى گۆركزىان ذاتلارې يادلالمالې دېرېس. سارتر «بارلېق و يۇقلىق» دۇغرې سېندا كتاب اوقاماقلېق بىر ھنر دېر، ھر بىر كيشى اوقاپ بيلمە يار. كتاب اوقايان كيشى لر اميدلې ياشايارلار. اميدلې ياشايان كيشى لر آزاد و اركين ديرلر. بۇغسام ھر بىر كيشى اركين ليگىنگ اېزېندان گيدن يۇق دېر. حقيقت بۇ دېر كە كتاب اوقاماق غۇوې دېر.

سېزلىقى چۆرۈپ بىلەر. كىتاب اۇقامايان گىشى دۇرمۇشېڭ اۇلى  
مىسلە لرىنى چۆرۈپ بىلمە يار و دۇرمۇشېڭ بختلى اتمك اۆچىن  
ادىم آردىپ بىلمە يار. چۆنكە اۇيله انسانلار شيله ايشلىرىڭ  
چۆرگۈدىنى ئادىپ چۆزك دىگىنى بىلن يۇق دىر. اۇلارېڭ فكىرى  
مىسلە لرى چۆزك دن ضعيف دىر. دۇغرى دان هم اۇقۇو سېز  
انسان لارېڭ فھم- پاىخاسې دۇرمۇش واقعه لارېڭ چۆزك دن  
عاجز دىر. ياراماز يۇلداش دان غۇتۇلماق اۆچىن كىتابېڭ  
غۇجاغېنا پناه ادىنمك آنكسات و يرلىكىلى دىر. ئامە اۆچىن دىيە  
نىڭ دە كىتاب آدمې دۇيۇريان و اۇنگا دۇشۇنچە برىان كىتاب  
دىر. اۇنگا فھم- پاىخاس و ھۇشيارلىق برىار و وجدان آغرى سېنى  
اۇنۇڭ بدنېدن چىقاريار. سارتر كىتاب اۇقايشلىق لحظه لرى  
ياشايشېڭ اينگ سۆيىچى لحظه لرىدن دىر. ھاوا، ئامە ذات  
غۇوې دۇست دان غۇوې راق دېر؟ دۇستى كە بى مقصد سانگا  
بىلىم اۇرتىار؛ دردىنگى درمان ادىار؛ نادان لىق غارا بختلىغېندان  
چىقاريار؛ غارالبىغې و اۇقامازلىغې بدنېنگدن گم ادىار. بۇ دىنگە  
بىر كىتاب بۇلۇپ بىلەر. اۇندا فھم- پاىخاس بۇلۇش اۆچىن كىتاب  
اۇقاماق لىق دۇغرى دىر. ايران داستانچې سې زويا پىرزاد "چراغ ھا  
را من خاموش مى كنم" اۆلى كىتابېندا كىتابا پناه ادىش لىگى يۇرك  
غېسما سېندان و غېنچىلىق دان غۇتۇلماق يۇلى دىيىپ دىر. اۇل  
غاناتلاندېرېپ يازيار (كىتاب پناه برىچى دۇست بۇلۇپ بىلەر و هم  
راز هم بۇلۇپ بىلەر). شۇ يۆزدن كىتابېڭ غۇيۇنۇنا گىرمك بىچارە  
لىگە گۇرۇ بىر چارە دىر، غاتې لىق، درد، يۇرك غېسما و غىنچىلىقا  
گۇرۇ بىر پناه گاه دىر. اۇندا كىتاب اۇقالىڭ و كىتاب اۇقاماق بىلن  
غېزىق لالالىڭ، شۇيدىپ غىنچىچىلىقلارې و اربىلىكلرى چۆرۈپ  
بىلرېس.

۳- كىتاب خستە لېغې و ىنگىلىشى آرام ادىان دىر. ھر بىر  
زمان ىنگىلىسك كىتاب اۇقانگ كە دۇيغې لانېپ برک و قايم  
غالسانگېزلار. اگر بۇ شكل دە كىتاب اۇقاماسانگېز ىنگمە گىنگىز  
ممكەن دىر و غايدېپ آياغا غالىپ بىلمە يارسىنگىز. كىتاب اۇقاماق  
لې ىنگىلىش بخت سېز لېغې نېڭ يۆزۇنى ياپېپ، اۆستۆن  
لىكىنگى كۇپلدىار و تىزلىك بىلن دۇشمك لىكىنگ آلبېن آليار. ھر  
بىر ىنگىلن زمانېڭ دا كىتاب اۇقاماسانگ ىنگىلىش آغرىغې سىزە  
اذىت برىار و تباه اتمگى هم ممكەن دىر. چۆنكە ىنگىلىش  
انسانېڭ گۆچ- قوتېنې كملدىار، دىنگە اميد سېزلىق برىارو  
كىتاب اميد برىچى دىر. ھر بىر ىنگىلن زمانېڭ ھدفىنگە ىتېشىپ  
بىلمە سىڭ، كىتاب اۇقاماق لېغا يۆز گىتىرىڭ و دۇيغې لې اثرلىرى  
اۇقانگ. كىتاب اۇقاماق لېغې الگو ادى نىڭ، اۇلې لار دۇغرى

سېندا اۇقانگ و اۇلار گچمىش دە ئادىپ ىنگىچى بۇلان دېقلارى  
دۇغرى سېندا بارلغ ادىنگ. كىتاب اۇقاماق لېغې ھىچ بىر زمان  
غۇيمانگ و ىنگىلىش بھانە سې بىلن حركت لرىنگىزدن اېزا  
غايتمانگ.

۴- كىتاب اۇقاماق لېق انسانېڭ روھىنې دىرى ساقلايار.  
شكىسپىر «كىتاب اۇقاماق ياشاشېڭ اىكىنچى يۆزى دىر دىيىار.  
اۇندا كىتاب اۇقاماق لېق بۇلماسا، ياشايش بىر يۆزلى لىگە  
گىتیار. ىنگىلن زمانېڭ دا بىر پناه ادر يالى ير بۇلماسا ھر ھىلى  
خىرلې حادثە لار يۆز برمگى ممكەن دىر. ھر بىر ىنگىلىپ يېقېلان  
زمانېڭ كىتاب اۇقاماق لېغا پناه ادىنسك، كىتاب سانگا گۆچ-  
قوت برىپ، ىنگىلىشى ىنگىار. ئامە اۆچىن دىيە نىڭ دە  
ىنگىش لىگىڭ آچارې اۇقاماق و بىلمك بىلن يۆز برىان دىر.

۵- كىتاب اۇقاماق غاتناشېغې غۇوې لاندېرېار. آلبىركامو  
(بختلى اۇلۇم) دىين كىتابېندا كىتاب اۇقاماق لېغې غاتناشېغېڭ  
كۇپلمگى سبب بۇليار دىيىپ دىر. اۇل كىتاب اۇقاماق بىلن  
غاتناشېق اۇرتا گلىان دىگىنە و اۇزاق لېقلارې ياقىن لېغا  
اۇريان دىگىنە اېنان يار. ياشايش دا كىتابېڭ رۇلې اۇران مھم  
دىر و ناھىلى غۇوې دىرىچىلىك ادىپ بۇلجاق دېغې آتېق  
دۇشۇندىريار؛ نىردن باشلالىڭ؛ ناھىلى اۇز غاتناشېغې مېزې  
اۇلالدالىڭ. اصلېندا اۇستۆن كۇرشناس برىان ترىسى، (من  
ىنگىچى) آتې كىتابېندا كىتاب اۇقاماق لېغې ياغشى ياشاماق و  
اۇستۆن غالماق دىيىپ دۇشۇنىپ دىر. اۇل كىتاب اۇقايمان گىشى  
نىڭ غاتناشېغې سالم بۇليار دىيار و اۇنۇڭ ياشايشې كىتاب  
اۇقامايان گىشى لرە گۇرۇ ساغلىق و سلامت لېقدان دۇلې لايىن  
برخوردار دىر.

۶- كىتاب اۇقاماق لېق اۇخىنې دۆزگۇنلى و راحت راق  
ادىار. چون كىتاب اۇقاماق انسانېڭ اوى و حواسىنى  
دۆزگۇنلى ادىپ دىنگە كىتابېڭ آيدان طرفېنا آلبې  
گىتیار. شۇنۇڭ يالى اۇنۇڭ زھىنى غاربشمايار،  
دىنگە بىر طرفە گىتیار، بۇ پروسە اۇنۇڭ اۆچىن  
ضرر ىتىرمە يار و اۇنۇڭ اۇخلايش طرىقە سېنى  
سالم ساقلايار.

ماخذلار

۱. كامو، آلبىر. مرگ خوش. مترجم: لامع، احسان. ۱۴۰۱.
- نشر ىرى: نگاه چاپ خانه سې
۲. ترىسى، برىان. حرف بزن برندە شوى. مترجم: سىز  
چمنى، فرىبا. ۱۳۹۴. نشر ىرى: شادن پژواک.

## العهدۃ العمریة

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا ما أعطى عبد الله عمر أمير المؤمنين أهل إيلياء من الأمان؛ أعطاهم أماناً لأنفسهم وأموالهم، ولكنائسهم وصلبانهم، وسقيمتها وبريئتها وسائر ملتها، أنه لا تسكن كنائسهم ولا تهدم، ولا ينتقص منها ولا من حيزها، ولا من صليبهم، ولا من شيء من أموالهم، ولا يكرهون على دينهم، ولا يضار أحد منهم، ولا يسكن بإيلياء معهم أحد من اليهود، وعلى أهل إيلياء أن يعطوا الجزية كما يعطي أهل المدائن، وعليهم أن يخرجوا منها الروم واللصوص، فمن خرج منهم، فإنه آمن على نفسه وماله حتى يبلغوا مأمنهم، ومن أقام منهم فهو آمن؛ وعليه مثل ما على أهل إيلياء من الجزية، ومن أحب من أهل إيلياء أن يسير بنفسه وماله مع الروم ويخلي بينهم وصلبهم، فإنهم آمنون على أنفسهم وعلى بيعهم وصلبهم حتى يبلغوا مأمنهم، ومن كان بها من أهل الأرض قبل مقتل فلان، فمن شاء منهم قعد وعليه مثل ما على أهل إيلياء من الجزية، ومن شاء سار مع الروم، ومن شاء رجع إلى أهله، فإنه لا يؤخذ منهم شيء حتى يحصد حصادهم، وعلى ما في هذا الكتاب عهد الله وذمة رسوله وذمة الخلفاء وذمة المؤمنين، إذا أعطوا الذي عليهم من الجزية. شهد على ذلك خالد بن الوليد، عمرو بن العاص، وعبد الرحمن بن عوف، ومعاوية بن أبي سفيان وكتب وحضر سنة خمس عشرة.

## په بیت المقدس کې عمري وثبقة

حمد الله فطرت

د عمري وثيقې په اړه چې ټولو تاريخونو يې په اړه بحث كړى له عمري خلافت څخه تر دې مهاله يو له هغو مهمو تاريخي لاسوندونو څخه ده چې د يو فاتح لښكر د تسامح، نيك تعامل او ښه سلوك گواهي وړ كوي. په وثيقه كې د عدالت، رحم او د مسلمانانو ددې ستر شخصيت د حكمت او سياست بېلگې لېدلې شو. په وثيقه كې پر لاندې ټكو پرېكړه شوې:

بسم الله الرحمن الرحيم

دا هغه څه دي چې د الله بنده او د مسلمانانو امير له خوا د ايلياء اوسېدونكو ته ددوى د امان په باره كې، وركول شوي. دوى ته د سر، مال، كلېساگانو، صليبونو، ناروغانو، بې گناه كسانو او د ټول ملت لپاره امن وركول شو. ددوى كلېساگانې به نه نړول كيږي او نه به تصرف پكې كيږي، نه به د كلېساوو په شتمنيو او نورو مذهبي ټوكو غرض لرل كيږي. نه به له دوى سره د دين له كبله كره كېږي. نه به څوك دين پرېښودو ته مجبورېږي. نه به د ايلياء (بیت المقدس پخواني نوم) له وگړو سره يهوديان ميشته كېږي. د ايلياء وگړي به كټ مټ لكه د مداين وگړي جزیه وركوي. په بدل كې به اسلامي لښكر له دې سيمې روميان، نور شو كمار او غله باسي. د ايلياء وگړي كه غواړي نو كولاى شي په امن له روميانو سره ولاړ شي، خپل منقول مالونه له ځان سره ولاړ شي خو غير منقول جايدادونه او صليبونه به پرېږدي. د كښتونو تر ريلو مخكې به جزیه نه ترې اخيستل كيږي.